

درسنامه ی علوم و فنون

پایه ی دهم

تهیه شده

گروه زبان و ادبیات فارسی استان آذربایجان شرقی

سال تحصیلی

۱۴۰۴_۱۴۰۵

حکیمه پورآذر سرگروه ادبیات فارسی استان آذربایجان شرقی

ویرایش 1400 : دینا مرادیان

بازبینی مهرماه 1404 : منیژه غفارزاده گلشنی

تالیف:

(روح انگیز راشدی - فریبا کاظمی سعید - قربان برومند نژاد - مریم نادری - عبدالله اسلامی اصل - محمد قاسمی - محمد فتاحی - سید اکبر موسوی - مهدی رنجبر سلیمانی - حسین عمیدی کلوانق - مینا قره‌داغی - مرتضی عبداللهی)



دی



فهرست مطالب

شماره صفحه	فهرست
6	فصل اول
7	درس اول
9	خودارزیابی
15	درس دوم
16	خودارزیابی
17	کارگاه متن پژوهی
21	فصل دوم
22	درس چهارم
25	خودارزیابی
26	نمونه سوالات
28	درس پنجم
29	خودارزیابی
32	درس ششم
33	خودارزیابی
34	نمونه سوالات تستی
36	فصل سوم
37	درس هفتم
40	سوالات تشریحی
42	پاسخ خودارزیابی
43	درس هشتم
45	خودارزیابی
46	نمونه سوالات
47	درس نهم
48	خودارزیابی
49	کارگاه متن پژوهی
50	سوالات آزمون
51	پاسخ نامه
52	فصل چهارم
53	درس دهم
56	خودارزیابی
57	پرسش های متن
59	آزمون پایانی
61	درس یازدهم
63	خودارزیابی
65	سوالات تشریحی
67	درس دوازدهم
70	نمونه سوالات
71	خودارزیابی
73	کارگاه متن پژوهی
76	مجموعه سوالات مفهومی دبیرخانه

ستایش

ای بی نشان

ای بی نشان محض، نشان از که جویمت؟	گم گشت در تو هر دو جهان، از که جویمت؟
تو گم نه‌ای و گمشده تو منم ولیک	نایافت یافت می‌توان، از که جویمت؟
پیدا بسی بجستم اما نیافتم	اکنون مرا بگو که نهان، از که جویمت؟
چون در رهت یقین و گمانی همی‌رود	ای برتر از یقین و گمان، از که جویمت؟
در جست و جوی تو، دلم از پرده افتاد	ای در درون پرده جان، از که جویمت؟
عطار اگرچه یافت به عین یقین تو را	ای بس عیان به عین عیان، از که جویمت؟

عطار نیشابوری، دیوان اشعار

فصل یکم

*	
مبانی تحلیل متن	درس یکم
سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار در شعر فارسی	درس دوم
واج آرایی، واژه آرایی	درس سوم
* کارگاه تحلیل فصل	





کالبدشکافی متن (شعر)

۱. خوانش شعر

** نگاه کلی به متن از آغاز تا انجام برای کشف لحن و آهنگ و درک ارتباط طولی ابیات و فهم محتوا

۲. شناسایی و استخراج نکات زبانی

۱- وجود واژگان کهن

ز فرمان تن آزاده و زنده پوش ز آواز پیغاره آسوده گوش

۲- کمی واژگان غیر فارسی: مانند شاهنا مه فردوسی که تعداد لغات غیرفارسی در آن بسیار کم است.

۳- کاربرد شبکه معنایی:

ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد

در بیت بالا، کلماتی مثل «ارغوان، سمن، نرگس و شقایق» شبکه معنایی ایجاد کرده‌اند.

۴- ترکیب‌سازی: در اشعار نظامی به وفور دیده می‌شود.

ای شاهسوار ملک هستی سلطان خرد به چیره دستی
ای حاکم کشور کفایت فرمانده فتوی ولایت

۵- کاربردهای دستور تاریخی:

گر سوی مصرت بردمی، خون زلیخا خوردمی
زندان یوسف کردمی چاه زنخدان تو را

۶- سادگی و کوتاهی جمله‌ها:

آنچه تغیر نپذیرد تویی آنچه نمرده است و نمیرد تویی

۳. شناسایی و استخراج نکات ادبی

۱- قالب شعرها: مانند قصیده، قطعه، غزل، مثنوی و ...

۲- آرایه‌های ادبی: تشبیه - استعاره - مجاز - کنایه - سجع - مراعات نظیر - جناس و ...

۴. شناسایی و استخراج نکات فکری

بررسی نگرش فکری شاعر و هدف او:

ز چرخ آمد قضا نز کام مردم ازیرا بنده آمد نام مردم

شاعر در این بیت دیدگاه جبرگرایانه دارد و پیشامدهای زندگی را وابسته به سرنوشت می‌داند نه افعال انسان‌ها.

جمله ذرات جهان مرآت اوست هرچه بینی مصحف آیات اوست

شاعر در این بیت دیدگاه عرفانی دارد و همه مخلوقات را جلوه‌هایی از آفریدگار می‌داند.

جمع‌بندی درونمایه‌ی اثر و استخراج نوع ادبی:

سر و روی مردان، پر از گرد و خاک

زره لخت‌لخت و قبا چاک چاک

حماسی

مگر آن کز همه عالم غم لیلی دارد

حال مجنون گرفتار چه داند عاقل

غنایی

کنون که نوبت توست ای ملک به عدل گرای

به نوبت اند ملوک اندر این سپنج‌سرای

تعلیمی

کالبدشکافی متن (نثر)

** نخستین گام در رویارویی با متن - (مرحله‌ی چشم‌خوانی) نگاه اجمالی به متن برای به‌دست آوردن نمای کلی

1- خوانش متن

در این مرحله رعایت نشانه‌های نگارشی درون‌متنی، هنگام خواندن، به درک عمیق‌تر متن کمک می‌کند.

۲- شناسایی و استخراج نکات زبانی

1- کاربردهای کهن کلمات: مانند «سرباز نهادن» به جای استراحت / «پرسیدن» به معنی به کمال انجامیدن / «کالیوه»

به معنی پریشان

2- کاربردهای متفاوت حروف اضافه: «با» به معنی «به» ... و پس از این عصر مردمان دیگر عصر «با» آن رجوع

کنند و بدانند.

3- نوع جمع بستن کلمات: گاه با علائم جمع عربی یا فارسی کلمات جمع بسته می‌شوند. / گاهی برخلاف قاعده

اصلی (در زبان عربی) ساخته می‌شود.

۳- شناسایی و استخراج نکات ادبی

توجه به آرایه‌های ادبی: * روی چون تهمت اسلام در دل کافر، و زلف چون خیال شرک در دل مومن.

* هر زخم که زند چون برق بی‌حجاب باشد و چون قضا بی‌خطا رود.

۴- شناسایی و استخراج نکات فکری

نگرش نویسنده: در این مرحله در خواندن متون نثر باید به نگرش‌های برجسته متن توجه کنیم و ببینیم که نویسنده

برای بیان مقصود، چه نکاتی را مطرح کرده است.

5- نتیجه‌گیری

بر پایه‌ی بررسی‌های انجام شده تأکید در این مرحله با توجه به بررسی‌های انجام شده با قطعیت بیشتری درونمایه اثر

می‌توانیم متن را در نوع ادبی مشخص بکنیم.

خودارزیابی درس یکم

1- مفهوم متن را با ذکر دو مثال توضیح دهید. (هر چیزی که ذهن ما را به بویایی درمی آورد، متن است. مقصود ما از متن آثار شعر و نثر فارسی است برای نمونه کتابها معمولاً متن دیداری هستند و اگر خوانده شوند به آنها متن شنیداری یا خوانداری می گویند. (صداهایی که می شنویم) شنیداری. (بویی که حس می کنیم) بویایی (مزه های که می چشیم) چشایی و... نیز محسوب می شود. متن از سه دیدگاه زبان ادبیات و فکر یعنی در سه قلمرو بررسی می شود: زبانی، ادبی و فکری.)

2- یکی از آسان ترین و کاربردی ترین شیوه ها در بررسی و تحلیل متن چیست؟ (متن از سه دیدگاه زبان، ادبیات و فکر یعنی در سه قلمرو بررسی می شود: زبانی، ادبی و فکری)

3- با توجه به قلمرو فکری دیدگاه خود را درباره محتوا و موضوع سروده زیر بنویسید.
«آب را گل نکنیم / در فرودست انگار، کفتری می خورد آب / یا که در بیشه دور، سیره ای پر می شوید یا در آبادی، کوزه ای پر می گردد. / آب را گل نکنیم / شاید این آب روان، می رود پای سپیداری تا فرو شوید اندوه دلی / دست درویشی شاید نان خشکیده فرو برده در آب...»

(این متن عرفانی است و سپهری با کمک گرفتن از طبیعت و با دیدگاه عرفانی تلاش می کند مهربانی و دوستی را میان همه پدیده های هستی مطرح کند. شاعر در این شعر از شهرگمشده و سرزمین آرمانی اش سخن می گوید و خوشبین است و خوشبینی را القا می کند و آب تمثیلی است برای تمام زندگی و گل نماد نادرستی و کژی است. روح بزرگ سپهری در این شعر مشهود است.)

4- در خوانش دقیق شعر زیر به چه نکاتی باید توجه کرد؟

نهنگی بچه خود را چه خوش گفت:
به موج آویز و از ساحل پرهیز

(اول اینکه شعر را با لحن روایی - اندرزی بخوانیم و از ویرگولها در جای دقیق استفاده کنیم.)

5- سروده زیر را بخوانید و با توجه به قلمرو ادبی (کنایه، تشبیه، تشخیص، مثل و مراعات النظیر) را شناسایی کنید.

هر که زین گلشن لبی خندان تر از گل بایدهش	خاطری فارغ ز عالم چون تو گل بایدهش
خرده ای از مال دنیا در بساط هر که هست	جبهه واکرده ای پیوسته چون گل بایدهش
هر که می خواهد که از سنجیده گفتاران شود	بر زبان بند گرانی از تأمل بایدهش
صبر بر جور فلک کن تا بر آبی روسفید	دانه چون در آسیا افتد تحمل بایدهش
قطره آبی که دارد در نظر گوهر شدن	از کنار ابر، تا دریا تنزل بایدهش

(تشبیه تأمل به بند گران / لبی خندان تر از گل: تشخیص / قطره، آبی که دارد: تشخیص / جبهه واکرده ای پیوسته چون گل: تشخیص / جبهه واکرده: کنایه از فضل و بخشش / جور فلک: تشخیص / دانه در آسیاب تأمل: تشخیص / قطره آب، گوهر، ابر: مراعات النظیر).

6- با توجه به متن زیر به پرسش ها پاسخ دهید.

«شنیدم که خلیفه‌ای خوابی دید بر آن جمله که پنداشتی که همه دندان‌های او بیرون افتادی به یک بار. بامداد خوابگزاری را بخواند و پرسید که تعبیر این خواب چیست؟ معبر گفت: زندگانی امیر دراز باد همه اقربای تو پیش از تو بمیرند چنان که کسی از تو باز نماند.

خلیفه گفت: این مرد را صد چوب بزیند چرا بدین دردناکی سخن اندر بر روی من بگفت؟ چه اگر همه اقربای من پیش از من بمیرند پس آنگاه من که باشم؟ خوابگزاری دیگر بیاوردند، همین خواب با وی بگفت.
خوابگزار گفت: بدین خواب که امیر گفت دلیل کند که خداوند دراز زندگانی تر از همه اقربای خویش بود.
خلیفه گفت: تعبیر از آن بیرون نشد (سخن همان است) اما از عبارت تا عبارت بسیار فرق است. این مرد را صد دینار بدهید.»

الف) دو ویژگی زبانی را استخراج کنید. (همه دندانهای او / این مرد را صد چوب بزیند)

ب) (متفاوت سخن گفتن آنها. هر دو یک جمله‌ها را با شیوه‌های متفاوتی گفتند. این نشان از چگونه گفتن متن در نوشته دارد.)

7- حکایت زیر را بخوانید و آنرا از دید قلمرو ادبی و فکری بررسی کنید.

«روزی شخصی پیش بهلول بی ادبی نمود بهلول او را ملامت کرد که چرا شرط ادب بجا نیاوردی؟ او گفت چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته‌اند. گفت: آب و گل تو را نیکو سرشته‌اند اما لگد کم خورده است.»

(قلمرو ادبی: بی ادبی و ادب: تضاد / آب و گل: تناسب / سرشته‌اند: تکرار / لگد کم خوردن: کنایه از تلاش و زحمت کم.

قلمرو فکری: اخلاق خوب یک ویژگی انبساطی نیست بلکه انسان آن را با کوشش فراوان به دست می آورد.

نوع متن: تعلیم یا اندرزی.)

درس دوم

سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار در شعر فارسی

مقدمه:

در این درس می‌آموزیم که موسیقی و شعر چه ارتباطی با هم دارند. همانطور که از شعر در موسیقی استفاده می‌شود در درون خود شعر هم موسیقی داریم؛ یعنی همه اشعار موسیقی دارند و منظور از موسیقی در آنها، به طور کلی تناسب‌های نظمی یا آوایی است. مهم‌ترین بخش این تناسب‌ها، چیزی است به نام وزن عروضی. حال وزن شعر اصلاً چیست؟ به آهنگ یا به عبارتی دیگر به ریتمی که از خواندن شعر احساس می‌کنیم، وزن می‌گویند. زبان فارسی قابلیت خیلی زیادی برای ساختن وزن‌های مختلف دارد. در پژوهش‌های دانشگاهی، تا 650 وزن مختلف برای شعر فارسی استخراج و معرفی کرده‌اند.

منبع: (فرهنگ اوزان شعر فارسی، دکتر تقی وحیدیان کامیار، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد).

شعر ذاتاً با موسیقی آمیخته است. از همان قدیم‌الایام هم، شاعران خود را همراه با موسیقی و با صدای خوش می‌خواندند. مثلاً معروف است که رودکی هم شاعر بوده و هم صدای خوبی داشته است. یعنی شعرش را در دربار شاه خودش می‌خوانده است. وزن‌های مختلف، هر کدام برای محتواهای مختلف به کار می‌روند. یعنی اینکه شاعران برای هر حس و حالی و موضوعی از یک سری اوزان خاص متناسب با همان حال و هوا استفاده می‌کنند تا شعرشان حداکثر تأثیرگذاری ممکن را داشته باشد. مثلاً در اشعار حماسی برای القای روحیه جنگاوری، از وزن‌های محکم و کوبنده استفاده می‌شود؛ در غزل، برای بیان احساسات عاشقانه از وزن‌های روان و ساده استفاده می‌شود.

جایی هم که حال و هوا غمناک است از وزن‌های کشدار و در فضای شاد، از اوزان سریع و ریتمیک استفاده می‌شود. مثلاً این شعر را بخوانید:

جز ناله‌های زار چه آرد هوای نای؟

(مسعود سعد سلمان)

آرد هوای نای، مرا ناله‌های زار

شاعر این شعر را در زندانی به نام «نای» سروده است.

این شعر لحن کشدار و پر غصه دارد و در ذهن خواننده آه، ناله و شکایت را تداعی می‌کند.

مثال دیگر برای لحن شاد:

دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم

مرده بدم، زنده شدم، گریه بدم، خنده شدم

(مولوی)

در این مثال برعکس شعر قبلی وزن شعر تند، خیزشی و جهشی است و انسان ناخودآگاه متوجه فضای شاد آن می‌شود.

خلاصه درس:

همه ملتها از موسیقی بهره‌مند هستند. شعر و موسیقی هر دو برای برانگیختن حس و حال عاطفی به کار می‌روند. یعنی حالت‌هایی؛ مانند: غم، شادی، عشق، امید، حیرت و ...

اصلی‌ترین عامل پیدایی شعر، عاطفه است. عاطفه همان حالت روانی - روحی است که شاعر از رخ دادن حادثه‌ای در خود احساس می‌کند و از خواننده می‌خواهد که با وی در آن شریک شود. شاعر برای بیان منظور خود، زبان را به شکلی خاص به کار می‌برد؛ یعنی واژگانی را برمی‌گزیند که در کنار هم، آهنگ و وزن داشته باشند. وزن و آهنگ در انتقال عاطفه تأثیرگذار هستند. رعایت تناسب میان آهنگ و وزن با محتوا، حال و هوای سخن از نظر روحی - روانی اهمیت دارد. در شعر حماسی می‌توان از وزن و آهنگ کوپنده، کوتاه، ضربی و تند برای غنی‌تر کردن فضا استفاده کرد. البته عامل القای یک فضای عاطفی و روحی مانند حماسه، وزن شعر نیست. عوامل دیگری مانند کلمات، لحن کلام، شیوه تصویرسازی و ... هم اهمیت دارند، اما مهم‌ترین عامل میان اینها، وزن است. وزن در شعر پس از عاطفه که رکن معنوی شعر است، مهم‌ترین و موثرترین عامل در شعر است.

علت اینکه انسان شعر را بیشتر از نثر می‌خواند، علاقه به زمزمه و آوازخوانی است که به وسیله وزن به وجود می‌آید. وزن جزء طبیعت شعر است و جنبه تزئینی ندارد. اکثر کتاب‌های مقدس دارای آهنگ و موسیقی خاص هستند. گوش‌نوازی و خوش‌آهنگی باعث تأثیرگذاری بیشتر در انسان می‌شود. وزن ادراکی است که از احساس نظم حاصل می‌شود و امری حسی است و بیرون از ذهن وجود ندارد. وسیله ادراک آن نیز حواس ماست.

تناسب و هم‌سویی وزن و عاطفه، قدرت تأثیرگذاری یک اثر را افزایش می‌دهد. توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، سبب کشف لحن می‌شود و تشخیص لحن شعر، خواندن را دلنشین‌تر و درک محتوا را آسان‌تر می‌کند.

خودارزیابی درس

دوم

- 1- الف) (از تکرار منظم موسیقی به خوبی بهره برده شده است و هم‌سویی وزن و عاطفه بر قدرت اثرگذاری آن افزوده است، همچنین استفاده از واج بلند «آ» به اندوهگین بودن شعر کمک کرده است. وزن شعر طرب‌انگیز، نرم و لطیف است.)
- ب) (آهنگ کلام با محتوای آن هم‌سو است و وزن شعر ریتمی و تند است.)
- پ) (وزن و آهنگ کوپنده، کوتاه و ضربی است که بار حماسی فضای شعر را غنی کرده است و وزن و آهنگ با محتوا هم‌آهنگی کامل دارد.)

ت) (شاعر در این شعر از تکرار منظم موسیقی به خوبی بهره گرفته است و وزن و عاطفه با هم همسو هستند. موسیقی و وزن برخاسته از این شعر حالت عاطفی شاعر را به خواننده به خوبی منتقل می‌کند و شادی شاعر به خوبی قابل درک است.)

۲- الف) (سخن شاعر با وزن و آهنگ در آمیخته و حالت شادی و نشاط درونی او را منتقل می‌کند.)

ب) (حالت غم و اندوه را به خواننده منتقل می‌کند از سنگینی وزن شعر به خوبی می‌توان به این حس پی برد.)

پ) (این شعر بار تعلیمی دارد و مضمون پند و اندرز را در خود جای داده است. وزن شعر هم حالت نصیحت گونه را القا می‌کند.)

آزمون پایانی چهارگزینه‌ای

درس دوم

1- اساسی‌ترین عامل پیدایی شعر کدام است؟ الف) وزن <input type="checkbox"/> ب) عاطفه <input type="checkbox"/> ج) عناصر خیال <input type="checkbox"/> د) آهنگ <input type="checkbox"/>
2- کدام گزینه در مورد وزن نادرست است؟ الف) وزن جزء طبیعت شعر است. <input type="checkbox"/> ب) وزن در انتقال عاطفه تأثیرگذار است. <input type="checkbox"/> ج) وزن در شعر جنبه تزئینی دارد. <input type="checkbox"/> د) پس از عاطفه مهمترین و موثرترین عامل وزن است. <input type="checkbox"/>
3- کدام گزینه برای کامل کردن جاهای خالی متن زیر مناسب است؟ «شاعر برای انتقال خود به دیگران از زبان کمک می‌گیرد و واژه‌هایی را برمی‌گزیند که با قرار گرفتن در کنار هم خاص را پدید می‌آورند.»
۴- لحن کدام گزینه با سایر گزینه‌ها تفاوت دارد؟ الف) به یاد یار و دیار آن چنان بگریم زار/ که از جهان ره و رسم سفر براندازم <input type="checkbox"/> ب) ای ساربان آهسته ران کارام جانم می‌رود/ و آن دل که با خود داشتم با دلستانم می‌رود <input type="checkbox"/> ج) بار دگر جانب یار آمدیم/ خیره‌نگر سوی نگار آمدیم <input type="checkbox"/> د) در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن/ من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود <input type="checkbox"/>
5- مهمترین عنصر شعر کدام است؟ الف) عاطفه <input type="checkbox"/> ب) وزن <input type="checkbox"/> ج) آرایه‌های ادبی <input type="checkbox"/> د) لحن <input type="checkbox"/>
6- با کشف لحن در بیت زیر مشخص کنید شاعر سعی دارد کدام احساس خود را به خواننده القا کند؟ «جهانا چه بد مهر و بدخو جهانی / چو آشفته بازار بازاری» الف) شادی و طرب <input type="checkbox"/> ب) ناخشنودی و نارضایتی <input type="checkbox"/> ج) خشم و عصبانیت <input type="checkbox"/> د) غم و اندوه <input type="checkbox"/>
7- این تعریف مربوط به کدام گزینه است؟ «ادراکی که از احساس نظم حاصل می‌شود و امری حسی است و بیرون از ذهن کسی که آن را درمی‌یابد وجود ندارد.» الف) آهنگ <input type="checkbox"/> ب) زبان <input type="checkbox"/> ج) وزن <input type="checkbox"/> د) موسیقی <input type="checkbox"/>

8- کدام بیت از نظر معنایی و حسی، فضای متفاوتی با دیگر گزینه‌ها در مخاطب ایجاد می‌کند؟

الف) عید آمد و عید آمد، یاری که رمید آمد/ عیدانه فراوان شد، تا باد چنین بادا

ب) زان خشم دروغینش، زان شیوه شیرینش/ عالم شکرستان شد، تا باد چنین بادا

ج) معشوقه به سامان شد تا باد چنین بادا/ کفرش همه ایمان شد تا باد چنین بادا

د) زین درد خون گریست سپهر و ستاره هم/ خون گشت قلب لعل و دل سنگ خاره هم

9- شعر زیر از سعدی چه حالتی را به خواننده منتقل می‌کند و چه عاملی این حالت را منتقل می‌کند؟

ای نفس خرم باد صبا/ از بر یار آمده‌ای مرحبا
 قافله شب چه شنیدی ز صبح/ مرغ سلیمان چه خبر از صبا؟
 بر سر خشم است هنوز آن حریف/ یا سخنی می‌رود اندر رضا؟

الف) خوشحالی و شادابی - وزن و آهنگ

ب) حیرت و شگفتی - وزن و آهنگ

ج) غم و اندوه - وزن و آهنگ

د) شادی و نشاط - عاطفه و خیال

10- کدام گزینه در مورد شعر زیر نادرست است؟

حال دل با تو گفتم هوس است/ خبر دل شنفتم، هوس است
 طمع خام بین که قصه فاش/ از رقیبان نهفتم هوس است
 ای صبا، امشیم مدد فرمای/ که سحرگه شکفتم هوس است

الف) شاعر از باد صبا یاری می‌خواهد.

ب) حالت غم و اندوه را به خواننده منتقل می‌کند.

ج) شاعر از اینکه قصه عاشقی‌اش فاش شده است، خرسند است.

د) وزن شعر کشدار و سنگین است.

پاسخ‌نامه سوالات:

1) ب	2) ج	3) الف	4) ج	5) الف
6) ب	7) ج	8) د	9) الف	10) ج



** در این درس درباره بخشی از موسیقی کلام؛ گفت‌وگو خواهیم کرد که موضوع علم بدیع است.

تعریف بدیع

در لغت به معنی تازه و نو است. در ادب فارسی به مجموعه آرایه‌هایی گفته می‌شود که بر زیبایی لفظی و معنایی سخن می‌افزایند.

نمودهای بدیع

1- **لفظی:** عواملی که موسیقی لفظی را پدید می‌آورند، بدیع لفظی می‌خوانیم. مانند: واج آرای، واژه آرای، سجع و غیره.

2- **معنوی:** آرایه‌هایی که از لطف تعبیر و زیبایی معنی به وجود می‌آیند؛ مانند: اغراق، ایهام، تضاد و غیره.

تعریف واج

کوچک‌ترین واحد آوایی زبان که معنا ندارد اما تفاوت معنایی ایجاد می‌کند.

واج‌ها ۲۹ عدد هستند و به دو دسته بخش می‌شوند: الف) ۲۳ صامت (ب، ت، ث، ج، ...؛ ب) ۶ مصوت: ۳ مصوت کوتاه: (بِ، مِ، نِ) ۳ مصوت بلند (ا - ی - و).

توجه 1

* تکرار واج و واژه در زبان عادی پسندیده نیست؛ اما در زبان ادبی، تکرار بر جاذبه، کشش و گوش‌نوازی سخن می‌افزاید.

توجه 2

* شاعران و نویسندگان متون ادبی از تکرار واژه سود می‌برند و از تکرار واج یا آوا بهره می‌گیرند.

توجه 3

گاهی کل عبارت یا جمله را هم تکرار می‌کنند.

واج آرای (نغمه حروف)

تکرار یک واج (صامت یا مصوت) در سخن است؛ به گونه‌ای که بر موسیقی و تأثیر آن بیفزاید.

توجه 1: شرط اصلی و اساسی برای پیدایش «واج آرای» (نغمه حروف) این است که تکرار یک واج صامت یا مصوت بیش از ۳ بار در فاصله بسیار نزدیک به هم باید صورت بگیرد و کاملاً هم محسوس باشد.

توجه 2: واج آرای صامت‌ها از مصوت‌ها محسوس‌تر است.

توجه 3: در واج آرای شکل آوایی حروف مهم است، نه شکل املائی آنها، یعنی حروف هم صدا، ایجاد واج آرای و موسیقی می‌کنند. مانند: (ض، ظ، ز، ذ)، (ت، ط)، (س، ص، ث)، (ه، ح)، (غ، ق).

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است
 در بیت بالا تکرار مصوّت بلند «آ» ۷ بار و صامت‌های «خ» ۵ بار، «ز» ۶ بار و «ن» ۵ بار به نحوی تکرار شده است که برای خواننده محسوس بوده و بر موسیقی و تاثیر آن افزوده است.

پیش از اینت پیش از این، اندیشه عشاق بود
 در بیت بالا تکرار صامت «ش» ۵ بار به نحوی تکرار شده است که برای خواننده محسوس بوده و بر موسیقی و تاثیر آن افزوده است.

خوابِ نوشینِ بامدادِ رحیل
باز دارد پیاده را ز سبیل
 در نمونه بالا، تمامی کلمات مصراع اول با مصوّت کوتاه «ب» به هم پیوسته‌اند. تکرار این مصوّت، بر موسیقی بیت افزوده است.

واژه‌آرایی (تکرار)

تکرار دو یا چند واژه که از جهت معنایی یکسان باشند.

🔹 **توجه 1:** تکرار کلمات با ظاهر یکسان و معنای متفاوت، جناس همسان (تام) است نه واژه‌آرایی.

🔹 **توجه 2:** آنچه در تکرار اهمیت دارد، جنبه موسیقایی و آوایی سخن است نه شکل نوشتاری واژگان.

🔹 **توجه 3:** وقتی که دو یا چند واژه، ریشه و معنای یکسان داشته باشند، نباید برای شباهت ظاهری و نوشتاری کلمات سخت‌گیری کرد. برای مثال فعل «هستم» و «هستی» با وجود این‌که از نظر نوشتاری کاملاً یکسان نیستند، باز هم در صورتی که در یک بیت یا عبارت باشند، باعث به وجود آمدن آرایه واژه‌آرایی (تکرار) می‌شوند.

تا هستم و هست، دارمش دوست	پس هستی من ز هستی اوست
(ابرج میرزا)	
کانچنان ماهی نهان شد زیر میغ	ای دریغا، ای دریغا، ای دریغ
(مولوی)	
تا من بودی، منت نمی‌دانستم	با من بودی، منت نمی‌دانستم

خودارزیابی درس سوم

۱- در بیت‌های زیر، نمونه‌های واج‌آرایی را بیابید.

سرو را بین بر سماع بلبلان صبح خیز
 همچو سرمستان به بستان، پای کوب و دست‌زن
 (تکرار صامت‌های «س» ۶ بار، «ب» ۷ بار، «ن» ۵ بار و مصوّت بلند «آ» ۶ بار)

گو بهار دل و جان باش و خزان باش، ار نه
 ای بسا باغ و بهاران که خزان من و توست
 (تکرار صامت‌های «ن» ۶ بار، «ب» ۶ بار و مصوّت بلند «آ» ۱۰ بار)

سر ارادت ما و آستان حضرت دوست
 که هر چه بر سر ما می‌رود، ارادت اوست
 (تکرار صامت‌های «س» ۵ بار، «ت» ۶ بار و «ر» ۸ بار، مصوّت بلند «آ» ۶ بار و مصوّت کوتاه «ب» ۶ بار)

ای تکیه‌گاه و پناه/ زیباترین لحظه‌های / پر عصمت و پر شکوه تنهایی و خلوت من! ای شطّ شیرین پر شوکت من!
 (تکرار مصوّت کوتاه «ب» ۷ بار، مصوّت بلند «آ» ۵ بار و صامت‌های «ت» ۷ بار و «ش» ۴ بار)

۲- در اشعار زیر، آرایه تکرار (واژه‌آرایی) را بیابید.

من که یک امروز مهمان توام، فردا چرا؟	عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست (تکرار واژه‌های: امروز، فردا، تو)
به علی شناختم من، به خدا قسم، خدا را	دل اگر خدا شناسی همه در رخ علی بین (تکرار واژه‌های: علی، خدا)
خوشا شما که جهان می‌رود به کام شما	زمانه قرعه نو می‌زند به نام شما (تکرار واژه: شما)
ور خوار چون خارم کنی، ای گل! بدان خواری خوشم	گر تو گرفتارم کنی، من با گرفتاری خوشم (تکرار واژه‌های: گرفتار، خوار (خار)، خوش)
گل از خارم برآوردی و خار از پای و پای از گل	گرم باز آمدی محبوب سیم اندام سنگین دل (تکرار واژه‌های: از، خار، پا)
روز فراق را که نهد در شمار عمر	بی‌عمر زنده‌ام من و این بس عجب مدار (تکرار واژه: عمر)
پای چوبین سخت بی‌تمکین بود	پای استدالیان چوبین بود (تکرار واژه‌های: پای، چوبین، بود)
وز نام چه پرسى که مرا ننگ ز نام است	از ننگ چه پرسى که مرا نام ز ننگ است (تمام واژه‌های بیت تکرار شده است)
که بد هد از پشیمانی، پشیمان زود می‌گردد	گر اظهار پشیمانی کند گردون مشو ایمن (تکرار واژه: پشیمانی)
تنها سر مویی ز سر موی تو دورم	یک عمر پریشانی دل، بسته به مویی است (تکرار واژه‌های: سر، مو)
درد عشق است آنکه درمانیش نیست	هر کجا دردی است درمانیش هست (تکرار واژه‌های: درد، درمان، است)

کارگاه تحلیل فصل

۱- شعر زیر را بخوانید و جدول را کامل کنید.

خانه‌ای می‌ساخت سقراط حکیم
آمدند از ره، رفیق و آشنا...
چون صدف، کمیاب و چون دُر، پُربهاست

در کتاب آمد که در عهد قدیم
چون به پایان برد کار آن سرا
در حقیقت یار یکدل، کیمیاست

موضوع	شرح و توضیح
روایی و داستانی	در ابتدا متن با آهنگ نرم و کشش آوایی خوانده می‌شود و در ادامه به تناسب تغییر فضای داستان و شخصیت‌ها از لحن‌های دیگر بهره می‌جوید.
لحن	لحن روایی - داستانی باید به گونه‌ای باشد که میل و نوع رغبت شنونده را به شنیدن ادامه آن برانگیزد و شوقی همراه با حالت انتظار در ذهن پدید آورد.
قلمرو زبانی	به کارگیری «حکیم» به جای «دانشمند»، «سرا» به جای «خانه» / کاربرد «در خورد» به جای «درخور» / جمله‌ها ساده و کوتاه / به کارگیری واژگان فارسی / ساختمان بیشتر واژه‌ها ساده است. زبان شعر ساده و روان است.
قلمرو ادبی	قالب شعری: مثنوی / به کارگیری آرایه‌های لفظی: جناس: جمع، شمع، باک، خاک / استعاره: قفس / تشبیه: همچو پروانه، یار یکدل چون صدف / مراعات نظیر: کیمیا، صدف و در، پربها.
قلمرو فکری	به این نکته می‌رسیم که عارفان تعلق خاطر به دنیا و ظواهر دنیایی ندارند و در دنیای مادی کنونی انسان‌های با معرفت و راستین بسیار کم و نایاب هستند.
نتیجه‌گیری و تعیین نوع	نبودن دوست همدل، یار یکدل و روشن ضمیر بسیار گرانبهاست و مردان حق تنها هستند. نوع ادبیات: تعلیمی، اندرزی

۲- حکایت زیر را بخوانید و برای هر قلمرو، چند ویژگی استخراج کنید.

«پارسازاده‌ای را نعمت بی‌کران به دست افتاد؛ فسق و فجور آغاز کرد. باری، به نصیحتش گفتم: ای فرزند، دخل، آب روان است و عیش، آسیاب گردان؛ یعنی خرج فراوان کردن، مسلّم کسی را باشد که دخل معین دارد.
چو دخلت نیست، خرج آهسته تر کن
که می‌گویند ملّاحان سرودی،
اگر باران به کوهستان نیارد
بسه سالی دجله گردد، خشک
عقل و ادب، پیشگیر و لهُو و لعب بگذار که چون نعمت سپری شود، سختی بری و پشیمانی خوری. پسر، این سخن در گوش نیورد و بر قول من اعتراض کرد و گفت:
برو شادی کن ای یار دل‌افروز
غم فردا، نشاید خورد امروز
دیدم که نصیحت نمی‌پذیرد و دم گرم من در آهن سرد او اثر نمی‌کند؛ روی از مصاحبت بگردانیدم و قول حکما کار بستم که گفته‌اند:

گر چه دانی که نشنوند، بگوی	هر چه دانی ز نیک خواهی و پند
زود باشد که خیره‌سر، بینی	بسه دو پای اوفتاده، اندر بند
دست بر دست می‌زند که دریغ	نشیندم حدیث دانشمند

قلمرو زبانی	قلمرو ادبی	قلمرو فکری
۱- به کارگیری واژگان عربی: فسق، فجور.	سجع بین کلمات «روان و گردان»	۱- مدیریت خرج و دخل زندگی را نداشتن موجب پشیمانی می‌گردد.
۲- جمله‌ها کوتاه هستند.	۲- به کارگیری تمثیل: اگر باران به کوهستان نبارد.	۲- کسانی که پند نپذیرند دچار حسرت و افسوس می‌شوند.
۳- به کارگیری «لهو و لعب» به جای خوشگذرانی	۳- کنایه: دست بر دست زدن: کنایه از افسوس خوردن.	۳- توصیه به رعایت خردمندی و ادب رفتاری.
۴- کاربرد «را» به معنی «برای» در جمله «خرج فراوان کردن، مسلم کسی را باشد.»	۴- تضاد میان: خشکی و باران	۴- نوع ادبیات: تعلیمی- اندرزی پشیمانی خوردن.
۵- کاربردهای کهن: ملاح، خشک- رود.	۵- کنایه: دم گرم من در آهن سرد او اثر نمی‌کند.	

۳- نمونه‌های زیر را از دید حس و حال فضای شعری و عاطفی بررسی کنید.

ای آن که غمگنسی و سزاواری
رفت آنکه رفت و آمد آنکه آمد
(فضای حاکم بر شعر سنگین و غم انگیز است و بین وزن و آهنگ با محتوا تناسب دارد.)

بیا تا گل برفاشانیم و می در ساغراندازیم
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم
(ادبیات غنایی - عاطفی فضای حاکم بر شعر شاد و شورانگیز است. محتوا با وزن و آهنگ تناسب دارد.)

این مطرب از کجاست که بر گفت نام دوست
تا جان و جامه بذل کنم بر پیام دوست
دل زنده می‌شود به امید وفای یار
جان رقص می‌کند به سماع کلام دوست
(غنایی، اگر با لحن عاطفی خوانده شود بیشتر می‌توان با فضای شعر ارتباط برقرار کرد. وزن شعر نرم، آرام و لطیف است.)

جامی است که عقل آفرین می‌زندش
این کوزه‌گر دهر چنین جام لطیف
(تعلیمی، وزن به کار رفته در این شعر سنگین است حس و حال متفکرانه و آمیخته به حسرت و اندوه دارد.)

خروشید کای فرخ اسفندیار
هماوردت آمد بر آرای کار
(نوع شعر حماسی است وزن و آهنگ کوبنده و کوتاه است. بار عاطفی حاکم بر این سروده پهلوانی - دلاوری و جسورانه است.)

وقت را غنیمت دان آن قدر که بتوانی
حاصل از حیات ای جان یک دم است تا دانی
(نوع آن تعلیمی است. فضای عاطفی حاکم بر شعر ملایم، اندرزی و نصیحت‌گرایانه است.)

۴- در بیت‌های زیر، نمونه‌های واج‌آرایی و واژه‌آرایی را بیابید.
گوشه گرفتم ز خلق و فایده‌ای نیست
گوشه چشمت بلای گوشه‌نشین است
(واج‌آرایی صامت «گ» و «ش» / واژه‌آرایی «گوشه»)

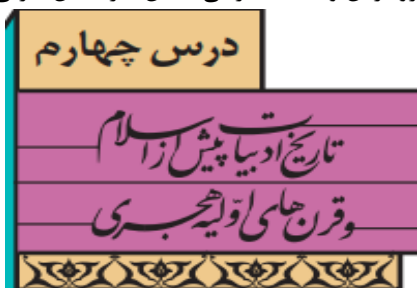
امید ز هر کس که پریدیم، پریدیم	ما چون ز دری پای کشیدیم کشیدیم (واج آرای مصوت «- ی»، صامت «م»)
از گوشه بامی که پریدیم، پریدیم	دل نیست کبوتر که چو برخاست نشیند (واج آرای صامت «ش - ک - د» / واژه آرای کشیدیم، پریدیم، پریدیم)
در بند کمند بود داد دل ما از بس که بلند بود داد دل ما	در زلف تو بند بود داد دل ما ای داد به داد دل ما کس نرسید (واج آرای صامت «د»، مصوت «- □» / واژه آرای «بند، دل، داد، ما»)
ملالت علما هم ز علم بی عمل است	نه من ز بی عملی در جهان ملولم و بس (واج آرای «ل - م - ع» / واژه آرای «بی عمل»)
بر این گونه سختی بر آویختن که باشند با خنجر کابلی	اگر جنگ خواهی و خون ریختن بگو تا سوار آورم زابلی (صامت «ن، خ»، مصوت «آ»)

فصل دوم

تاریخ ادبیات پیش از اسلام و قرن های اولیه هجری	درس چهارم
هماهنگی پاره های کلام	درس پنجم
سجع و انواع آن	درس ششم
* کارگاه تحلیل فصل	

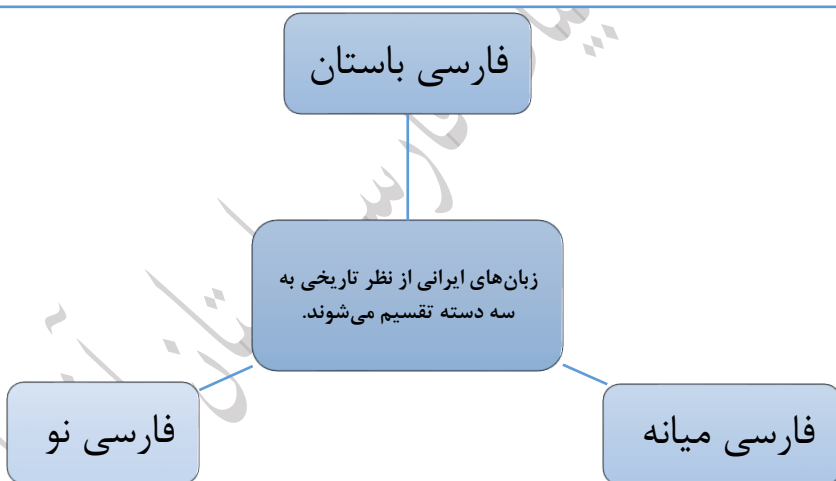


گروه زبان و ادبیات فارسی استان آذربایجان شرقی



مقدمه‌ای بر تاریخ ادبیات پیش از اسلام

- ۱- زبان ایرانیان پیش از اسلام «پارسی» یا «فارسی» نامیده می‌شد.
- ۲- زبان فارسی، ریشه و مادر زبان امروز ایران است.
- ۳- در ایران پیش از اسلام آثار فرهنگی و ادبی قرن‌ها حفظ می‌شده است؛ از جمله: این آثار حفظ شده کتاب اوستا می‌باشد.
- ۴- کتاب اوستا را موبدان برای اجرای مراسم‌های دینی از حفظ می‌خواندند و سرانجام در دوره ساسانی به نگارش درآوردند.
- ۵- همهٔ زبان‌هایی که در ایران و مناطق همجوار آن متداول بوده است، دارای ویژگی‌های مشترک بوده‌اند و به همین دلیل مجموعه این زبان‌ها را گروه زبان‌های ایرانی می‌نامند.



فارسی باستان: آثار برجای مانده از این زبان‌ها، فرمان‌ها و نامه‌های شاهان هخامنشی است و به خط میخی نوشته شده است.

فارسی میانه: به دو دستهٔ پارتی و پهلوی تقسیم می‌شود. **پارتی:** 1- در دورهٔ اشکانیان تا اوایل دورهٔ ساسانیان رایج بود. 2- محدودهٔ رواج آن شمال و شمال شرقی است. **پهلوی:** متعلق به ناحیهٔ پارس است.

توجه: زبان پهلوی در مرحله‌ای میان فارسی باستان و فارسی نو (دری) قرار دارد به همین دلیل آن را «فارسی میانه» می‌نامند.

توجه: آثار تألیف شده به زبان پهلوی بیشتر آثار دینی زردشتی است؛ مثل: کتاب یادگار زیران که رنگ و بوی دینی دارد.

توجه: آثار منشور و منظوم زبان پهلوی اغلب از میان رفته‌اند؛ به جز ترجمه‌ی عربی و فارسی بعضی از متون مثل: کلیله و دمنه و کتاب هزار و یک شب.

فارسی نو یا فارسی دری: پس از ورود اسلام به ایران زبان فارسی دچار تحول تازه‌ای شد و با بهره‌گیری از الفبای خط عربی به مرحلهٔ جدیدی گام نهاد که به آن «فارسی نو یا فارسی دری» گفته می‌شود.

گروه زبان و ادبیات فارسی استان آذربایجان شرقی

یکی از نتایج ورود اسلام به ایران: رواج خط عربی است

- 🔹 توجه: زمان پیدایش فارسی دری؛ هم‌زمان با به روی کار آمدن دولت طاهریان.
- 🔹 توجه: زبان درباری ساسانیان فارسی دری یا نو زبان محاوره و مکاتبه مقامات دولتی.
- 🔹 توجه: منطقه رواج آن شرق و شمال شرقی ایران.

- 1- سقوط دولت ساسانی
- 2- از دست رفتن استقلال سیاسی
- 3- بر سر کار آمدن دولت نیمه مستقل طاهری و سپس دولت مستقل صفاری
- 4- تلاش یعقوب لیث صفاری برای برگرداندن عظمت و اقتدار ایران
- 5- عدم استفاده از زبان عربی توسط یعقوب لیث در قلمرو حکومتی خود
- 6- رواج زبان فارسی دری توسط دولت صفاری قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم

رویدادهای مهم در سه قرن اول هجری

- 1- مهمترین دوره تمدن اسلامی ایران بوده است.
- 2- نظم و نثر در این دوره شکوفا شده است.
- 3- رواج رسم‌ها و سنت‌های کهن فارسی با به روی کار آمدن دولت سامانی
- 4- بخارا عمده‌ترین مرکز فرهنگی به شمار می‌رفته است.
- 5- تألیف آثار ارزندهای به زبان عربی و فارسی در زمان سامانیان
- 6- اجبار به استفاده از زبان فارسی دری توسط غزنویان برای حفظ حکومت و قلمرو خود و در نتیجه گسترش زبان فارسی
- 7- تربیت و ظهور شاعران بزرگی چون منوچهری، فرخی و عنصری در دربار غزنوی

رویدادهای مهم در قرن 4 و نیمه اول قرن 5

- 1- رواج و حفظ آداب و رسوم ملی
- 2- پایه‌گذاری حماسه‌های ملی به زبان فارسی
- 3- دوره طلایی شکوفایی روح ایرانی همراه با ظهور دانشمند بزرگی چون زکریای رازی و شاعر بی‌نظیری مانند فردوسی
- 4- تألیف آثار مهمی در زمینه فلسفه، طب و علوم دینی
- 5- دست پیدا کردن به هویتی مستقل با تأکید امرای سامانی بر ضرورت استفاده از زبان فارسی دری
- 6- وارد شدن بسیاری از اصطلاحات علمی، ادبی، دینی و سیاسی از راه ترجمه متون عربی به فارسی دری.

مهمترین دستاوردهای ادبی در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم

گروه زبان و ادبیات فارسی استان آذربایجان شرقی

- 1- سادگی فکر و روانی کلام
- 2- توجه بیشتر به واقعیات بیرونی توسط شاعران
- 3- کاربرد ترکیب‌های تازه، استعاره و تشبیهات و انواع توصیفات دلپذیر توسط شاعران
- 4- بنیانگذاری شعر فارسی توسط رودکی (پدر شعر فارسی)

خصوصیات مهم شعر در
قرن 4 و نیمه اول قرن 5

شعر این دوره به سه قسمت تقسیم می‌شود:

حماسی

مدحی

غنایی

توجه: شعر حماسی توسط چه کسی به اوج می‌رسد و گسترش می‌یابد؟ (فردوسی)

توجه: شعر مدحی و مدیحه‌سرایی با پیروی از شعر عربی با شاعران درباری و مدح پادشاهان و رجال جایگاه خود را پیدا کرد.

توجه: شعر غنایی با رودکی و شهید بلخی قوت می‌یابد.

توجه: شعر حکمی و اندرزی در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم به وجود می‌یابد و در دوره سلجوقیان به پختگی می‌رسد.

توجه: اولین قصیده اندرزی و حکمی کامل را کسایی مروزی سرود؛ سپس ناصر خسرو به شیوه او ادامه داد.

توجه: داستان سرایی و قصه پردازی و آوردن حکایات و مثل‌ها نیز در شعر این دوره آغاز می‌شود.

دو خصوصیت بارز و مهم
این دوره

- 1- سادگی و روانی کلام
- 2- توجه به موضوعات حماسی، ملی و تاریخی.

برخی از کتاب‌های نثر فارسی در قرن 4 و نیمه دوم قرن 5

ترجمه تفسیر طبری
اصل آن را محمد بن جریر طبری به زبان عربی
نوشته است

شاهنامه ابومنصوری
نوشته شده توسط عده‌ای از دانشوران خراسان
موضوع این کتاب تاریخ گذشته ایران

تاریخ بلعمی
نوشته ابوعلی بلعمی به دستور منصور بن نوح سامانی
ترجمه فارسی کتاب محمد بن جریر طبری تحت عنوان تاریخ الرسل
اضافه کردن مطالبی راجع به تاریخ ایران

خودارزیابی‌ها

- 1- چرا به زبان فارسی نو «فارسی دری» هم گفته می‌شود؟ (زیرا زبان فارسی نو، زبان درباری ساسانیان، زبان اداری، محاوره و مکاتبات دولتی بوده است).
- 2- نمودار زیر را با توجه به آموزه‌های درس کامل کنید.

زبان‌های ایرانی

فارسی نو

پهلوی

فارسی میانه

فارسی باستان

پارتی

- 3- عوامل رشد و گسترش زبان و ادب پارسی در این دوره زمانی را بنویسید.
- (الف) یعقوب لیث صفاری، برای ایجاد حکومت مستقل ایرانی و برانداختن حکومت بغداد اجازه نداد در دربارش کسی عربی صحبت کند و زبان دری را زبان رسمی اعلام کرد.
- (ب) پس از آن امیران سامانی به شاعران و نویسندگان ایرانی توجه کردند و سبب گسترش فرهنگ و زبان ایرانی شدند.
- (ج) غزنویان برای ماندگاری حکومت خود، ناچار به گسترش زبان فارسی شدند تا سلطنت مسعود به شاعران و نویسندگان توجه کردند.)
- 4- مهمترین کتابهای نثر این دوره کدامند و چه تأثیری بر وضعیت عمومی زبان و ادب فارسی داشته‌اند؟ (شاهنامه ابومنصوری، ترجمه تفسیر طبری و تاریخ بلعمی. نثر این دوره همانند شعرپارسی رواج یافت و کتابهای گوناگون در این دوره به پارسی نوشته شد نثر این دوره ساده و روان بود و بیشتر به موضوعهای حماسی، ملی و تاریخی توجه داشت.)
- 5- درباره مضامین شعری این دوره توضیح دهید.
- (بیشتر به واقعیت بیرونی توجه داشتند و مفاهیم ذهنی آنها از قلمرو تعالیم کلی اخلاقی فراتر نمی‌رفت. داستان سرایی و قصه پردازی و آوردن حکایت و مثلها نیز در شعر این دوره آغاز شد. رایجترین انواع شعر فارسی در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم حماسی، مدحی و غنایی بود. حماسی با فردوسی به اوج رسید و شعر مدحی به پیروی از شعر عربی معمول گشت و شاعران با مدح پادشاهان جایگاه خود را پیدا کردند و شعر غنایی با رودکی و شهید بلخی استحکام یافت. شعر تعلیمی هم در این دوره به وجود آمد ولی در دوره سلجوقیان به پختگی رسید. آوردن قطعه و موعظه از آغاز قرن چهارم معمول گشت و کسای مروزی و سپس ناصر خسرو قصیده کامل سرودند.)

نمونه سوالات تستی فصل

1- زبان رسمی دوران ساسانی چه بود؟	1) پهلوی <input type="checkbox"/>	2) پارتی <input type="checkbox"/>	3) پارسی <input type="checkbox"/>	4) دری <input type="checkbox"/>
2- کتاب..... را موبدان برای اجرای مراسم دینی از حفظ می‌خواندند.	1) یادگار زیربان <input type="checkbox"/>	2) درخت آسوریک <input type="checkbox"/>	3) اوستا <input type="checkbox"/>	4) هزار و یکشب <input type="checkbox"/>
3- از نتایج نفوذ اسلام در ایران چه بود؟	1) رواج تدریجی خط عربی <input type="checkbox"/>	2) تشویق شاعران فارسی‌گو <input type="checkbox"/>	3) کنارگذاشتن زبان فارسی <input type="checkbox"/>	4) رواج سنتهای کهن فارسی <input type="checkbox"/>
4- نام دیگر فارسی نو چیست؟	1) فارسی باستان <input type="checkbox"/>	2) فارسی دری <input type="checkbox"/>	3) فارسی میانه <input type="checkbox"/>	4) فارسی پهلوی <input type="checkbox"/>
5- پدر شعر فارسی لقب چه کسی می‌باشد؟	1) فردوسی <input type="checkbox"/>	2) عنصری <input type="checkbox"/>	3) رودکی <input type="checkbox"/>	4) سعدی <input type="checkbox"/>
6- شعر حکمی و اندرزی در کدام دوره به پختگی رسید؟	1) سامانیان <input type="checkbox"/>	2) سلجوقیان <input type="checkbox"/>	3) صفاریان <input type="checkbox"/>	4) غزنویان <input type="checkbox"/>
7- شعر حماسی با چه کسی به اوج رسید؟				

1) فردوسی <input type="checkbox"/>	2) فرخی <input type="checkbox"/>	3) منوچهری <input type="checkbox"/>	4) عنصری <input type="checkbox"/>	
8- آثار برجای مانده زبان فارسی باستان، فرمان‌ها و نامه‌های شاهان هخامنشی است که به خط نوشته شده است.				
1) عربی <input type="checkbox"/>	2) پهلوی <input type="checkbox"/>	3) پارتی <input type="checkbox"/>	4) میخی <input type="checkbox"/>	
9- آثاری که به زبان پهلوی تألیف شده است بیشتر آثار است.				
1) پهلوانی <input type="checkbox"/>	2) دینی زردشتی <input type="checkbox"/>	3) داستانی <input type="checkbox"/>	4) ادبی <input type="checkbox"/>	
10- پایه‌گذاری حماسه‌های ملی به زبان فارسی از دستاوردهای مهم کدام قرن می‌باشد؟				
1) قرن 4 و نیمه اول قرن 5 <input type="checkbox"/>	2) قرن دوم <input type="checkbox"/>	3) قرن سوم <input type="checkbox"/>	4) پیش از اسلام <input type="checkbox"/>	
11- در قرن 4 و نیمه اول قرن 5 عمده‌ترین مرکز فرهنگی به شمار می‌رفته است.				
1) غزنین <input type="checkbox"/>	2) گنجه <input type="checkbox"/>	3) بخارا <input type="checkbox"/>	4) نواحی شمالی ایران <input type="checkbox"/>	
12- شاهنامه ابومنصوری نوشته چه کسی می‌باشد؟				
1) منصور بن نوح سامانی <input type="checkbox"/>	2) محمد بن جریر طبری <input type="checkbox"/>	3) جمعی از دانشوران خراسان <input type="checkbox"/>	4) فرخی <input type="checkbox"/>	
13- اولین قصیده اندرزی و حکمی را چه کسی به طور کامل سرود؟				
1) مروزی کسایی <input type="checkbox"/>	2) عنصری <input type="checkbox"/>	3) رودکی <input type="checkbox"/>	4) فرخی <input type="checkbox"/>	
14- ادبیات فارسی دری هم زمان با به روی کار آمدن کدام دولت پدید آمد؟				
1) سامانیان <input type="checkbox"/>	2) ساسانیان <input type="checkbox"/>	3) طاهریان <input type="checkbox"/>	4) صفاریان <input type="checkbox"/>	
15- نام دیگر زبان پهلوی چیست؟				
1) پارتی <input type="checkbox"/>	2) میانه <input type="checkbox"/>	3) دری <input type="checkbox"/>	4) باستان <input type="checkbox"/>	
پاسخ‌نامه سوالات:				
3 (5)	2 (4)	1 (3)	3 (2)	4 (1)
1 (10)	2 (9)	4 (8)	1 (7)	2 (6)
2 (15)	3 (14)	1 (13)	3 (12)	3 (11)

گروه زبان و ادبیات فارسی استان آذربایجان شرقی



استفاده می‌کند.

شاعران برای تاثیرگذاری سخن از



** آشکارترین ابزار موسیقایی شعر است.

با تقسیم شعر به پاره‌های هماهنگ و مساوی یعنی به ارکان تساوی و توازن آوایی شعر به دست می‌آید.



توجه: اگر به شعرهایی که تاکنون خوانده‌ایم، توجه کنیم، می‌بینیم که مصراع‌ها از قطعه‌های کوچک و هماهنگ تشکیل شده است؛ برای نمونه مصرع «تو از هر در که باز آیی بدین خوبی و زیبایی» را این‌گونه می‌خوانیم:



توجه: رکن: به هر یک از پاره‌های مصراع فوق رکن می‌گویند. هر رکن از بخش‌های کوچک‌تری به نام «هجا» تشکیل شده است.

تُ	از	هر	در	کِ	باز	آ	یِ	بِ	دین	خو	بی	ی	زی	با	یِ
----	----	----	----	----	-----	---	----	----	-----	----	----	---	----	----	----

تعریف هجا یا بخش:

مقدار آوایی است که دهان با یکبار باز شدن آن را ادا می‌کند.

توجه: هجا، از واج پدید می‌آید. شکل نوشتاری واج را «حرف» می‌نامند.

توجه: واج کوچک‌ترین واحد آوایی زبان است؛ مانند واژه «کتاب» که پنج واج دارد: ک-ا-ت// ب

توجه: در زبان فارسی 29 واج وجود دارد که آنها را به دو دسته: مصوت و صامت تقسیم می‌کنند.

6 مصوت: مصوت‌های کوتاه «ا، ی، و» مصوت‌های بلند: «ی، ی، و»

صامت‌ها ۲۳ تا است.

هجاهای زبان فارسی سه تا است.

عنوان هجا	نحوه قرار گرفتن	نشانه	مثال
کوتاه	صامت + مصوت کوتاه	U	چو (چُ)، که (کِ)، و
بلند	الف) صامت + مصوت کوتاه + صامت ب) صامت + مصوت بلند	-	گُل، سُر، دِل پا، سی، مو
کشیده	الف) صامت + مصوت کوتاه + دو صامت ب) صامت + مصوت بلند + یک یا دو صامت	U- U-	بُرَد، سَبز، چهر دوست، آب، سیب

قبل از جداسازی هجاهای یک کلمه، به این نکات توجه کنید:

- 1- هر هجا (بخش)، یک مصوّت دارد؛ بنابراین، تعداد هجاهای یک کلمه با تعداد مصوّت‌های آن کلمه برابر است؛ برای مثال: «باد» یک مصوّت (آ) دارد و یک هجاست و «برادر»، سه مصوّت (ا، ا، -) دارد و سه هجاست.
 - 2- هر هجا را همان‌طور که می‌خوانیم، می‌نویسیم تا در شمارش واج‌ها دچار اشکال نشویم؛ برای مثال: تو /ت: هجای کوتاه: (U)
 - 3- در زبان فارسی هیچ واژه‌ای با مصوّت آغاز نمی‌شود. بنابراین واژه‌هایی که به ظاهر با نشانه «آ» آغاز شده‌اند، در ابتدای خود یک صامت همزه دارند که در تعیین نوع هجا باید به آن توجه کرد.
 - 4- هجای کشیده معادل یک هجای بلند و یک هجای کوتاه است. خواب / خاب: هجای کشیده (U-)
 - 5- مصوّت بلند پیش از «ن» (نون ساکن)، کوتاه به حساب می‌آید.
- ** اکنون که توانایی شناخت هجا و تعیین نوع آن را به دست آورده‌ایم، باید بدانیم که دو مصراع یا بیت، زمانی هم وزن‌اند که:
- الف) تعداد هجاهای آنها با هم برابر باشد.
- ب) هجاهای کوتاه و بلند آنها در مقابل یکدیگر قرار گیرد.

توجه: گفتیم که در هر شعر، تمام مصراع‌ها هم وزن‌اند. راز این هم وزنی آن است که تعداد و ترتیب هجاها در هر دو مصراع یکی است.

اکنون به جداسازی هجاهای بیت زیر، دقت کنید.

که سعیت بود در ترازوی خویش

بخور تا توانی به بازوی خویش

بُ	خُ	ر	تَا	تَ	وَا	نِ	بَ	بَا	زَو	ی	خِ	ش
ک	س	ع	یْت	بُ	وَد	دِر	تَ	رَا	زَو	ی	خِ	ش
U	U	U	-	U	-	-	U	-	U	-	U-	-

توجه: هجای پایانی اوزان شعر فارسی همیشه «بلند» محسوب می‌شود و اگر به جای آن کشیده یا کوتاه بیاید، همچنان آن را هجای بلند می‌آوریم.

یادآوری: لازم است به این نکته توجه داشته باشیم که در شعر نو، شاعران تساوی مصراع‌های شعری را ضروری نمی‌دانند؛ به همین سبب می‌بینیم که طول مصراع‌های شعر نو یکسان نیست.

«تو را من چشم در راهم / شباهنگام / که می‌گیرند در شاخ تلاجن سایه‌ها رنگ سیاهی / وزان دل خستگانی راست اندوهی فراوان / تو را من چشم در راهم.»

خودارزیابی‌ها

1- صامت‌ها و مصوّت‌های مصراع اول بیت نخست را مشخص نمایید.

همه کس شناسند و هر جا روند

نشاید که خوبان به صحرا روند

نه انصاف باشد که بی‌ما روند

حلالست رفتن به صحرا، ولیک

نَ	شَا	یْد	کِ	خَو	بَان	بِ	صَح	رَا	رَ	وَنَد
ص+م	ص+م	ص+م+ص	ص+م	ص+م+ص	ص+م	ص+م	ص+م+ص	ص+م	ص+م	ص+م+ص

گروه زبان و ادبیات فارسی استان آذربایجان شرقی

2- هر بیت را به هجاهای تشکیل دهنده آن تجزیه کنید؛ سپس هر هجا را با علامت خاص آن بنویسید.

عجب نیست از گل که خندد به سروی که در این چمن پای در گل نشیند

عَ	جَبْ	نی	ست	آز	گل	کِ	خن	دد	بِ	سر	وی
کِ	در	ین	چ	من	پا	ی	در	گل	ن	شی	ند
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-

که معنی بماند نه صورت به جای

اگر هوشمندی به معنی گرای

ا	گر	هو	ش	من	دی	بِ	مع	نی	گِ	رای
کِ	مع	نی	بِ	ما	ند	نَ	صو	رت	بِ	جای
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-

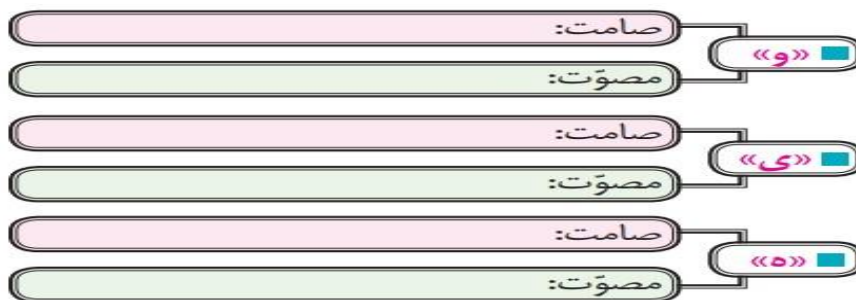
3- در بیت زیر، چند هجای کوتاه وجود دارد؟

تا شب نرود، صبح پدیدار نباشد

تا رنج تحمل نکنی، گنج نبینی

(در مصرع اول 4 هجای کوتاه - مصرع دوم 4 هجای کوتاه. (در کل بیت، 8 هجای کوتاه).

4- برای کاربردهای گوناگون (صامت، مصوت) هریک از واجهای زیر، نمونه‌هایی بنویسید.



بیت الف

5- علامت هجاهای کدام بیت، چهار بار (U - - -) تکرار شده است؟

که عشق آسان نمود اول، ولی افتاد مشکل‌ها

الف) الا یا ایها السّاقی ادر کأساً و ناولها

و ن ا و ل ه ا - - - U	ا د ر ک ا س ا - - - U	ی ه س سا ق ی - - - U	ا ل ا ی ا ی - - - U
د م ش ک ل ه ا - - - U	و ل ی ا ف ت ا - - - U	ن م و د و ل - - - U	ک ع ش ق ا س ا ن - - - U

ای ز چشمه نوشت، چشم دل چراغانی

ب) خلوتم چراغان کن، ای چراغ روحانی

غِ رُو حَا نِ

- - - U

اِی چِ رَا

- U -

چِ رَا غَا نِ کُن

- - - U

خَل وَ تَم

- U -

چِ رَا غَا نِ

- - - U

چِش مِ دِل

- U -

مِ ی نِوِشْت

- - - U

اِی ز چِش

- U -

که من اینجا به امیدی گروم

پ) من از اینجا به ملامت نروم

نَ رَ وَم

- U U

بِ مَ لَامَت

- - U U

مَ نَ زِیْنِ جَا

- - U U

گِ رَ وَم

- U U

بِ اُ مِ دِی

- - U U

کِ مَ نِیْنِ جَا

- - U U

به نرمی بر سر کارون همی رفت

ت) بلم آرام چون قویی سبکبار

سَ نَ بَکِ بَار

- - U

مِ چُن قِوِی

- - - U

بَ لَمَ آ رَا

- - - U

هَ مِ رَ فْت

- - U

سَ رِ کَا رِوْن

- - - U

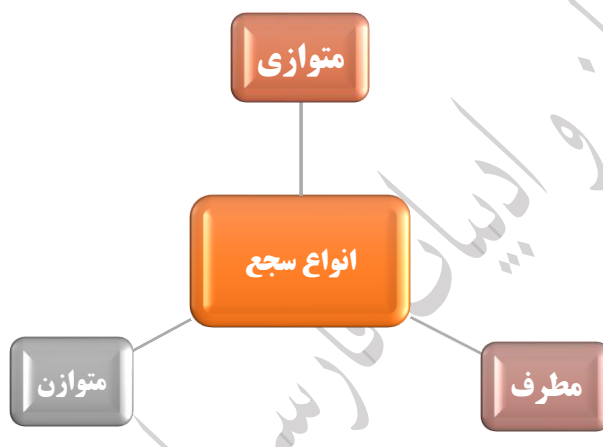
بِ نَرِ مِ بَر

- - - U



تعریف سجع

سجع در لغت به معنی آواز کبوتر و در اصطلاح بدیع، آرایه‌ای است که از هماهنگی واژگان پایانی جمله‌های یک عبارت ایجاد می‌شود. این هماهنگی می‌تواند در واج یا واج‌های پایانی و وزن یا هر دوی آنها باشد.



- 1- سجع مطرف: هرگاه واج‌های پایانی دو کلمه سجع، یکسان و وزن آنها متفاوت باشد. مثال: «به نام آن خدایی که نام او راحت روح است و پیغام او در وقت صبح، مومنان را صبح است.»
- 2- سجع متوازن: هرگاه وزن دو کلمه مسجع، یکسان و واج‌های پایانی آنها متفاوت باشد. مثال: «علم متروک گشته و جهل مطلوب ... مظلوم مُحِقّ ذلیل و ظالم مُبطل عزیز.»
- 3- سجع متوازی: هرگاه دو کلمه مسجع هم در واج‌های پایانی و هم در وزن یکسان باشند. در واقع سجع متوازی، جمع دو سجع مطرف و متوازن است. مثل «قرب و نعمت» در عبارت زیر که از نظر واج‌های پایانی و وزن یکسان است. مثال: «مَنْت خدای را عزوجلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکراندرش مزید نعمت.»

به کلمات دارای سجع در هر جمله «ارکان سجع» و به آهنگ برخاسته از آنها «سجع» می‌گویند. فایده سجع، ایجاد موسیقی در نثر و افزایش موسیقی در شعر است. نثر و شعری که سجع در آن به کار رود «مسجع» نامیده می‌شود. ارزش موسیقایی سجع متوازی از همه بیشتر و سجع متوازن از همه کمتر است.

توجه: سجع در نثر معادل قافیه در شعر است. پس همان گونه که قافیه‌ها در پایان مصراع‌ها ظاهر می‌شود و وجود حداقل دو مصراع در آنها الزامی است، لذا برای ایجاد سجع نیز وجود دو جمله الزامی است. مثلاً در عبارت «کمال و جمال او را نهایت نیست.» دو واژه «کمال و جمال» سجع ندارند؛ زیرا در جایگاه سجع هریک در پایان یک جمله قرار نگرفته‌اند.

توجه: گاهی در پایان جملات مسجع، همانند ردیف در شعر، واژگانی عیناً از لحاظ لفظ و معنا تکرار می‌شوند، در این حالت، واژگان سجع، قبل از کلمات تکراری قرار می‌گیرند. مثل «غایت و نهایت» قبل از نیست. «محبّت را غایت نیست؛ از بهر آن که محبوب را نهایت نیست.»

توجه: ممکن است یکی از کلمات تکراری (ردیف) بعد از ارکان سجع به قرینۀ لفظی حذف شده باشد؛ مثلاً در عبارت زیر، واژه «است» در جمله دوم به قرینۀ لفظی حذف شده است و واژگان «حیات و ذات» ارکان سجع هستند. «هر نفسی که فرومی‌رود مُمدّ حیات است و چون برمی‌آید مفرّح ذات.»

توجه: در سجع متوازن منظور از هم وزن بودن کلمات مسجع، وزن عروضی است نه وزن عربی؛ مثلاً دو واژه «مینا و قادر» هم وزن عروضی هستند و سجع می‌سازند، در حالی که هم وزن عربی نیستند. واژه «عادل» در زبان عربی فقط با کلماتی هم وزن است

در عبارات زیر سجع‌ها و نوع آنها را مشخص کنید.

- ۱- اختران رخشان به پرتو روشنی او تابنده و چرخ گردان به خواست و فرمان او پاینده. (تابنده - پاینده: سجع متوازی)
- ۲- باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده. (رسیده - کشیده: سجع متوازی)
- ۳- طالب علم عزیز است و طالب مال ذلیل. (عزیز - ذلیل: سجع متوازن)
- ۴- گره‌گشای هر بندی و آموزنده هر پندی است. (بندی - پندی: سجع متوازی)
- ۵- الهی جوینده تو را با بهشت چه کار است گل‌های بهشت زیر پای عارفان خار است. (کار - خار: سجع متوازی)
- ۶- هر کس این طریقت نوزد به پولی نیرزد. (نورزد - نیرزد: سجع متوازی)
- ۷- اسباب معیشت ساخته به اوراد عبادت پرداخته. (ساخته - پرداخته: سجع مطرف)

خودارزیابی

1- در اشعار و جمله‌های زیر سجع را بیابید.

(الف) بزرگان گفته‌اند: دولت نه به کوشیدن است؛ چاره کم جوشیدن است. (کوشیدن - جوشیدن: سجع متوازی)

(ب) الهی به شناخت تو زندگانیم، به نام تو آبادانیم، به یاد تو شادانیم و به یافت تو ناتوانیم. (زندگانیم و آبادانیم: سجع متوازی) / (شادانیم و ناتوانیم: سجع مطرف)

ج) سیر عشق، نهفتنی است نه گفتنی و بساط مهر، پیمودنی است نه نمودنی. (نهفتنی و گفتنی: سجع مطرف / پیمودنی و نمودنی: سجع مطرف)

د) من مانده‌ام مهجور از او، دیوانه و رنجور از او گویی که نیشی دور از او در استخوانم می‌رود. (مهجور و رنجور و دور: سجع مطرف)

2- عبارت زیر را می‌توان مسجع نامید؟ دلیل خود را بنویسید.

«پادشاهی او راست زیننده، خدایی او راست درخورنده، بلندی و برتری از درگاه او جوی و بس.»

(بله؛ واژگان زیننده و درخورنده که در پایان دو جمله آمده‌اند در حروف پایانی مشترک هستند اما وزنشان یکسان نیست؛ پس سجع مطرف دارند.)

3- در عبارت زیر، واژه‌های سجع کدام‌اند؟ وجه اشتراک آنها را بنویسید.

«تنی چند متفق سیاحت بودند و شریک رنج راحت.» (سیاحت و راحت. وجه اشتراک آنها تنها واج پایانی «ت» است و سجع مطرف دارند.)

4- واژه‌های و در عبارت زیر، سجع متوازی دارند.

«جوانمرد که بخورد و بدهد، به از عابد که روزه دارد و بنهد.» (بدهد و بنهد)

5- در هر عبارت، سجع را بیابید و نوع آن را مشخص نمایید.

«محبت را غایت نیست؛ از بهر آنکه محبوب را نهایت نیست.» (غایت و نهایت: سجع مطرف)

«پشت و پناه سپاه من بود، در دیده دشمنان خار و بر روی دوستان خال.» (خار و خال: سجع متوازن)

«فلان را کرم بی‌شمار است و هنر بی‌حساب، دارای عزمی است متین و طبعی کریم.» (بی‌شمار و بی‌حساب: سجع متوازن / متین و کریم: سجع متوازن)

«ظاهر درویشی، جامه زنده است و موی سترده و حقیقت آن، دل زنده و نفس مرده.» (ژنده و سترده: سجع مطرف / زنده و مرده: سجع متوازی)

«ارادت بی‌چون، یکی را از تخت شاهی فروآرد و دیگری را در شکم ماهی نکو دارد.» (فروآرد و دارد: سجع مطرف)

6- در متن زیر، سجع‌ها را بیابید، نوع هر یک را مشخص نمایید و درباره ارزش موسیقایی هر یک اظهار نظر کنید.

«صیاد بی‌روزی، ماهی در درجله نگیرد و ماهی بی‌اجل در خشک نمیرد. دو چیز محال عقل است: خوردن بیش از رزق مقسوم و مردن پیش از وقت معلوم. به نانهاده، دست نرسد و نهاده، هر کجا هست، برسد. هر که به تأدیب دنیا راه صواب نگیرد، به تعذیب عقبی گرفتار آید.»

(نگیرد - بمیرد، مقسوم - معلوم، نرسد - برسد: سجع متوازی / نگیرد و آید: سجع مطرف / ارزش سجع متوازی از همه سجع‌ها بیشتر است و سجع مطرف ارزش موسیقایی کمتری دارد.)

نمونه سوالات تستی فصل

1- در کدام عبارت «سجع» به کار رفته است؟

1) دل او در پرده‌های گمراهی نهان و حق از او روی گردان.

2) بی‌خویشتن نشسته بود، خواجه‌وار و پای به گرد کرده.

<p>3) صالح و طالح متاع خویش نمودند. <input type="checkbox"/></p> <p>4) اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاد. <input type="checkbox"/></p>					
<p>۲- در کدام گزینه نوع سجع متفاوت است؟</p> <p>1) تلخ را چه سود اگر آب خوش در جوار است و خار را چه حاصل از آن که بوی گل در کنار است؟ <input type="checkbox"/></p> <p>2) مست باش و مخروش، گرم باش و مجوش، شکسته باش و خاموش. <input type="checkbox"/></p> <p>3) الهی، اگر کاسنی تلخ است، از بوستان است و اگر عبدالله مجرم است، از دوستان است. <input type="checkbox"/></p> <p>4) الهی، این چه داغی است که سوختن مرهم اوست و این چه باغی است که افروختن شبنم اوست. <input type="checkbox"/></p>					
<p>۳- در همهٔ گزینه‌ها، به جز گزینهٔ سجع به کار رفته است.</p> <p>1) پیکان از جراحت به درآید و آزار در دل بماند. <input type="checkbox"/></p> <p>2) ظالمی را حکایت کنند که هیزم درویشان خریدی به حیف و توانگران را دادی به طرح. <input type="checkbox"/></p> <p>3) ملک‌زاده‌ای را شنیدم که کوتاه بود و پست و دیگر برادران بلند و خوبروی. <input type="checkbox"/></p> <p>4) خلاف راه صواب است و نقض رأی اولوالالباب. <input type="checkbox"/></p>					
<p>۵- در عبارت زیر واژه‌های کدام گزینه طرفین سجع نیستند؟</p> <p>«در همان بحبوحهٔ بخور بخور که منظرهٔ فنا و زوال غاز خدا بیامرز، مرا به یاد بی‌ثباتی فلک بوقلمون و شقاوت مردم دون و مکر و فریب جهان پتیاره و وقاحت این مصطفای بدقواره انداخته بود، باز صدای تلفن بلند شد. بیرون جستم و زود برگشتم.»</p> <p>1) جستم، برگشتم <input type="checkbox"/> 2) پتیاره، بدقواره <input type="checkbox"/> 3) بوقلمون، دون <input type="checkbox"/> 4) فنا، خدا <input type="checkbox"/></p>					
<p>۶- در همهٔ گزینه‌ها، به جز گزینهٔ سجع به کار رفته است.</p> <p>1) از اندوه بیرون نیاید، که آماج تیر بلائید. <input type="checkbox"/></p> <p>2) با آنان بستیزید، که رستگاریتان در آن است. <input type="checkbox"/></p> <p>3) چه جای ملامت است، که در دیدهٔ من شایستهٔ کرامت است. <input type="checkbox"/></p> <p>4) جرعهٔ اندوه به کامم می‌ریزید و کار را به هم درمی‌آمیزید. <input type="checkbox"/></p>					
<p>پاسخ‌نامهٔ سوالات:</p>					
2 (6)	۲ (5)	۴ (4)	۳ (3)	۲ (2)	1 (1)

فصل سوم

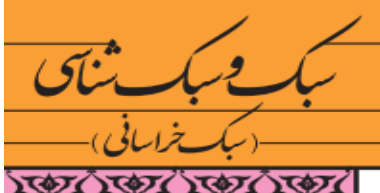


سبک خراسانی	درس هفتم
وزن شعر فارسی	درس هشتم
موازنه و ترصیع	درس نهم
* کارگاه تحلیل فصل	



گروه زبان و ادبیات فارسی استان آذربایجان شرقی

درس هفتم



تعریف سبک:

سبک در اصطلاح ادب، شیوه خاص یک اثر یا آثار ادبی است.

تعریف سبک شعر:

به مجموعه ویژگی‌هایی که شاعر یا نویسنده در نحوه بیان اندیشه به کار می‌گیرد «سبک شعر» می‌گویند.

تعریف سبک شخصی:

شیوه بیان هر نویسنده یا شاعر را «سبک شخصی» گویند.

توجه: به تعداد شاعران و نویسندگان سبک وجود دارد. اما شباهت‌های سبک شخصی باعث می‌شود که در یک دسته طبقه‌بندی شوند.

طبقه‌بندی سبک براساس دیدگاه‌های گوناگون شکل گرفته است و در این کتاب به دو نظریه می‌پردازیم:

نظریه اول: نظریه

ارسطو

نظریه دوم: نظریه

استاد بهار

نظریه اول، نظریه ارسطو، فیلسوف بزرگ یونانی است که سبک را براساس معیارهای زیر طبقه‌بندی کرده است:

- 1- براساس نام شاعر یا نویسنده: مانند سبک حافظ، سبک مولوی، سبک بیهقی و سبک سهروردی.
 - 2- براساس زمان و دوره اثر: مانند سبک دوره صفوی، سبک دوره انقلاب.
 - 3- براساس موضوع و نوع: مانند سبک عرفانی، سبک حماسی.
 - 4- براساس محیط جغرافیایی: مانند سبک آذربایجانی، سبک خراسانی.
 - 5- به تناسب مخاطب: مانند سبک عامیانه، سبک عالمانه.
 - 6- براساس هدف: مانند سبک تعلیمی، سبک فکاهی.
 - 7- براساس قلمرو دانشی: مانند علمی، فلسفی.
- براساس نظریه ارسطو اگر بخواهیم شاهنامه را در این طبقه‌بندی جای دهیم، باید بگوییم:
- 1- براساس نام شاعر: سبک فردوسی، 2- براساس زمان و دوره اثر: سبک غزنوی، 3- براساس موضوع و نوع: سبک حماسی، 4- براساس محیط جغرافیایی: سبک خراسانی، 5- به تناسب مخاطب: سبک عامیانه - عالمانه، 6- براساس هدف: سبک تعلیمی، 7- براساس قلمرو دانشی: اسطوره و تاریخ.
- استاد محمدتقی بهار سبک شعر را از سبک نثر جدا کرده و برای شعر شش نوع سبک در نظر گرفته است:

1- سبک خراسانی یا ترکستانی (از آغاز شعر فارسی تا قرن ششم) 2- سبک عراقی (از قرن هشتم تا قرن دهم)
3- سبک هندی (از قرن دهم تا سیزدهم) 4- دوره بازگشت (در تمام طول قرن سیزدهم) 5- دوره مشروطه 6- دوره معاصر.
این تقسیم‌بندی بر مبنای حوزه جغرافیایی و تاریخی شعر و بعضی از مکتب‌ها و سبک‌های فرعی را نیز به آن افزود. تقسیم‌بندی بهار از نثر نیز به آن افزود.

تقسیم‌بندی بهار از نثر:

1- دوره سامانی (300 تا 450 ه.ق) 2- دوره غزنوی و سلجوقی اول (450 تا 550 ه.ق) 3- دوره سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان، نثر فنی (550 تا 616 ه.ق) 4- دوره سبک عراقی، (نثر مصنوع 600 تا 1200) 5- دوره بازگشت ادبی (1200 تا 1300 ه.ق) 6- دوره ساده‌نویسی (1300 ه.ق تا امروز).

نکته: مکتب‌ها و سبک‌های ادبی معمولاً محصول اوضاع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... زمان‌های است که صاحبان آن مکتب‌ها و سبک‌ها در آن می‌زیسته‌اند.

نخستین آثار نظم فارسی بعد از اسلام، ابتدا در سیستان و سپس در خراسان بزرگ (خراسان کنونی، افغانستان و تاجیکستان، ماورالنهر و ترکستان) پدید آمد. به سبک این آثار، «سبک خراسانی» گفته‌اند و به علت آن که اوج آن در زمان سامانیان بوده است، آن را «سبک سامانی» هم نامیده‌اند. از سوی دیگر سبک خراسانی برحسب زمان، به سه سبک فرعی «سامانی، غزنوی و سلجوقی» تقسیم می‌شود که ویژگی‌های مشترکی دارند. سبک دوره سلجوقی را باید «سبک بینابین» نام نهاد؛ زیرا ویژگی‌های سبک عراقی نیز در آن به چشم می‌خورد. از شعرای معروف سبک خراسانی می‌توان به رودکی، فردوسی، ناصر خسرو و ... اشاره کرد. هر اثر شعری را در سه قلمرو، می‌توان بررسی کرد: زبانی، ادبی و فکری.

ویژگی‌های شعر سبک خراسانی در سه قلمرو:

الف) زبانی: 1- سادگی زبان شعر؛ 2- کم بودن لغات عربی - به جز اصطلاحات دینی و علمی - و لغات بیگانه در مقایسه با دوره‌های بعد؛ 3- تفاوت تلفظ برخی از کلمات در مقایسه با زبان امروز مثلاً، یک - هزار / یک - هزار؛ 4- کهنه و مهجور بودن بخشی از لغات در مقایسه با دوره‌های بعد، گبر - جوشن - پروز؛ 5- استفاده از دو حرف اضافه برای یک متمم.

نمونه:

چو رستم سلیح نبردی بدید	برافشاند و باد از جگر برکشید
چنین گفت: کای جوشن کارزار	بر آسودی از جنگ یک روزگار
کنون کار پیش آمدت سخت باش	به هر کار پیراهن بخت باش
چنین رزمگاهی که غران دو شیر	به جنگ اندر آیند هر دو دلیر

ب) ویژگی ادبی: 1- قالب عمده شعر این دوره، قصیده است؛ قالب‌های مسمط، ترجیع‌بند، مثنوی و غزل در این دوره شکل می‌گیرد. 2- اعتدال در کاربرد آرایه‌های ادبی؛ 3- سادگی ردیف و قافیه؛ 4- تشبیه حسی در توصیف پدیده‌ها.

نمونه:

دلا تا کی همی جویی منی را	چه جویی دوست هرزه دشمنی را
دل من ارزنی عشق تو کوهی	چه سایبی زیر کوهی ارزنی را؟

ج) فکری: 1- روح شادی و نشاط و خوش باشی در شعر غلبه دارد؛ 2- شعر واقع‌گراست و توصیفات عمدتاً طبیعی، ساده، محسوس و عینی است؛ 3- معشوق عمدتاً زمینی است؛ 4- بیشتر روح حماسه بر ادبیات این دوره حاکم است؛ 5- اشعار پندآموز و اندرزگونه این دوره، ساده است و جنبه عملی و دستوری دارد؛ 7- مضمون عمده اشعار این سبک، حماسه، مدح و اندرز و ... است؛ 8- فکر و کلام ساده است؛ یعنی هنوز با پیچیدگی‌های عرفانی، حکمی و اندیشه‌های فلسفی درنیامیخته است.

نمونه:

هنگام بهار است و جهان چون بت فرخار
آن گل که مر او را بتوان خورد به خوشی
در سایه گل باید خوردن می چون گل
مرکز نشود دایره، وان قطره باران

خیز ای بت فرخار بیار آن گل بی خار
وز خوردن آن روی شود چون گل بر بار
تا بلبل قوالت برخواند اشعار
صد دایره در دایره گردد به یکی بار

نثر دوره اول

نثر این دوره در دو شاخه بررسی می‌کنیم؛ دوره سامانی، دوره غزنوی و سلجوقی.

الف) دوره سامانی:

برخی از ویژگی‌های نثر این دوره عبارت‌اند از:

- 1- ایجاز و اختصار در لفظ و معنا؛ 2- تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی؛ 3- کوتاهی جملات؛ 4- لغات کم کاربرد فارسی در مقایسه با دوره‌های بعد؛ 5- افزایش کاربرد نشانه‌های جمع فارسی بر جمع عربی.
- محتوای نثرهای این دوره، بیشتر علمی است. گاهی نثرهای حماسی، تاریخی و دینی هم دیده می‌شود. از نمونه‌های موفق این گونه نثر، می‌توان ترجمه تفسیر طبری، تاریخ بلعمی، التفهیم و شاهنامه منثور ابومنصوری را نام برد.
- نمونه‌ای از تاریخ بلعمی:** «پس ولید کس فرستاد و حسین را بخواند. حسین دانست که او را از بهر چه خواند پنجاه مرد با سلاح با خویشتن ببرد و گفت: شما به دربايستيد و سخن مرا گوش داريد؛ اگر کار دیگرگونه بود خویشتن را به سرای اندر افکنید تا بکشیم... پس حسین علی پیش وی اندر آمد. ولید او را بر کرد و نامه یزید بروی خواند. حسین گفت: این نامه یزید به چهار تن آمده است، همه را بخوان تا یکجا بیعت کنیم. ولیدگفت: روا باشد. حسین برخاست، و مروان گفت: یا ولید، این را بکش و مهلکه بیرون شود. حسین آن سخن مروان بشنید، گفت: ای مروان تو مرا نتوانی کشتن و نه ولید. و بیرون آمد...»

ب) دوره غزنوی و سلجوقی

برخی از ویژگی‌های نثر این دوره عبارت‌اند از:

- 1- اطناب (جمله‌های طولانی)
 - 2- تمثیل و استشهداد به آیات، احادیث و اشعار
 - 3- حذف افعال به قرینه
 - 4- افزایش کاربرد لغات عربی
- از آثار نثر این دوره: تاریخ بیهقی، قابوسنامه، سفرنامه ناصر خسرو، سیاست نامه، کیمیای سعادت و کشف المحجوب «تا توانی از نیکی کردن میاسا و خود را با نیکی و نیکوکاری به مردمان نمای و چون نمودی به خلاف نموده مباش. به زبان دیگر، مگو و به دل دیگر مدار تا گندم نمای جو فروش نباشی و اندر همه کاری داد از خویشتن بده که هر که داد از خویشتن بدهد از داور مستغنی باشد.»

سوالات تشریحی

1- سبک را تعریف کنید؟	
2- چرا به تعداد شاعران و نویسندگان جهان، سبک وجود دارد؟	
3- ارسطو بر چه اساسی به طبقه‌بندی سبک‌های زیر پرداخته است؟ (الف) سبک عامیانه و سبک عالمانه: (ب) سبک عرفانی و سبک حماسی:	
4- محمدتقی بهار برای شعر فارسی چند نوع سبک قائل است؟ به ترتیب زمانی نام ببرید.	
5- نثر فنی در طبقه‌بندی استاد بهار مربوط به کدام دوره تاریخی است؟	
6- معیار استاد بهار در طبقه‌بندی سبک نثر فارسی چیست؟ به ترتیب نام ببرید.	
7- چرا سبک خراسانی را سبک سامانی هم نامیده‌اند؟	
8- سه مورد از شعرای معروف سبک خراسانی را نام ببرید.	
9- چرا سبک دوره سلجوقی را باید «بینابین» نام نهاد؟	
10- دو مورد از ویژگی‌های زبانی سبک خراسانی را در شعر زیر پیدا کنید و بنویسید. مرد مرادی نه همانا که مُرد جان گرامی به پدر باز داد مرگ چنین خواجه نه کاری است خُرد کالبد تیره به مادر سپرد	
11- دو مورد از ویژگی‌های ادبی سبک خراسانی را بنویسید.	
12- دو مورد از ویژگی‌های فکری متن زیر را بنویسید؟ نوروز روزگار نشاط است و خرمی خیل بهار خیمه به صحرا برون زند پوشیده ابر دشت به دیبای ارمنی واجب کند که خیمه به صحرا برون زنی	
13- نثر دوره سامانی چه تفاوتی با نثر دوره غزنوی و سلجوقی دارد؟	
14- ویژگی‌های نثر دوره سامانی را بنویسید.	
15- نثر دوره غزنوی و سلجوقی چه ویژگی‌هایی دارد؟ نام ببرید.	
16- متن زیر مربوط به کدام دوره نثر فارسی است؟ برای اثبات پاسخ خود دلیل بیاورید. «و این مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط قلم درنهاد. تا نزدیک نماز پیشین، از این مهمات فارغ شده بود و خیل‌تاشان و سوار را گسیل کرده. پس رقعتی، نبشت به امیر و هر چه کرده بود باز نمود و مرا داد.»	
سوالات پاسخ کوتاه	
1- شیوه بیان هر نویسنده یا شاعر را چه می‌گویند؟	
2- از دیدگاه ارسطو طبقه‌بندی سبک به دوره غزنوی و مشروطه بر چه مبنایی است؟	
3- نام دیگر سبک خراسانی چیست؟	
4- تاریخ بیهقی به کدام دوره نثر فارسی مربوط می‌شود؟	
5- قالب عمده شعر سبک خراسانی چیست؟	
سوالات تستی	
1- شیوه خاص یک اثر یا آثار ادبی راگویند. (الف) سبک شعر <input type="checkbox"/> (ب) سبک نثر <input type="checkbox"/> (ج) سبک <input type="checkbox"/> (د) سبک شخصی <input type="checkbox"/>	
2- همه گزینه‌ها بجز گزینه با توجه به ملاک‌های طبقه‌بندی ارسطو از سبک درست است.	

الف) براساس نام شاعر یا نویسنده	ب) براساس زمان و دوره اثر
ج) براساس موضوع و نوع	د) براساس اوضاع سیاسی
3- کدام گزینه در طبقه بندی استاد بهار از سبک شعر نیامده است؟	
الف) سبک ترکستانی <input type="checkbox"/>	ب) سبک بازگشت <input type="checkbox"/>
ج) سبک عراقی <input type="checkbox"/>	د) سبک سامانی <input type="checkbox"/>
4- کدام یک از ویژگی‌های زیر از ویژگی‌های زبانی سبک شعر خراسانی نیست؟	
الف) سادگی زبان شعر <input type="checkbox"/>	ب) کم بودن لغات عربی <input type="checkbox"/>
ج) سادگی ردیف و قافیه <input type="checkbox"/>	د) کهنه بودن لغات <input type="checkbox"/>
5- همه شعرا بجز از شاعران سبک خراسانی است.	
الف) رودکی <input type="checkbox"/>	ب) فردوسی <input type="checkbox"/>
ج) ناصر خسرو <input type="checkbox"/>	د) سعدی <input type="checkbox"/>
سوال جورکردنی	
1- گزینه مربوط به ستون الف را از ستون ب انتخاب کنید و به یکدیگر وصل کنید.	
ستون الف	ستون ب
براساس نام شاعر یا نویسنده	سبک عرفانی و سبک حماسی
براساس قلمرو دانشی	سبک فردوسی و سبک بیهقی
براساس موضوع و نوع	سبک آذربایجانی و سبک خراسانی
	سبک علمی و سبک ادبی
پاسخ سوالات تستی	
1- سبک: شیوه خاص یک اثر یا آثار ادبی است.	
2- زیرا شیوه بیان هر نویسنده یا شاعر سبک شخصی است.	
الف) به تناسب مخاطب: ب) بر اساس موضوع و نوع:	
3- شش نوع سبک به ترتیب: 1) سبک خراسانی یا ترکستانی، 2) سبک عراقی، 3) سبک هندی، 4) دوره بازگشت، 5) دوره مشروطه، 6) دوره معاصر، 7) دوره سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان 8) دوره‌های تاریخی	
4- به علت آن که اوج آن در زمان سامانیان بوده است.	
5- فردوسی، رودکی، ناصر خسرو.	
6- زیرا ویژگی‌های سبک عراقی نیز در آن به چشم می‌خورد.	
7- سادگی زبان شعر، کم بودن لغات عربی.	
8- به کارگیری تشبیهات حسی در توصیف - سادگی قافیه و ردیف.	
9- روح شادی، نشاط و خوش باشی - واقع گرایی شعر.	
10- در نثر دوره سامانی ایجاز در لفظ و معناست ولی در دوره غزنوی و سلجوقی اطناب وجود دارد. جملات در دوره سامانی کوتاه است؛ ولی در دوره غزنوی و سلجوقی به طولانی بودن جملات برمی‌خوریم. لغات عربی در دوره سامانی کم است ولی در دوره غزنوی و سلجوقی با افزایش کاربرد لغات عربی مواجهیم.	
11- ایجاز و اختصار در لفظ و معنی - تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی - کوتاهی جملات - لغات کم کاربرد فارسی در مقایسه با دوره‌های بعد- بهره‌گیری کمتر از لغات عربی - افزایش کاربرد نشانه‌های جمع فارسی بر جمع عربی.	
12- اطناب - تمثیل و استناد به آیات، احادیث و اشعار - حذف افعال به قرینه - افزایش کاربرد لغات عربی.	
13- دوره غزنوی و سلجوقی- داشتن لغات عربی و حذف فعل به قرینه.	
پاسخ سوالات کوتاه	

1- سبک شخصی	2- براساس زمان و دوره اثر	3- سبک سامانی	4- دوره غزنوی	5- قصیده
پاسخ سوالات تستی				
1- ج	2- د	3- د	4- ج	5- د
پاسخ سوال جورکردنی				
براساس نام شاعر و نویسنده = سبک فردوسی و سبک بیهقی، براساس قلمرو دانشی = سبک علمی و سبک ادبی، براساس موضوع و نوع = سبک عرفانی و سبک حماسی.				

پاسخ خودارزیابی

- 1- الف) استفاده از آرایه‌های ادبی در حد اعتدال است. در بیت اول و دوم دندان خود را به چراغ و سیم و درّ و مرجان و ستاره سحری و قطره باران تشبیه کرده است. تشبیهات کاملاً حسی است. غم و طرب تضاد دارد مراعات نظیر در عصا و انبان. سادگی ردیف و قافیه
- ب) سادگی زبان شعر، به کارگیری واژه‌های کهن مثل انبان. تلفظ برخی واژگان مثل هزار دستان
- 2- نثر دوره غزنوی و سلجوقی، اطناب، حذف فعل به قرینه.
- 3- حذف به قرینه، به کاربردن تمثیل.

وزن شعر فارسی

مقدمه

وزن شعر فارسی بسیار حساس است؛ چون مقدمه‌ای برای درس عروض است.

وزن شعر یعنی؛ نظمی که بر مبنای کمیت هجاها (چینش هماهنگ هجاهای کوتاه و بلند) استوار است. به عبارت دیگر تعداد هجاهای یک مصراع، وزن شعر را تعیین می‌کند و نظمی که در اصوات و آوای گفتار وجود دارد.

ما در درس پنجم صامت‌ها و مصوت‌ها و انواع هجاها را خوانده‌ایم:

کشیده با علامت **U**

بلند با علامت **_**

کوتاه با علامت **U**

عروض، یعنی علمی که قواعد وزن شعر و طبقه‌بندی وزن‌ها را از جنبه نظری و عملی تعیین می‌کند.

واحد وزن در شعر فارسی و بسیاری از زبان‌های دیگر، دو مصراع است. به عبارت دیگر، وزن هر مصراع از شعر، نمودار وزن‌های دیگر است و وقتی شاعر، مصراع اول را سرود؛ بقیه مصراع‌ها را نیز باید در همان وزن بسراید. پس مصراع یک بیت اگر یک وزن خاصی را داشته باشد در شعرهای سنتی و کلاسیک باید همان وزن تا آخر باشد. نمی‌شود مصراع اول به عنوان مثال: فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن باشد و مصراع دیگر مَفْتَعَلُن، مَفْتَعَلُن، مَفْتَعَلُن.

قواعد تعیین وزن

مراحلی در تعیین وزن شعر وجود دارد که مهم‌ترین آن، درست خواندن و درست نوشتن شعر (استفاده از خط عروضی) است به عبارت دیگر، اولین مرحله پیدا کردن وزن شعر، درست خواندن و درست نوشتن است.

منظور از خط عروضی، همانطور که می‌خوانیم، بنویسیم است. املا در وزن شعر، اصلاً مهم نیست و فقط تلفظ واژه‌ها مهم‌اند.

صِدَقْ پِیش آرْ که اِخْلَاصْ به پِیشانی نیست

طاعت آن نیست که بر خاک نهد پِیشانی

این بیت را آن‌گونه که می‌خوانیم با خط عروضی چنین می‌نویسیم:

صِدَقْ پِیشارْ که اِخْلَاصْ به پِیشانی نیست

طاعتان نیست که بر خاک نه ی پِیشانی

با وجود اینکه «پیش آر» دو کلمه است ولی یک کلمه می‌نویسیم.

که در آفرینش ز یک گوهرند

بنی آدم اعضای یکدیگرند

این بیت را با خط عروضی، این‌گونه می‌نویسیم:

که در آفرینش ز یک گوهرند

بنی آدمعضای یکدیگرند

فَلْکْ را سَقْفْ بَشْکَافِیمْ و طرْحِ نو دَرَنْدَازِیمْ

بیا تا گُلْ بر افشانیم و می در ساغر اندازیم

بیت بالا را این‌گونه با خط عروضی می‌نویسیم:

فَلْکْ را سَقْفْ بَشْکَافِیمْ طرْحِ نو دَرَنْدَازِیمْ

بیا تا گُلْ بَرَفْشانیمْ می در ساغر اندازیم

گروه زبان و ادبیات فارسی استان آذربایجان شرقی

نکات مهم

در نوشتن شعر خط عروضی رعایت نکات زیر ضروری است:

- ۱- اگر قبل از همزه آغاز هجا، صامت ساکنی بیاید؛ در هنگام نوشتن شعر به خط عروضی، همزه حذف می‌شود و واج‌هایی از یک کلمه به کلمه‌ی دیگر وصل می‌شود. مثال: طاعت آن ← طاعتان
بنی آدم اعضایی ← بنی آدمعزایی
 - ۲- حروفی که در نوشتار وجود دارد ولی تلفظ نمی‌شود در خط عروضی حذف می‌شود. مانند: «ه» در واژه‌های لبه، به، که، چه.
- ** همچنین: «واو» در خواهر، خواب، خویش، خویشتن.

نیز بر نفس دیگری می‌پسند

هر چه بر نفس خویش نپسندی

نیز بر نفس دیگری می‌پسند

هر چه بر نفس خویش نپسندی

توجه: «ه» در پایان واژه‌هایی مانند: «مه به معنای بزرگ» «که به معنای کوچک» «به به معنای بهتر» «لامه مخفف ماه» و غیره تلفظ می‌شوند و جزو حروف اصلی واژه است و در نوشتن خط عروضی حذف نمی‌شود.

توجه: واو عطف و ربط بین واژه‌ها و جمله‌ها به صورت مصوت کوتاه - تلفظ می‌شود.

مقصود وجود آفرینش

ای چشم و چراغ اهل بینش

چنین خوانده و نوشته می‌شود:

مقصود وجود آفرینش

ای چشم چراغ اهل بینش

- حرف مشدد را دو بار می‌نویسیم. مانند: درنده ← درنده

مینداز خود را چو روباه شل

برو شیر درنده باش ای دغل

که چنین می‌شود:

مینداز خد را چ رو باه شل

برو شیر دررند باش ای دغل

مثال دیگر:

که نیم بر در تو بالین نه

پیر گفتا که چه عزت زین به

که چنین می‌شود:

ک نی یم بر در ت بالین نه

پیر گفتا که چه عزت زین به

تقطیع: قطعه قطعه کردن شعر به ارکان عروضی و هجاهاست.

مراحل تقطیع

- ۱- شعر را همان‌طور که خواندیم با خط عروضی می‌نویسیم.
 - ۲- مصراع‌های شعر را به هجاهای کوتاه، بلند و کشیده تقسیم می‌کنیم. توجه داشته باشیم که نظم و ترتیب هر دو مصراع، دقیقاً باید یکی باشد. هجاهای مصراع دوم را زیر هجاهای مصراع اول قرار می‌دهیم تا هجاهای دو مصراع با هم منطبق باشند.
 - ۳- هجاهای شعر را به دقت، جدا و مرز هر هجا را با خط عمودی کوتاهی مشخص می‌کنیم.
 - ۴- علامت هر هجا اعم از کوتاه U بلند _ یا کشیده _ را در زیر آن می‌نویسیم.
- یادآوری: حرکات (مصوت‌های کوتاه) در شمارش، مانند دیگر حروف شمرده نمی‌شوند اما مصوت بلند، از نظر کشش آوایی دو حرف به شمار می‌آید.

ز بامی که برخاست مشکل نشیند

مرنجان دلم را که این مرغ وحشی

پایه‌های آوایی	مَ رَنَ جان	دِ لَمَ را	کِ این مر	غَ وح شی
خوشه‌های هجایی	زِ با می	کِ بر خاس	تِ مش کل	نِ شی ند
	U _ _	U _ _	U _ _	U _ _

مقصود وجود آفرینش

ای چشم و چراغ آفرینش

ای	چَش	مُ	چ	را	غ	آه	ل	بی	نِش
-	-	u	u	-	u	-	u	-	-
مَق	صو	دِ	وُ	جو	دِ	آ	فَ	ری	نِش
-	-	u	u	-	u	-	u	-	-

خودارزیابی

2- هجاهای بیت زیر را مشخص کنید.

برد مرغ دون دانه از پیش مور

مروّت نباشد بر افتاده زور

مُ	رو	وت	نَ	با	شد	ب	رف	تا	د	زور
بَ	رد	مر	غ	دون	دا	نِ	از	پی	ش	مور
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-

3- واژه‌های زیر را با خط عروضی بنویسید و مرز هر کدام از واژه‌ها را که بیش از یک هجا دارد، مشخص کنید.

رهای: رَاها / ای	لانه: لَان / نِ	خویشتن شناسی: خِی / اش / تَن / اش / نا / سی
مُحَبّت: مُ / حَب / بَت	دلنوازان: دِل / اَن / وا / زان	نیکو: نِی / کو
خواهش: خَا / هِش	رهرو: رَه / رو	بزرگراه: بُ / زُر / اگ / راه
بَنَفشه: بَ / نَف / شِ	ملالت: مَ / لا / لَت	التماس: اِل / ات / ماس
خود: اِ / خُد	سفینه: سَ / فِی / اِنِ	چون: چُن / اِ
پشتوانه: اِ / پُش / ات / وا / نِ	مجموعه: مَج / مواع	روزنه: رُو / زان
خواستن: خَا / س / اتَن	مُودَن: مُ / عَد / ذِن	راهوار: رَا / ه / وار / کاشته: کَا / ش / ات

4- واژه‌های زیر را یک بار با حذف همزه و بار دیگر با همزه بخوانید و به خط عروضی بنویسید.

سرامد: سَر / آ / مَد - س / آ / رَا / مَد	دل انگیز: دِل / اَن / گِیز - دِ / لَن / گِیز	جنگ آور: جَنگ / آ / وَر - جَن / گَا / وَر
شب آهنگ: شَب / آ / هَنگ - شِ / با / هَنگ	شیر افکن: شِیر / اف / کَن - شِی / رَف / کَن	دار آباد: دَار / آ / باد - دا / رَا / باد

5- ابیات زیر را درست بخوانید و با خط عروضی بنویسید سپس مرز هجاها را مشخص کنید و زیر هر هجا علامت آن را بگذارید.

خوابی خیالی چیستی، اشکی بگو آهی بگو

با من بگو تا کیستی، مهربی بگو، ماهی بگو

با	من	ب	گو	تا	کی	س	تی	مه	ری	ب	گو	ما	هی	ب	گو
خَا	بِی	خ	یا	لی	چی	س	تی	اش	کی	ب	گو	آ	هی	ب	گو
-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	-	U

دست به کاری زخم که غصه سرآید

بر سر آنم که گر زدست برآید

بر	سَ	رِ	آ	نم	کِ	گر	ز	دس	ت	بَ	را	ید
دس	ت	بِ	کا	ری	زَ	نم	کِ	غص	صِ	سَ	را	ید
-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-

4- تقطیع هجایی ابیات زیر را بنویسید.

کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را؟

کی رفته‌ای ز دل که تمنّا کنم تو را؟

کی	رف	تِ	ای	ز	دل	کِ	تَ	من	نا	کُ	نم	تُ	را
کی	بو	دِ	ای	نَ	هف	تِ	کِ	پی	دا	کُ	نم	تُ	را
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-

خودشکن، آینه شکستن خطاست

آینه ار نقش تو بنمود راست

آ	یِ	نِ	ار	نق	شِ	تُ	بن	مو	د	راست
خُد	شِ	کَ	نا	بی	ن	شِ	کس	تن	خ	طاست
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-

چو بیکاری، یقین بی مزد مانی

اگر کاری کنی مزدی ستانی

ا	گر	کا	ری	کُ	نی	مُز	دی	سِ	تا	نی
چُ	بی	کا	ری	یَ	قین	بی	مُز	د	ما	نی
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-

7- با توجه به علامت هجاها، کدام واژه‌ها با حذف همزه، تلفظ شده‌اند؟ (بادآورده / پیام آور / خوش اندام / کار آزموده)

نمونه سوالات

1- کدام یک از واژگان زیر از نظر خط عروضی می‌تواند دو نوع تلفظ داشته باشد؟

الف) پیرانه ب) یادگار ج) رایانه د) بی‌قرار

2- واژه «نقّاشی» را با خط عروضی بنویسید.

3- بیت زیر را با خط عروضی بنویسید، مرز هجاها را مشخص کنید و زیر هر هجا علامت آن را بگذارید.

دیر زمانی است که بارانیم

حرف بزن ابر مرا باز کن

پاسخ‌ها

1- ب) یادگار

2- نقّ / قا / شی /

3-

حَر	ف	بِ	زن	اب	رِ	مُ	را	با	ز	کن
دی	ر	زَ	ما	نی	س	کِ	با	را	نِ	ام
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-

درس نهم

موازنه و سجع

موازنه: در ادبیات آرایه‌ای است که در عبارات یا مصراع‌ها کلماتی بیاوریم که با هم سجع متوازن داشته باشند؛ به عبارت دیگر تقابل سجع‌های (متوازن) یکسانی کلمه‌های دو مصرع یا دو جمله در وزن (یا متوازی در دو یا چند جمله است که به هم آهنگی آن‌ها می‌انجامد).

تقابل سجع‌ها، سبب افزایش موسیقی لفظی شعر است. آرایه موازنه در نثر نیز به کار می‌رود. به مثال‌های زیر توجه کنید:

این لطایف کز لب لعل تو من گفتم که گفت؟
وین تطاول کز سر زلف تو من دیدم که دید؟

در این بیت تقابل سجع‌های متوازن در برابر هم آرایه موازنه ایجاد کرده است.

«الهی، جان ما را صفای خود ده و دل ما را هوای خود ده.»

(جان، دل) سجع متوازن (صفا، هوا) سجع متوازی (کاربرد دو سجع متوازن و متوازی در کنار هم آرایه موازنه ایجاد کرد.

دل به امید روی او همدم جان نمی‌شود
جان به هوای کوی او خدمت تن نمی‌کند

هر مصرع از بیت بالا، یک جمله است. کلمه‌های دو جمله را مقابل هم نوشته و به هم ارتباط داده‌ایم. تمام کلمه‌های مقابل هم، به جز «کوی و روی» سجع متوازن‌اند.

به عبارت زیر توجه کنید:

«در بدایت، بند و چاه بود، در نهایت، تخت و گاه بود.»

این عبارت، دو جمله است. کلمه‌های جمله اول با قرینه خود در جمله دوم هم وزن‌اند؛ یعنی سجع دارند.

ترصیع: در لغت به معنی گوهر نشانیدن و زیبا ساختن. در اصطلاح ادبی، موازنه‌ای است که در آن کلمات با هم سجع متوازی می‌سازند. به عبارت دیگر آن است که کلمات مصراعی با مصراع دیگر یا جمله‌ای با جمله‌ی دیگر، در وزن (هجا) یا بخش (و حروف پایانی یکسان باشد) تقابل سجع‌های متوازی (غیر از واژگان تکراری بقیه کلمات با هم سجع متوازی باشند).

به مثال‌های زیر توجه کنید:

«ای کریمی که بخشنده عطایی و ای حکیمی که پوشنده خطایی»

(در این عبارت (کریمی، حکیمی)، (بخشنده، پوشنده)، (عطایی، خطایی) سجع متوازی دارند؛ یعنی هم تعداد حروف یکی است و هم واج‌های پایانی، پس در این عبارت آرایه‌ی ترصیع داریم.

ای مقرر به تو رسوم کمال

ای منور به تو نجوم جمال

در این بیت سجع‌های پدید آورنده‌ی این موازنه، یعنی «منور، مقرر»، «نجوم، رسوم»، «جمال، کمال» متوازی‌اند؛ یعنی علاوه بر هم وزنی، واج‌های پایانی آنها نیز یکسان است.

هم خطواتش متقارب به هم

هم حرکاتش متناسب به هم

در این بیت کلمات «حرکاتش، خطواتش» و «متناسب، متقارب» با هم سجع متوازی‌اند و پدید آورنده آرایه ترصیع شده‌اند.

گروه زبان و ادبیات فارسی استان آذربایجان شرقی

تفاوت دو آرایه‌ی

ترصیع و موازنه

اگر در دو قرینه یعنی جمله‌های مسجع بیش از دو سجع به کار رود و تمام سجع‌ها از نوع سجع متوازی باشند، آرایه‌ی ترصیع خواهیم داشت و اگر سجع‌ها از انواع دیگر یا متنوع باشند، آرایه‌ی موازنه خواهیم داشت.

خودارزیابی

1- در کدام بیت‌ها، آرایه‌ی موازنه به کار رفته است؟ دلیل خود را بنویسید.

گر عزم جفا داری، سر در رهت اندازم
ور راه وفا گیری، جان در قدمت ریزم
(موازنه ندارد؛ زیرا در این بیت کلمات دو به دو با هم سجع متوازن یا سجع متوازی ندارند. «اندازم، ریزم» سجع مطرف می‌باشند.)

ز گرز تو خورشید گریان شود
ز تیغ تو بهرام بریان شود
(فردوسی موازنه دارد؛ زیرا تمام کلمات مقابل هم سجع متوازن دارند و واژه‌های «بریان، گریان» سجع متوازی دارند.)
جفا پل بود، بر عاشق شکستی
وفا گل بود، بر دشمن فشانندی
(موازنه دارد؛ زیرا در بیت سجع متوازن و متوازی وجود دارد. کلمات «وفا، جفا» و «پل، گل» سجع متوازی‌اند.)
همه شوری و نشاطی، همه عشقی و امیدی
همه سحری و فسونی، همه نازی و خرامی
(موازنه دارد؛ زیرا در بیت کلمات دو به دو سجع متوازن دارند.)
تیر بلای او را جز دل هدف نباشد
تیغ جفای او را جز جان سپر نباشد
(موازنه است؛ زیرا در بیت به جز کلمات تکراری و واژه‌های «بلا، جفا» که سجع متوازی است. بقیه کلمات دو به دو سجع متوازن می‌باشند.)

در بزم ز رخسار دو صد شمع بر افروز
وز لعل شکر بار، می و نقل فرو ریز
(موازنه ندارد.)
پرواز به آنجا که نشاط است و امید است
پرواز به آنجا که سرود است و سرور است
(موازنه دارد؛ زیرا به جز واژه‌های تکراری، بقیه کلمات مقابل هم سجع متوازن دارند.)
نظر تا کنی عرض نقل است و می
نفس تا کنی، حرف چنگ است و نی
(موازنه دارد؛ زیرا جز کلمات «می، نی» که سجع متوازی‌اند. بقیه واژه‌ها دو به دو سجع متوازن می‌باشند.)

2- در کدام یک از ابیات، شاعر از آرایه‌ی ترصیع بهره برده است؟ دلیل انتخاب خود را بنویسید.
عالم همه عابدند و معبود یکی است
دنیا همه ساجدند و مسجود یکی است
(ترصیع ندارد، موازنه است؛ زیرا کلمات «عالم، دنیا» سجع متوازن‌اند.)
چرا ننهیم؟ نهم دل بر خیالت
چرا ندهیم؟ دهم جان در وصالت
(ترصیع ندارد، موازنه است؛ زیرا کلمات «دل، جان» سجع متوازی نیستند.)
چرا مطرب نمی‌خواند سرودی؟
چرا ساقی نمی‌گوید درودی؟
(ترصیع ندارد، موازنه است؛ زیرا واژه‌های «مطرب، ساقی» سجع متوازن‌اند.)

راه وصل تو، راه پر آسیب
درد عشق تو، درد بی درمان
(ترصیع ندارد، موازنه است؛ زیرا جز واژه تکراری «تو» بقیه کلمات دو به دو باهم سجع متوازن می‌باشند.)
ما زبالاییم و بالا می‌رویم
ما ز دریاییم و دریا می‌رویم
(ترصیع دارد؛ زیرا جز کلمات تکراری بقیه کلمات دو به دو سجع متوازی‌اند.)
3- کدام بیت از نظر کاربرد «سجع»، ارزش موسیقایی بیشتری دارد؟
هم عقل دویده در رکابت
هم شرع خزیده در پناهت
(بیت آرایه موازنه دارد.)

ما برون را ننگریم و قال را
ما درون را بنگریم و حال را
(بیت آرایه ترصیع دارد و ارزش موسیقایی‌اش بیشتر است؛ زیرا جز واژه‌های تکراری است و بقیه واژه‌ها دو به دو سجع متوازی دارند. ارزش موسیقایی سجع متوازی بیشتر از سجع متوازن است.)

4- شاعر در ابیات زیر، برای بهره‌گیری از آرایه «سجع» چه شیوه‌ای را به کار گرفته است؟ توضیح دهید.
بهاری کز دو رخسارش، همی شمس و قمر خیزد
نگاری کز دو یاقوتش همیشه دو شکر ریزد
(از آرایه موازنه استفاده کرده؛ زیرا سبب افزایش موسیقی درونی شعر می‌شود.)

برگ بی‌برگی بود ما را نوال
مرگ بی‌مرگی بود ما را حلال
(مولوی از آرایه ترصیع بهره برده که سبب افزایش موسیقی درونی شعر است.)
ما چو ناییم و نوا در ما زتوست
ما چو کوهیم و صدا در ما زتوست
(شاعر با بهره‌گیری از آرایه موازنه موسیقی درونی شعر را افزایش داده است.)
5- در تقطیع هجایی هر بیت زیر، چند هجای کشیده دیده می‌شود؟

هر که تأمل نکند در جواب
بیشتر آید سخنش ناصواب
(در مصرع اول و دوم «واب» هجای آخر کلمات «جواب، ناصواب» کشیده است که با توجه به اختیارات شاعری زبانی که هجای پایانی چه کوتاه باشد، چه کشیده باید به هجای بلند تبدیل شود. در مصرع دوم «بیش» هجای اول کلمه «بیشتر» هجای کشیده است.)

چند بررسی زمن چیستم من
نیستم نیستم نیستم من
(کلمات «چند، چیستم» در هجای اول «نیستم» در هجای اول که سه بار تکرار شده است. هجای کشیده دارند که در مجموع پنج هجای کشیده در این بیت وجود دارد.)

کارگاه تحلیل

فصل سوم

1- نمونه زیر را از نظر ویژگی‌های قلمرو زبانی بررسی کنید.

بوی جوی مولیان آیدهمی
ریگ آموی و درشتی راه او
آب جیحون از نشاط روی دوست
ای بخارا، شاد باش و دیر زی
یاد یار مهربان آیدهمی
زیر پایم پرنیان آیدهمی
خنگ ما را تا میان آیدهمی
میر، زی تو شادمان آیدهمی

الف) (استفاده از کلمات کهنه و مهجور مانند «خنگ»؛ ب) کمی واژگان عربی؛ ج) سادگی زبان؛ د) استفاده از «همی» به جای «می»؛ ه) سادگی و کوتاهی جملات.)

2- نمونه زیر را از نظر ویژگی‌های قلمرو ادبی بررسی کنید.

«و بدان که نخستین چیزی که حق تعالی آفرید، قلم را آفرید؛ چنان که پیغامبر علیه‌السلام فرمود: «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى الْقَلَمَ،» و قلم را فرمود که بر لوح بگردد و بنویس هر چه تا قیامت بخواهد بود؛ پس هر چه خواست آفریدن و خواست بودن تا رستخیز، همه قلم بنوشت به امر حق - عزّ و جلّ -».

الف) تلمیح به آفرینش ب) تضمین «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ» ج) تکرار یا واژه‌آرایی «خواست».

3- در کدام یک از بیت‌ها، شاعر از آرایه ترصیع، بهره برده است؟ دلیل انتخاب خود را بنویسید.

دانه باشی مرغکانت بر چنند

غنچه باشی کودکانت برگنند

(ترصیع دارد؛ زیرا تمام سجع‌های آن متوازی است.)

بدان آیت که جان را بنده دارد

بدان حجت که دل را زنده دارد

(موازنه دارد؛ زیرا کلمات «دل، جان» سجع متوازن‌اند و بقیه کلمات سجع متوازی‌اند.)

خوشا چون سرها استادنی سبز

خوشا چون برگ‌ها افتادنی سبز

(موازنه دارد؛ زیرا واژه‌های «سرو، برگ» سجع متوازن‌اند.)

برند از برای دلی بارها

خورند از برای گلی خارها

(ترصیع دارد؛ زیرا کلمات دو به دو سجع متوازی دارند.)

ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست

ما چو ناییم و نوا در ما ز توست

(در این بیت اختلاف نظر وجود دارد. با توجه به آنچه در کتاب آمده، واژگان مقابل هم به جز کلمات تکراری سجع متوازی‌اند و آرایه ترصیع است اما دو واژه «نای، کوه» در حرف روی یکسان نیستند؛ بنابراین سجع متوازی نیستند و موازنه می‌باشد.)

4- بیت زیر را تقطیع هجایی کنید.

دانه باشی مرغکانت بر چنند

غنچه باشی کودکانت برگنند

دا	ن	با	شی	مُر	عَ	کا	نت	بَر	چ	نند
غن	چ	با	شی	کو	د	کا	نت	بر	ک	نند
		- U -			- U - -				- U -	
		فا علا تن			فا علا تن				فا علن	

سوالات و آزمون از

درس موازنه و ترصیع

۱- موازنه چیست و چه تفاوتی با ترصیع دارد؟

۲- در کدام یک از بیت‌های زیر «موازنه» وجود دارد؟ چرا؟

- الف) یاد باد آن که سرکوی توام منزل بود
- ب) این لطافت کز لب لعل تو من گفتم که گفت
- 3- در هر یک از ابیات زیر موازنه و ترصیع را با ذکر دلیل نشان دهید.
- الف) چرخ ار چه رفیع خاک پایت
- ب) زبانش توان ستایش نداشت
- 4- جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.
- الف) رو به رویی سجع‌های آرایه موازنه را پدید می‌آورد. (ب) زمانی پدید می‌آید که همه سجع‌ها متوازی باشند.
- 5- درست یا نادرست بودن عبارات زیر را بنویسید.
- الف) همه ترصیع‌ها موازنه هم هستند؛ ولی هر موازنه‌ای ترصیع نیست.
- ب) موازنه‌ای که همه سجع‌های آن متوازن باشد، ترصیع نام دارد.
- 6- در بیت «گه به نوای علمش برکشند/ گه به نگار قلمش در کشند» چه آرایه‌ای وجود دارد؟ (با ذکر دلیل).
- 7- بی‌تی که همه سجع‌های آن متوازی باشد، چه نام دارد؟
- الف) موازنه (ب) مسجع (ج) ترصیع (د) هیچکدام
- 8- تعریف آرایه‌ی موازنه در کدام گزینه آمده است؟
- الف) تقابل سجع‌های متوازی (ب) تقابل سجع‌های متوازن (ج) تقابل سجع‌های مطرف (د) گزینه‌ی الف و ب

پاسخ‌نامه

- 1- تقابل سجع‌های متوازن یا متوازی در دو یا چند جمله است که به هم آهنگی آن‌ها می‌انجامد. تفاوت موازنه با ترصیع در این است که در ترصیع تمام سجع‌ها از نوع سجع متوازی می‌باشند؛ ولی در موازنه تقابل سجع‌های متوازن یا متوازی وجود دارد.
- 2- در بیت دوم، زیرا کلمات «لطافت، تطاول» «لب، سر» «لعل، زلف» «دیدم، گفتم» «گفت، دید» دو به دو باهم سجع متوازن‌اند.
- 3- الف) در این بیت موازنه وجود دارد؛ زیرا کلمات «چرخ، عقل» «رفیع، بزرگ» «خاک، طفل» «پای، راه» دو به دو با هم سجع متوازن‌اند.
- ب) در این بیت ترصیع وجود دارد؛ زیرا کلمات «زبان، روان» «توان، گمان» «ستایش، نیایش» دو به دو باهم سجع متوازی‌اند.
- 4- الف) متوازن / (ب) ترصیع
- 5- الف) درست. با توجه به تعریف موازنه که از تقابل سجع‌های متوازن یا متوازی به وجود می‌آید، می‌توان گفت همه ترصیع‌ها می‌توانند، موازنه هم باشند؛ ولی هر موازنه‌ای را نمی‌توان ترصیع دانست.
- ب) نادرست؛ زیرا ترصیع، موازنه‌ای است که تمام سجع‌های آن متوازی است.
- 6- موازنه؛ زیرا کلمات «نوای، نگار» سجع متوازن‌اند و کلمات «علم، قلم» «برکشند، درکشند» دو به دو سجع متوازی‌اند.
- 7- ج) ترصیع؛ زیرا در موازنه تقابل سجع‌ها متوازن یا متوازی وجود دارد و مسجع یعنی بیت یا عبارتی که دارای انواع سجع (متوازی، متوازن، مطرف) باشد.
- 8- گزینه «د» درست است؛ زیرا موازنه از تقابل سجع‌های متوازن یا متوازی به وجود می‌آید.

فصل چهارم

درس دهم	زبان و ادبیات فارسی در سده‌های پنجم و ششم و ویژگی‌های سبکی آن
درس یازدهم	قافیه
درس دوازدهم	جناس و انواع آن
* کارگاه تحلیل فصل	



نکات مهم درس

دهم

1- حاصل تلاش شاعران قرن سوم تا میانه قرن پنجم. 2- دلایل پیشرفت و گسترش زبان و ادبیات فارسی در قرن‌های پنجم و ششم. 3- پدیده‌ها و تغییرات نوظهور در ادبیات این دوره. 4- حاکمیت مطلق سبک خراسانی تا نیمه اول قرن پنجم. 5- بروز زمینه‌های تغییر سبک از خراسانی به عراقی بعد از نیمه دوم قرن پنجم و قرن ششم. 6- تحولات در قالب‌ها، مضامین موضوعات شعر به موازات تغییر سبک تربیجی. 7- تحولات نثر فارسی در جریان قرن‌های پنجم و ششم. از لحاظ پختگی زبان و تنوع مضامین. 8- پیدایش نثر موزون و رسیدن آن به مرحله نثر فنی.

بررسی نثر این دوره از نظر ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری

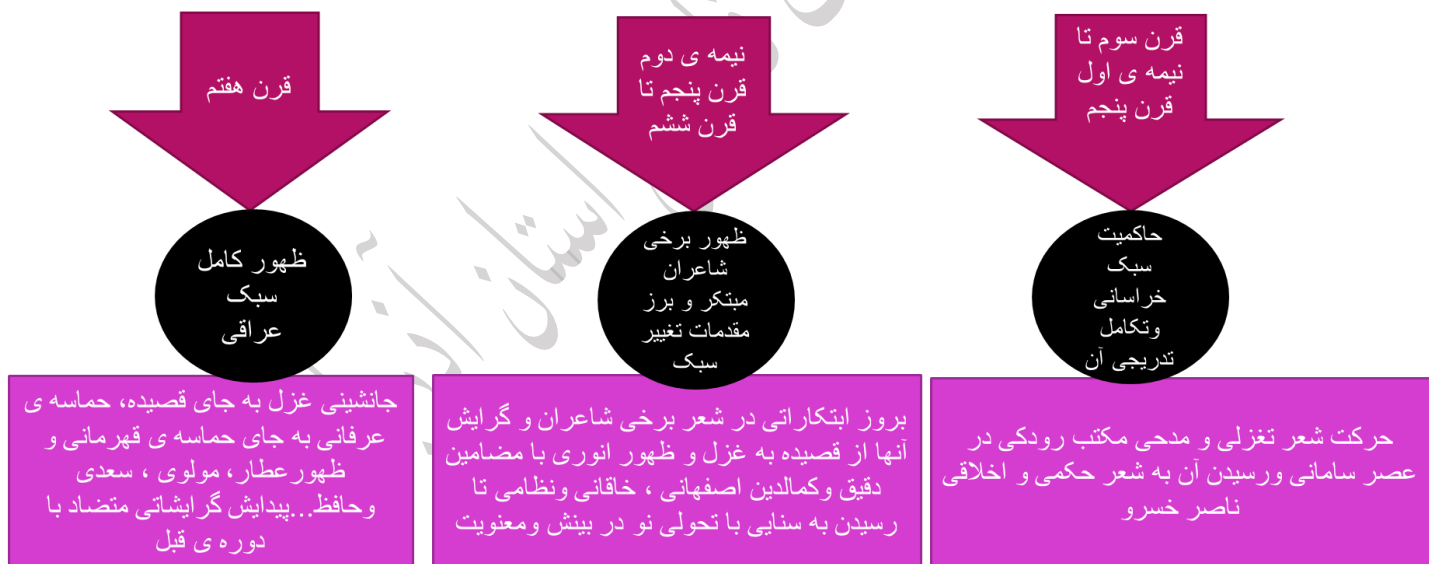
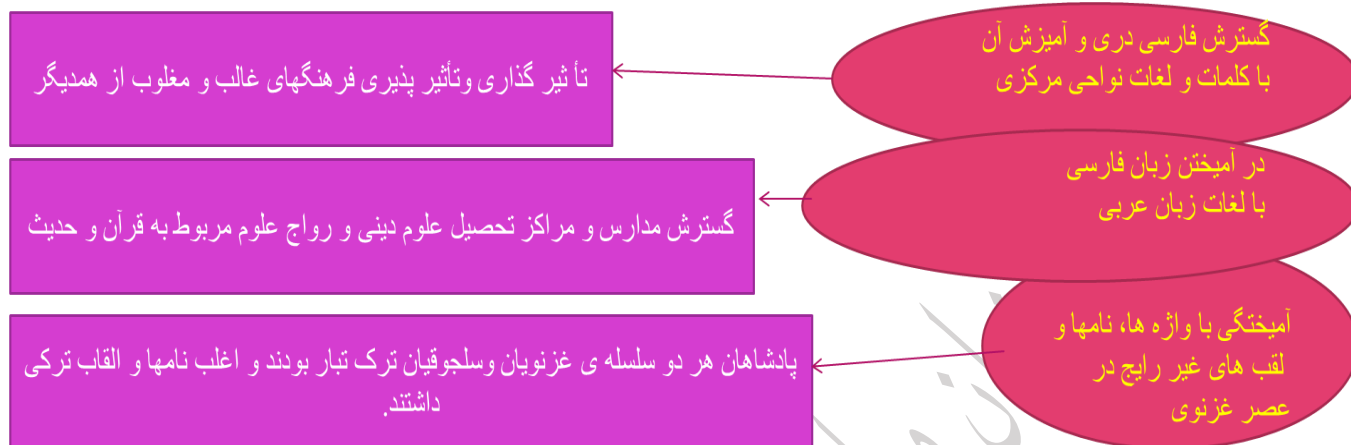
مقدمه

سیر تحول زبان و ادب فارسی از زبان نوپای دری در عصر رودکی تا غزل پخته و ناب عرفانی سنایی غزنوی و تصرف گسترده‌ای وسیع از شبه قاره هند تا آسیای صغیر تلاش‌های مستمر شاعران قرن سوم هجری به پرچمداری پدر شعر پارسی (رودکی) و تداوم آن به دست بزرگانی چون فردوسی و دیگران و ظهور و بروز شاعرانی دگراندیش چون ناصر خسرو قبادیانی و تحولات روحی و معنوی بزرگانی چون سنایی عواملی بودند که شعر فارسی را پویا و در سیری تکاملی حفظ کردند. به طوری که در پایان قرن ششم با ادبیاتی غنی پیشرفته و گسترش یافته در گستره وسیعی از جهان آن روزگار مواجه می‌شویم که حتی تا مرحله تقدس در میان مردمان اقوام و ملل رسیده است.

عوامل مهم پیشرفت و گسترش زبان فارسی در قرن‌های پنجم و ششم

1- گرایش شاهان در جلب عالمان و ادیبان به دربار؛ این گرایش که میراث پادشاهان سامانی بود، در عصر غزنوی و سلجوقی نیز ادامه یافت و علت این توجه وقوف سلاطین به جنبه تبلیغی و رسانه‌ای شعر مدحی و آثار علمی عالمان بود. چراکه آن را بهترین وسیله تبلیغ و قدرت‌نمایی برای خود می‌دانستند. 2- لشکرکشی‌ها و فتوحات غزنویان؛ محمود غزنوی به عنوان یکی از کشورگشایان بزرگ تاریخ و فرزندش مسعود به عنوان جانشین او در مدت زمامداری خود متصرفات خود را در شرق و غرب عالم گسترده و به موازات این گسترش جغرافیایی زبان فارسی را نیز به عنوان زبان قوم غالب در شبه قاره هند و آسیای صغیر نشر دادند. 3- توسعه مدارس و مراکز تعلیم؛ کارگزاران حکومتی در دربارهای غزنوی و سلجوقی گاه از فرزندان ایرانی و عالمان بودند و با

تأسیس مراکز و مدارس مختلف علمی در سرتاسر جهان اسلام که گاهی عالمان ایرانی در آنها تدریس می‌کردند. کمک شایانی به گسترش زبان و ادبیات فارسی نمودند. سرآمد این مردان سیاسی خواجه نظام الملک توسی وزیر دربار سلجوقیان بود.



پدیده‌های نوظهور در ساختار زبان فارسی به ویژه ساختار واژگانی آن
نثر فارسی در سده‌های پنجم و ششم:



ویژگی های سبکی قرن پنجم و ششم در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری به ویژه در شعر:



گروه زبان و ادبیات فارسی استان آذربایجان شرقی

ویژگی‌های عمده‌ی نثر در قرن‌های پنجم و ششم و آثار نثر شاخص در این دوره

۱- استفاده از آرایه‌های ادبی؛ مانند موازنه، سجع، مراعات النظیر، تشبیه ...

۲- حذف افعال به قرینه

۳- کاربرد لغات مهجور عربی، ترکی و مغولی و اصطلاحات علمی و فنی

۴- رواج نثر داستانی، تمثیلی و عرفانی

۵- آوردن مترادف‌ها و توصیف‌های فراوان

۶- کاربرد آیات، احادیث و اشعار در متن

۷- استفاده از ترکیبات دشوار

قابوسنامه، تاریخ بیهقی، چهار مقاله‌ی نظامی عروضی، مقامات حمیدی و کلیله و دمنه آثار شاخص نثر در این دوره هستند.

خودارزیابی

1- تحول اساسی شعری این دوره در چه زمینه‌هایی صورت گرفت؟

(گسترش دامنه‌ی موضوعات شعر؛ موضوعات شعر در رشته‌هایی همچون مدح، هجو، طنز، وعظ و حکمت، داستان‌سرایی و تغزل و حماسه به ویژه در زمینه‌ی عرفان / علاقه‌مندی شاعرانی مثل انوری به سرودن غزل‌های لطیف و زیبا / ظهور عده‌ای از شاعران در شمال غرب ایران (آذربایجان) که نوآوری‌هایی در شعر داشتند؛ مثل خاقانی و نظامی).

۲- ویژگی‌های شعر دوره‌ی اول (از قرن سوم تا میانه‌ی قرن پنجم و دوم) و (از نیمه‌ی دوم قرن پنجم و قرن ششم) را با هم مقایسه کنید. (دوره‌ی اول: سادگی فکر و روانی کلام در شعر؛ توجه بیشتر شاعران به واقعیت‌های بیرونی؛ آوردن ترکیب‌های تازه، تشبیهات گوناگون و به کارگیری انواع توصیف در شعر؛ دوره‌ی دوم: تا حدود نیمه‌ی دوم قرن پنجم و آغاز قرن ششم، شعر فارسی همچنان تحت تأثیر دوره‌ی سامانی و غزنوی است و سخن شاعرانی چون ناصر خسرو قبادیانی یادآور سروده‌های سخنوران قرن چهارم است. گروهی از شاعران این دوره در عین تقلید از پیشینیان، هر یک ابتکارات و نوآوری‌هایی دارند که باعث دگرگونی و تحول در سبک سخن فارسی شد. برخی از شاعران نیز از ادبیات عرب و مضامین شعری آن تأثیر پذیرفتند.)

۳- دلایل گرایش نویسندگان به فارسی‌نویسی در این دوره چیست؟ (الف) گسترش عرفان و تصوف؛ (ب) شکل‌گیری دولت سلجوقی و بهره‌گیری از دبیران و نویسندگان تربیت یافته در خراسان و عراق)

4- با توجه به این شعر، به پرسش‌ها، پاسخ دهید.

بوی تو نیاورد و پیامت نرسانید

آمد نفس صبح و سلامت نرسانید

یا صبحدم از رشک، سلامت نرسانید

یا تو به دم صبح، سلامی نسپردی

چه سود که بختم سوی بامت نرسانید

من نامه نوشتم به کبوتر بسپردم

زین هر دو ندانم که کدامت نرسانید

بر باد سپردم دل و جان، تا به تو آرَد

و ایام به من، جرعه‌ی جامت نرسانید

عمری است که چون خاک، جگر تشنه‌ی عشقم

کاو چاشنی کام به کامت نرسانید

خاقانی، ازین طالع خود کام چه جویی؟

الف) دو ویژگی ادبی را بنویسید. (قالب غزل/جان بخشی در گفتگو با صبح/ کنایه: دل و جان سپردن/ تشبیه: من چون خاکم/ و...) ب) کدام ویژگی‌های زبانی در شعر دیده می‌شود؟ (استفاده از ترکیبات نو: چاشنی کام و جگر تشنه/ از بین رفتن لغات مهجور فارسی/ فارسی بودن اغلب واژه‌ها/ کوتاهی و ساده بودن جملات/ و...) پ) قلمرو فکری این غزل را بررسی کنید. (درون گرایی و توجه به احوال شخصی/ اعتقاد به بخت و اقبال و تقدیر گرایی/ بیان نامرادی‌ها و ناکامی)

5- کدام یک از ویژگی‌های نثر این دوره را در متن زیر می‌بینید.
 «آورده‌اند که به فلان شهر، درختی بود و در زیر درخت، سوراخ موش، و نزدیک آن، گربه‌ای خانه داشت؛ و صیادان آنجا بس یار آمدندی. روزی صیاد دام بنهاد. گربه در دام افتاد و بماند و موش به طلب طعمه از سوراخ بیرون رفت. به هر جانب برای احتیاط، چشم می‌انداخت و راه سره می‌کرد، ناگاه نظر بر گربه افگند. چون گربه را بسته دید، شاد گشت. در این میان از پس نگریست. راسویی از جهت او کمین کرده بود؛ سوی درخت التفاتی نمود. بومی قصد او داشت. بترسید و اندیشید که اگر بازگردم، راسو در من آویزد و اگر برجای قرار گیرم، بوم فرود آید و اگر پی شتر روم، گربه در راه است. با خود گفت: درِ بلاها باز است و انواع آفت به من محیط و راه مخوف، و با این همه، دل از خود نشاید برد...»

1- استفاده از آرایه‌های ادبی: استعاره و تشخیص در انسان انگاری موش/ مراعات النظیر: گربه، موش، بوم، شتر/ استعاره: در بلا / کنایه: دل بردن (کنایه از خود را باختن) ۲- حذف افعال به قرینه: درختی بود و در زیر درخت سوراخ موش.../ انواع آفت به من محیط) ... (و راه مخوف (...)) ۳- کاربرد لغات عربی: مخوف، التفات، صیاد و... ۴- رواج نثر داستانی و تمثیلی: حکایت بالا تمثیلی است.

پرسش‌های متن

- 1- شعر فارسی در طی قرن‌های سوم تا پنجم در کدام نواحی ایران متمرکز بود؟ (شرق و شمال شرق یعنی ماوآءالنهر، خراسان و سیستان)
- 2- چه عواملی سبب گسترش زبان و ادبیات فارسی در قرن 5 و 6 هجری شد؟ (1- گرایش شاهان در جلب عالمان و ادیبان به دربار؛ 2- لشکرکشی‌ها و فتوحات غزنویان؛ 3- توسعه مدارس و مراکز تعلیم.)
- 4- چه پدیده‌های نوظهوری را در زبان و ادبیات فارسی قرن‌های 5 و 6 می‌توان یافت؟ (1- گسترش زبان فارسی و آمیزش آن با کلمات نواحی مرکزی و غربی؛ 2- گسترش فارسی دری و آمیزش آن با کلمات و لغات نواحی مرکزی و غربی ایران؛ 3- آمیختگی با واژه‌ها، نام‌ها و القاب غیر رایج در عصر غزنوی و سلجوقی.)
- 5- چرا آمیختگی زبان فارسی با واژگان عربی در قرن‌های پنجم و ششم بیشتر می‌شود؟ (زیرا در مدارس آن عهد تحصیل علوم دینی و ادبی میسر بود و ادیبان با زبان عربی آشنا می‌شدند.)
- 6- رویداد مهم قرن پنجم و ششم از نظر گسترش حوزه جغرافیایی ادب فارسی چه بود؟ (گسترش زبان فارسی در هند و آسیای صغیر.)
- 7- شعر فارسی در نیمه دوم قرن پنجم و آغاز قرن ششم تحت تأثیر چه دوره‌ای است؟ (یک نمونه ذکر کنید.) (دوره‌ی سامانی و غزنوی/ شعر ناصر خسرو و یادآور سروده‌های قرن چهارم است.)
- 8- نمونه‌ای از رویدادهای مناطق دیگر ایران (شمال غرب) غیر از خراسان و شرق ایران که در تحول شعر فارسی مؤثر بود، بیان کنید. (ظهور شاعران معروف آذربایجان مثل خاقانی و نظامی که ابتکاراتی در شعر خراسانی داشتند.)
- 9- موضوع قابل توجه در شعر نیمه دوم قرن ششم چه بود؟ و این موضوع چه نقشی در ظهور غزل سرایان قرن هفتم داشت؟

(پیدایش علاقه به سرودن غزل مانند انوری و سنایی که تحولاتی در غزل ایجاد نمودند که دستمایه ظهور غزل سرایان بزرگ قرن هفتم مثل عطار، مولوی، سعدی و دیگران شد.)

۱۰- مراکز مهم ادبی در نیمه دوم قرن ششم را نام ببرید. (حوزه ادبی فارس و نواحی مرکزی عراق عجم) یعنی اصفهان، همدان، یزد و ری.)

۱۱- کدام شاعر قرن ششم در تجدید سبک نیمه دوم قرن ششم تأثیرگذار بود؟ (جمال الدین عبد الرزاق اصفهانی)

۱۲- مجموعه تحولات شعر در قرون پنجم و ششم مقدمه ظهور چه سبکی در شعر فارسی شد؟ (سبک عراقی)

۱۳- از شعر قرن های 5 و 6 در بیان چه مضامین و موضوعاتی استفاده شد؟ (مدح / هجو / طنز / وعظ و حکمت / داستان سرایی / تغزل / حماسه)

14- کدام شاعران قرن های 5 و 6 از دربار پادشاهان کناره گرفتند؟ (الف: ناصر خسرو (به علت پایبندی به اعتقادات خاص دینی) ب: سنایی (ابتدا مدیحه گو بود در دوره دوم حیات شعریش به سیر و سلوک معنوی پرداخت.)

۱۵- شاعران بعد از سنایی به چه موضوعاتی روی آوردند؟ (تصوف و عرفان)

۱۶- تحول روحی و معنوی سنایی زمینه ساز ظهور کدام شاعران بزرگ گردید؟ (عطار و مولوی)

17- کدام مراکز در قرن پنجم و ششم پشتیبان و پناهگاه شعر فارسی شدند؟ چگونه؟ (خانقاهها / گسترش موضوعات با خروج شعر از دربارها و ورود به خانقاهها / افزوده شدن سادگی بیان - قدرت عواطف - عمق افکار و اندیشهها.)

18- مضامین برجسته شعر قرون 5 و 6 چیست؟ (حکمت و دانش و اندیشه های دینی / بدبینی شاعران به دنیا و بریدن از آن / شکایت از روزگار / بیان ناخرسندی فرزنانگان / طرح نابه سامانیهای اجتماعی.)

19- نثر فارسی در سده های پنجم و ششم چه روندی داشت؟ (بلوغ نثر در نیمه قرن پنجم - کمال و پختگی در قرن ششم و اوایل قرن هفتم / تألیف در موضوعات گوناگون علمی / کمال نثر ساده / رواج نثر مصنوع یا فنی / رواج نثر موزون.)

20- دلایل گرایش نویسندگان به نثر فارسی در قرون 5 و 6 را بنویسید. (1- گسترش عرفان و تصوف؛ 2- شکل گیری دولت سلجوقی و بهره گیری از دبیران و عالمان تربیت یافته در خراسان و عراق عجم.)

21- ویژگی اصلی نثر موزون چیست؟ (به کارگیری سجع.)

22- چه کسی نثر موزون را به کمال رسانید؟ (خواجه عبدالله انصاری)

۲۳- کدام کتاب تحت تأثیر سبک خواجه عبدالله انصاری نوشته شد؟ نویسنده آن که بود؟ (کشف الاسرار و عده البرار / ابوالفضل رشیدالدین میبدی)

۲۴- منظور از نثر فنی چیست؟ (آوردن آرایه های ادبی فراوان، امثال و اشعار گوناگون از عربی و فارسی و اصطلاحات علمی در نثر.)

۲۵- نثر فنی در چه دوره ای رواج یافت؟ (نخستین نمونه آن چه کتابی است؟ و نویسنده آن کیست؟ (قرن ششم / کلیله و دمنه / نصرالله منشی)

۲۶- ویژگی های زبانی شعر سده های 5 و 6 را بیان کنید. (1- از بین رفتن لغات مهجور فارسی نسبت به سبک خراسانی؛ 2- فراوانی ترکیبات نو؛ 3- کاهش سادگی کلام و حرکت به سوی دشواری؛ 4- ورود لغات ترکی و مغولی به فارسی.)

- 27- ویژگی‌های ادبی شعر سده‌های 5 و 6 را بیان کنید. (1- رواج و اوج غزل و مثنوی؛ 2- رواج داستان‌سرایی؛ 3- توجه بیشتر به آرایه‌های ادبی؛ 4- کاربرد ردیف‌های فعلی و اسمی دشوار.)
- 27- ویژگی‌های فکری شعر سده‌های 5 و 6 را بیان کنید. (1- ورود اصطلاحات عرفانی؛ 2- اندرزگویی در شعر؛ 3- فاصله گرفتن از عشق زمینی؛ 4- رواج هجو در شعر؛ 5- رواج حس دینی؛ 6- رواج مفاخره، شکایت و انتقاد اجتماعی.)
- 28- عمده‌ترین ویژگی‌های نثر سده‌های 5 و 6 را نام ببرید. (1- استفاده از موازنه، سجع، مراعات‌النظیر، تشبیه و... 2- حذف افعال به قرینه؛ 3- کاربرد لغات مهجور عربی، ترکی و مغولی؛ 4- رواج نثر داستانی، تمثیلی و عرفانی؛ 5- آوردن مترادفات و توصیفات فراوان؛ 6- کاربرد آیات و احادیث و اشعار در متن؛ 7- استفاده از ترکیبات دشوار.)
- 29- چند کتاب منشور در سده‌های 5 و 6 را نام ببرید. (قابوس‌نامه / تاریخ بیهقی / چهار مقاله نظامی عروضی / مقامات حمیدی / کلیله و دمنه.)

آزمون پایانی

<p>1- همه گزینیه‌ها به جز گزینه ... از عوامل مهم پیشرفت و گسترش زبان و ادبیات فارسی در شرق و شمال شرقی ایران از قرن سوم تا میانه قرن پنجم است.</p> <p>(1) گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی در قلمروی سرزمین ایران <input type="checkbox"/></p> <p>(2) لشکرکشی‌ها و فتوحات غزنویان <input type="checkbox"/></p> <p>(3) توسعه مدارس و مراکز تعلیم <input type="checkbox"/></p> <p>(4) گرایش شاهان در جلب عالمان و ادیبان به دربار <input type="checkbox"/></p>
<p>2- همه گزینیه‌ها به جز ... از جمله پدیده‌هایی است که در سده‌های پنجم و ششم برای زبان فارسی رخ داد.</p> <p>(1) آمیختگی با واژه‌ها نام‌ها و لقب‌های غیر رایج در عصر غزنوی و سلجوقی <input type="checkbox"/></p> <p>(2) گسترش فارسی دری و آمیزش آن با کلمات و لغات نواحی مرکزی و غربی ایران <input type="checkbox"/></p> <p>(3) درآمیختن عرفان و اصطلاحات عرفانی با زبان و ادب فارسی <input type="checkbox"/></p> <p>(4) درآمیختن زبان فارسی با مفردات و ترکیبات زبان عربی <input type="checkbox"/></p>
<p>3- چرا در سده‌های پنجم و ششم هرچه زمان می‌گذشت آمیختگی زبان فارسی با واژگان عربی بیشتر می‌شد؟</p> <p>(1) زیرا در آن روزگار سرزمین ایران همچنان تحت نفوذ حاکمیت اعراب بود. <input type="checkbox"/></p> <p>(2) زیرا در مدارس آن عهد عمدتاً تحصیل علوم دینی و ادبی میسر بود و شاعران و ادیبان با زبان عربی آشنا می‌شدند. <input type="checkbox"/></p> <p>(3) چون در آن دوره ایران تحت نفوذ فرهنگ و تمدن نوین اسلامی بود. <input type="checkbox"/></p> <p>(4) چون شاعران و نویسندگان آن روزگار از قرآن و روایات اسلامی تاثیر می‌پذیرفتند. <input type="checkbox"/></p>
<p>4- سخن کدام یک از شاعران سده پنجم هجری یادآور سروده‌های سخنوران قرن چهارم است.</p> <p>(1) عنصری <input type="checkbox"/> (2) فرخی سیستانی <input type="checkbox"/> (3) منوچهری دامغانی <input type="checkbox"/> (4) ناصر خسرو قبادیانی <input type="checkbox"/></p>
<p>5- شاعران کدام گزینه همزمان با شاعران خراسان و سیستان در شمال غربی ایران سبک شعر فارسی را از آنچه در دیگر نواحی ایران یا پیش از آن رایج بود متمایز ساختند و کار آنها در ادب فارسی تازگی داشت.</p> <p>(1) سنایی - انوری <input type="checkbox"/> (2) ناصر خسرو - مسعود سعد <input type="checkbox"/></p> <p>(3) سیف فرغانی - ظهیرالدین فاریابی <input type="checkbox"/> (4) خاقانی - نظامی <input type="checkbox"/></p>
<p>6- تحول روحی و معنوی کدام شاعر آغازی برای دگرگونی عمیق در شعر فارسی گردید و کدام شاعران معروف به پیروی از او تصوف و عرفان روی آوردند.</p> <p>(1) ناصر خسرو - سنایی و انوری <input type="checkbox"/> (2) سنایی و نظامی - خاقانی <input type="checkbox"/></p>

3) سنایی - عطار و مولوی <input type="checkbox"/>	4) انوری - ناصر خسرو و نظامی <input type="checkbox"/>
7- با خروج شعر از دربارها و ورود آن به خانقاه‌ها همه تحولات زیر به جز گزینه ... پدید آمد.	
1) دامنه موضوعات شعر گسترش یافت. <input type="checkbox"/>	2) از سادگی بیان شعر کاسته شد. <input type="checkbox"/>
3) بر قدرت عواطف و عمق اندیشه‌ها افزوده شد. <input type="checkbox"/>	4) خانقاه‌ها در شمار پشتیبانان و پناهگاه‌های شعر درآمدند. <input type="checkbox"/>
8- چه کسی شیوه نثر موزون را در سده پنجم به کمال رساند؟	
1) محمد بن منور <input type="checkbox"/>	2) ابوالفضل بیهقی <input type="checkbox"/>
3) خواجه عبدالله انصاری <input type="checkbox"/>	4) ابوالفضل میبیدی <input type="checkbox"/>
9- نخستین نمونه نثر مصنوع در کدام گزینه آمده است.	
1) کلیله و دمنه <input type="checkbox"/>	2) کشف المحجوب <input type="checkbox"/>
3) کشف الاسرار و عده‌الابرار <input type="checkbox"/>	4) تاریخ بیهقی <input type="checkbox"/>
10- کدام عبارت نثر موزون نیست.	
1) گفت الهی مرا فقر و فاقه به تو رسانید و لطف تو آن را زایل نگردانید. <input type="checkbox"/>	
2) این فاخته بر این درخت می‌گوید که کوکو من نیز موافقت او می‌گویم هوهو. <input type="checkbox"/>	
3) گفت زمین درخشان است از مرقعیان چنان که آسمان درخشان است از ستارگان. <input type="checkbox"/>	
4) اندر خواستی کتابی، سبک و آسان، تا تو را یادگار بود و دیگر مردمان را فایده بود. <input type="checkbox"/>	
پاسخ‌نامه	
1- گزینه یک، تلاش شاعران ایران از قرن سوم تا میانه قرن پنجم موجب شد زبان و ادب فارسی در شرق و شمال شرق یعنی ماوراءالنهر خراسان و سیستان گسترش یابد. عوامل مهم این پیشرفت و گسترش در گزینه‌های 2-3-4 آمده است، اما گزینه یک جزو این عوامل نمی‌باشد.	
2- گزینه سه، در آمیختن عرفان و اصطلاحات عرفانی با زبان و ادب فارسی از پدیده‌های عمده‌ای نیست که در این دوره بر زبان فارسی رخ نموده است.	
3- گزینه 2، هرچه زمان می‌گذشت، آمیختگی زبان فارسی با واژگان عربی بیشتر می‌شد؛ زیرا در مدارس آن عهد عمدتاً تحصیل علوم دینی و ادبی میسر بود. به همین سبب شاعران و ادیبان بیش از هر چیز با زبان و ادبیات عربی آشنا می‌شدند.	
4- گزینه 4، تا حدود نیمه دوم قرن پنجم و آغاز قرن ششم شعر فارسی همچنان تحت‌تأثیر سبک دوره سامانی و غزنوی است؛ یعنی شاعرانی چون ناصر خسرو قبادیانی یادآور سروده‌های سخنوران قرن چهارم هستند.	
5- گزینه 4، در شمال غرب ایران دسته‌ای از شاعران ظهور کردند که کار آنها در ادب فارسی تازگی داشت. این دسته که شاعران معروف آذربایجان بودند. (خاقانی، نظامی و...) سبک شعر فارسی را از آنچه در دیگر نواحی ایران یا پیش از آن رایج بود متمایز ساختند.	
6- گزینه 3، تحول روحی و معنوی سنایی آغازی برای دگرگونی عمیق در شعر فارسی گردید، آن چنان که به پیروی از وی بسیاری از شاعران به تصوف و عرفان روی آوردند و از جمله شاعران بزرگی چون عطار و مولوی ظهور کردند.	
7- گزینه 2، با خروج شعر از دربارها و ورود به خانقاه‌ها با دامنه موضوعات آن گسترش یافت و بر سادگی بیان افزوده شد.	
8- گزینه 3، خواجه عبدالله انصاری نثر موزون را به کمال رساند؛ آن چنان که می‌توان آثار وی را سرآمد همه نثرهای موزون فارسی شمرد.	
9- گزینه 1، دوره رواج نثر مصنوع قرن ششم هجری و نخستین نمونه آن کتاب کلیله و دمنه است.	
10- گزینه 4، ویژگی اصلی نثر موزون به کار رفتن سجع در آن است. در گزینه 4 سجع یافت نمی‌شود. گزینه‌های دیگر 1-2-3 به ترتیب رسانید و گردانید - کوکو و هوهو - مرقعیان و ستارگان و واژگان سازنده سجع هستند.	

گروه زبان و ادبیات فارسی استان آذربایجان شرقی

درس یازدهم

قافیه

گویدم مندیش جز دیدار من

قافیه اندیشم و دلدار من

چو آشفته بازار بازارگانی

جهانا چه بدمهر و بدخو جهانی

شما با شنیدن هر یک از مصرع‌ها آهنگ خاصی احساس کردید که در جملات معمولی نمی‌توان این احساس و آهنگ دلنشین را احساس کرد. عوامل زیادی مانند: وزن، قافیه، ردیف و غیره باعث آهنگین شدن شعر شده است. در این درس به بحث ردیف و قافیه می‌پردازیم:

هر شعر از چندین بیت موزون تشکیل می‌شود و هر بیت از دو مصرع تشکیل می‌شود.

ز دنیا وفاداری امید نیست

جهان ای پسر ملک جاوید نیست

ردیف: به پایان مصرع‌ها بنگرید، واژه «نیست» به صورت یک کلمه مستقل و در یک معنی در پایان هر دو مصرع تکرار شده است. این واژه‌ها را که در پایان مصرع‌ها عیناً تکرار شده و معنی یکسان دارند، «ردیف» می‌گویند.

خویش را در خویش پیدا کن کمال این است و بس

گوهر خود را هویدا کن کمال این است و بس

ردیف

قافیه

ردیف

قافیه

نکته: اگر واژه‌های پایان مصرع‌ها عیناً تکرار شده باشند؛ اما در معنا متفاوت باشند، در آن صورت کلمات تکراری ردیف نیست؛ بلکه قافیه است و جناس تام.

چنان چون شده باز جوید روان

خرامان بشد سوی آب روان

قافیه و جناس تام (جاری) و قافیه و جناس تام (روح)

قافیه: به کلمات قبل از ردیف دقت کنید، در واژه‌ی «جاوید و امید» حرف «ید» در پایان واژه‌ها تکرار شده است که حروف مشترک قافیه هستند. واژه‌های «جاوید و امید» کلمات قافیه نامیده می‌شوند.

نکته: ۱- اگر در پایان مصرع‌ها ردیف نباشد، آخرین واژه هر مصرع قافیه است. ۲- اگر واژه‌های پایان مصرع‌ها عیناً تکرار شده باشند؛ اما در معنا متفاوت باشند، در آن صورت کلمات تکراری ردیف نیست، بلکه قافیه است و جناس تام.

مثال

1- در کدام بیت کلمه «من» قافیه است؟

- 1) ای دریغا مرغ خوش آواز من / ای دریغا همدم و همراز من □ (2) خود بدیدید ای خسیسان ز من / که شما بودید افسانه نه من □
- 3) ای دریغا مرغ خوش الحان من / راح روح و روضه و ریحان من □ (4) طوطی من مرغ زیرکسار من / ترجمان فکرت و اسرار من □
- جواب: گزینه «2» «من» در مصرع اول: زَمَن، یعنی زمانه. در مصرع دوم در معنی ضمیر «من» است و قافیه می‌شود. در بقیه ابیات «ردیف» چون عیناً تکرار شده و در یک معنی هستند.
- قبل از پی بردن به قواعد قافیه باید مطالب مهم زیر را یاد گرفت:

قواعد قافیه

- **حروف الحاقی:** حروفی که به آخر واژه‌های قافیه می‌چسبند و از حروف اصلی جدا هستند و هنگام پیدا کردن قواعد قافیه آنها را در نظر نمی‌گیریم. مانند: «ی» در پیامی.
- انواع حروف الحاقی:** شناسه‌ها، ضمائر متصل، پسوندها، مخفف صیغه‌های زمان حال بودن (م، ی، یم، ید و ند) و «ی» در آخر واژه‌های مختوم به «ا» و «و» مانند: خدای - جای - موی و بوی.

- **حروف اصلی:** برای پی بردن به حروف اصلی قافیه ابتدا حروف الحاقی را جدا می‌کنیم، (اگر باشد). مانند: «یی» در «آشنایی»، «ند» در رفتند و ... و سپس از آخر واژه‌های قافیه حروف مشترک را می‌نویسیم تا به اولین مصوت (آ او ای اَ اِ اُ) برسیم بعد از رسیدن به اولین مصوت از نوشتن می‌ایستیم؛ هر چند بعد از آن مصوت «یا» حروف مشترک دیگری باشد؛ اما آنها را جزء حروف اصلی به حساب نمی‌آوریم.

بشنو از نی چون حکایت می‌کند از جدایی‌ها شکایت می‌کند

در واژه‌های قافیه «حکایت - شکایت» حروف اصلی «ت - ت» است.

حرف روی: به آخرین حرف اصلی کلمه قافیه، حرف «روی» می‌گویند. مانند: «د» در می‌خواندم - «ب» در کتاب‌ها.

عیوب قافیه (نادرست بودن قافیه)

- (اگر مصوت‌های پیش از حرف روی) آخرین حرف اصلی (یکی نباشند، قافیه درست نیست). سر با پر هم قافیه نمی‌شود؛ چون مصوت کوتاه آنها متفاوت است.
- نکته:** الف) اگر به آخر این واژه‌ها حروفی الحاق شود؛ قافیه درست است. مانند: سری - پری.
- ب) اگر آخرین حرف اصلی (روی) یکسان نباشند، قافیه درست نیست. «اعتماد با احتیاط» هم قافیه نمی‌شود؛ چون حرف روی (د - ط) آنها متفاوت است.
- ج) هم قافیه ساختن پیشوندها و پسوندها؛ در صورتی که تکرار شده باشند، عیب قافیه شمرد می‌شود.
- شب سیاه بدان زلفکان تو ماند سپید روز به پاکی رخان تو ماند
- مانند: «زلفکان با رخان» هم قافیه نمی‌شوند؛ (چون در هر دو «ان» نشانه جمع است). اما در بیت:

بانگ نای و سبزه و آب روان

نک بهاران شد، صلاى لولیان

قافیه درست است، گرچه حروف مشترک تنها حروف الحاقی «ان» است؛ اما پسوند «ان» در واژه «لولیان» نشانه جمع است و در واژه «روان» نشانه صفت حالیه و قافیه درست است.

قواعد قافیه: حداقل حروف مشترک لازم برای قافیه تابع دو قاعد است:

یادآوری: برای پیدا کردن قواعد قافیه، ابتدا اگر ردیف باشد، ردیف را مشخص کرده و بعد حروف الحاقی را جدا می‌کنیم و بعد حروف اصلی را پیدا می‌کنیم.

قاعده 1: هر یک از مصوت‌های «آ»، «و» به تنهایی اساس قافیه قرار گیرند. (آخرین حرف اصلی فقط مصوت «آ»، «و» باشند. مانند: «و» در جادو و آهو.

آن چه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد

سالها دل طلب جام جم از ما می‌کرد

حرف اصلی قافیه «آ»، طبق قاعده «1» است.

چو درمانم نبخشیدی به درد خویش خو کردم

چو بستی در به روی من به کوی صبر رو کردم

نکته: هر قافیه‌ای که حرف پایانش «و» باشد، طبق قاعده «1» نیست، مثل «درو» و «تو». بلکه در صورتی طبق قاعده «1» است که صدای مصوت بلند «او» بدهد. مثل: سبو، دلجو و مو... .

قاعده 2: گاهی یک مصوت با یک یا دو صامت پس از خود قافیه می‌سازد. (به عبارت ساده؛ اگر مصوت‌های «آ»، «و» به تنهایی اساس قافیه قرار نگیرند، قافیه طبق قاعده «2» است.)

کو هم نفسی تا نفسی رانم از این باب

راه نفسم بسته شد از آه جگر تاب

ذوقافیتین: چنانچه دو کلمه از مصراع اول با دو کلمه از مصراع دوم باهم قافیه شوند، به آن «ذوقافیتین» گفته می‌شود که قافیه اصلی در واژه‌های آخر مصرع‌هاست. مثال:

داغ و دردی کز تو باشد خوشتر است از باغ ورد

طرفه می‌دارند یاران صبر من بر داغ و درد

تذکر: شکل نوشتاری حروف قافیه نیز باید مشابه و همسان باشد، مثلاً در این شعر سعدی:

هنگام نوبت سحر است ای ندیم، خیز

پیوند روح می‌کند این باد مشک بیز

از نظر آوایی واژه‌های «حیض، لذیذ، غلیظ» می‌توانند با مشک‌بیز و خیز هم قافیه شوند، اما به دلیل اینکه شکل نوشتاری آنها متفاوت است، قافیه کردن آنها درست نیست.

قافیه در شعر نو: قافیه در شعر نو، محدودیت‌های شعر کهن را ندارد و در اینجا شاعر خود را اسیر قافیه نمی‌سازد، بلکه معمولاً در هر بخش سروده، دو یا چند مصرع قافیه‌دار به کار گرفته می‌شود.

خودارزبایی

- 1- در بیت زیر حروف قافیه را مشخص کنید.
 در پیش بی دردان چرا فریاد بی حاصل کنم
 گر شکوه‌ای دارم زدل، با یار صاحب دل کنم
 (واژه‌های قافیه: بی حاصل - صاحب دل / حروف مشترک قافیه: - ل / قاعده: 2)
- 2- واژه‌های قافیه و حروف مشترک آن را در هر بیت، مشخص کنید.
 بر سر آنم که گر ز دست بر آید
 دست به کاری زخم که غصه سر آید
 (واژه‌های قافیه: بر - سر / حروف مشترک قافیه: - ر / قاعده: 2)
- نفس باد صبا مشک‌فشان خواهد شد
 عالم پیر، دگر باره جوان خواهد شد
 (واژه‌های قافیه: مشک فشان - جوان / حروف مشترک قافیه: ان / قاعده: 2)
- گوهر خود را هویدا کن، کمال این است و بس
 خویش را در خویش پیدا کن، کمال این است و بس
 (واژه‌های قافیه: هویدا - پیدا / حروف مشترک قافیه: ا / قاعده: 1/ یعنی «آ» آخرین حرف اصلی قافیه است.)
- 3- نوع قاعده قافیه را در هر بیت، مشخص کنید.
 من از دست کمانداران ابرو
 نمی یارم گذر کردن به هر سو
 (واژه‌های قافیه: ابرو- سو / حروف مشترک قافیه: و / قاعده: 1)
- آب آتش فروز، عشق آمد
 آتش آب سوز، عشق آمد
 (واژه‌های قافیه: آتش فروز - آب سوز / حروف مشترک قافیه: وز / قاعده 2)
- کی رفته‌ای ز دل که تمناً کنم تو را؟
 کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را؟
 (واژه‌های قافیه: تمناً - پیدا / حروف مشترک قافیه: ا / قاعده: 1)
- 4- در کدام بیت «ردیف» وجود ندارد؟ دلیل خود را بنویسید؟
 روز وصل دوستداران، یاد باد
 گلاب است گویی به جویش روان
 (در بیت دو چون «روان» در مصراع اول (جاری) با «روان» در مصراع دوم (روح) از نظر معنی متفاوت است.)
- 5- هر یک از اصطلاحات زیر را مقابل بیت مربوط به آن بنویسید.
 «قافیه درونی، ذوقافیتین»
 ای از مکارم تو شده در جهان خبر
 افکنده از سیاست تو، آسمان سپر
 (ذوقافیتین؛ زیرا دو قافیه پایانی دارد. جهان، سان / خبر، سپر)
- گلزار و باغ عالمی، چشم و چراغ عالمی
 هم درد و داغ عالمی، چون پا نهی اندر جفا
 (قافیه درونی: چون در درون مصراع کلمات، باغ، چراغ و داغ هم قافیه‌اند.)
- یار مرا، غار مرا، عشق جگر خوار مرا
 یار تویی، غار تویی، خواجه نگهدار مرا
 (قافیه درونی: چون در درون مصراع کلمات، یار، غار، جگر خوار و نگهدار هم قافیه‌اند.)
- 6- با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.
 نشود فاشی کسی آنچه میان من و توست
 الف) ردیف کدام است؟ (من و توست)
 ب) واژه‌های قافیه را مشخص کنید؟ (میان، نامه‌رسان.)
 پ) حروف و قاعده قافیه را بنویسید. (ان قاعده 2)
- 7- شعر زیر را از نظر کاربرد قافیه و کوتاهی و بلندی مصراع‌ها با شعر «مهر و وفا» در کتاب فارسی سروده حافظ مقایسه کنید.

«عاشقم بهار را / رویش ستاره در کویر را/.....»

(چون شعر سید حسن حسینی، شعر نو است، بنابراین تمام مصراعها قافیه ندارد. فقط شش مصرع قافیه دارد و طول مصراعها برابر نیست. «جام»، «کلام» و «نام» هم قافیه اند. / «نهفتن»، «گفتن» و «شکفتن» نیز هم قافیه اند. ولی در غزل مهر و وفا تا آخر تمام مصراعهای زوج قافیه دارد. در بیت اول هر دو مصرع قافیه دارد و طول مصراعها برابر است.)

8- در هر یک از ابیات زیر:

الف) ردیف را مشخص کنید. (اگر دارد) (ب) واژه و حرف یا حروف قافیه را تعیین کنید.

پ) حرف یا حروف الحاقی را مشخص کنید. (اگر دارد) (ت) حرف یا حروف اصلی قافیه را مشخص کنید.

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟ منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست؟

(ردیف کجاست / واژه قافیه یار - عیار / حروف قافیه ار / حروف الحاقی - / حروف اصلی قافیه ار / قاعده 2)

کاشکی جز تو کسی داشتمی یا به تو دست رسی داشتمی

(ردیف داشتمی / واژه قافیه کسی - دست رسی / حروف قافیه س+ی / حروف الحاقی ی / حروف اصلی / -س / قاعده 2)

چندان که گفتم غم با طبیبان درمان نکردند مسکین غریبان

(ردیف - / واژه قافیه طبیبان - غریبان / حروف قافیه ی+ب+ان / حروف الحاقی ان / حروف اصلی قافیه یب / قاعده 2)

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

(ردیف آرزوست / واژه قافیه گلستانم - فراوانم / حروف قافیه ان+م / حروف الحاقی -م / حروف اصلی قافیه ان / قاعده 2)

سوالات تشریحی

1- در کدام یک از ابیات زیر قافیه طبق قاعده «2» است؟ الف) گر مستمند و با دل غمگینم/ خیره مکن ملامت چندینم ب) برآمد پیلگون ابری ز روی نیلگون دریا/ چو رای عاشقان گردان، چو طبع بی دلان، شیدا
2- در کدام یک از ابیات زیر، قافیه طبق قاعده «1» است؟ الف) نشاط جوانی ز پیران مجوی/ که آب روان بازناید به جوی ب) بهار تازه دمید، ای به روی، رشک بهار/ بیا و روز ما خوش کن و نبید بیار
3- در بیت «در دام فتاده آهویی چند/ محکم شده دست و پای در بند» الف) حروف اصلی قافیه را بنویسید. (ب) قافیه تابع کدام قاعده است؟
4- قافیه در بیت زیر طبق قاعده یک است یا دو؟ «امسال، تازه روی تر آمد همی بهار/ هنگام آمدن نه بدین گونه بود، پار»
5- حروف اصلی قافیه را در بیت زیر مشخص کنید. «تا خزان تاختن آورد سوی باد شمال/ همچو سرما زده، با زلزله گشت آب زلال»
6- با توجه به بیت، به پرسشهای زیر پاسخ دهید. «ز آتش اندیشه جانم سوخته است/ وز تف یا رب دهانم سوخته است» الف) واژه‌های قافیه کدامند؟ (ب) ردیف را مشخص کنید. پ) حروف اصلی قافیه کدام است؟ (ت) حروف الحاقی را مشخص کنید.

گروه زبان و ادبیات فارسی استان آذربایجان شرقی

7- در هر یک از ابیات زیر، کدام نوع قافیه (درونی - ذو قافیتین) به کار رفته است؟ الف) یار مرا، غار مرا، عشق جگرخوار مرا / یار تویی، غار تویی، خواجه نگهدار مرا ب) گزید از غنیمت ظرایف بسی / کز آن سان نبیند طرایف کسی
8- با توجه به بیت زیر پاسخ دهید. به حق آن که مرا هیچ کس به جای تو نیست / جفا مکن! که مرا طاعت جفای تو نیست» سخن کز سوز دل تابي ندارد / چکد گر آب از او آبی ندارد الف) واژه‌های قافیه کدامند؟ ب) ردیف را مشخص کنید. پ) حروف اصلی قافیه کدام است؟ ت) حروف الحاقی را مشخص کنید.
9- در بیت «معشوقه بسامان شد تا باد چنین بادا / کفرش همه ایمان شد تا باد چنین بادا» ردیف و قافیه را مشخص کنید؟ ردیف: قافیه:
پاسخ‌نامه سوالات تشریحی 1- الف / 2- الف / 3- الف) ند (ب) قاعده 2. 4- قاعده 2 5- ال 6- الف) جانم - دهانم (ب) سوخته است (پ) ان (ت) م 7- الف) قافیه درونی (ب) ذو قافیتین 8- ردیف (تو نیست) / واژه قافیه (جای - جفای / حروف الحاقی: ی / حروف اصلی قافیه: / قاعده 1. 9- الف) تابي - آبی (ب) ندارد (پ) اب (ت) ی ردیف: شد تا باد چنین بادا قافیه: بسامان - ایمان

درس دوازدهم

جناس و انواع آن

تعریف جناس: به دو کلمه هم جنس و همسان «جناس» می‌گویند. این دو، گاه جز معنا هیچ‌گونه تفاوتی با هم ندارند و علاوه بر معنا، در یک واج (صامت یا مصوت) ناهمسان هستند، اختلاف دارند. نکته توجه: ارزش جناس به موسیقی و آهنگ است که در کلام خلق میکند.

ناهمسان

همسان

انواع
جناس

- تعریف همسان: همسانی و یکسانی دو یا چند واژه در واج‌های سازنده آن است با اختلاف در معنی.
- انواع ناهمسان: ۱- ناقص اختلافی: الف) اختلاف واژه‌ها در واج اول؛ ب) اختلاف واژه‌ها در واج وسط؛ ج) اختلاف واژه‌ها در واج آخر (به جز مصوت کوتاه)
- ۲- جناس ناقص افزایشی: الف) افزایش یک صامت به اول واژه جناس: (قدم و مقدم) ب) افزایش یک صامت در وسط واژه: (دوست و دست) ج) افزایش یک صامت در پایان واژه (شفق و شفقت).
- ۳- جناس ناقص حرکتی: ناهمسانی واژه‌ها در مصوت‌های کوتاه.
- ۴- جناس خطی: در نوشتن یکی ولی در تلفظ و نقطه‌گذاری مختلف هستند. (بیمار و تیمار).
- ۵- جناس لفظی: در تلفظ یکسان و در کتابت مختلف هستند. (خوار و خار)

جناس تام: یکسانی و همسانی دو یا چند واژه در واج‌های سازنده آن است، با اختلاف در معنی.

همی شاد گردد ز بویش روان

گلاب است گویی به جویش روان

«روان» دارای دو معنی است: 1- جاری 2- روح و جان.
«برادر که در بند خویش است نه برادر و نه خویش است» 1- خویش اول به معنی خود و 2- خویش دوم به معنی: خویشاوند است.

عندلیبان را چه پیش آمد؟ هزاران را چه شد؟

صد هزاران گل شکفت و بانگ مرغی برنخاست

«هزاران» 1- مربوط به عدد هزار و 2- هزاران دوم به معنی بلبان است.

گرفتند و کرده غم از دل کنار

پدر با پسر یکدیگر را کنار

«کنار» 1- بغل 2- دور کردن.

تا دیده من بر رخ زیبای تو باز است

بر دوخته‌ام دیده چو باز از همه عالم

«باز» 1- باز: پرنده شکاری 2- باز: به معنی گشاده.

در دور خویش، شکل مدور گرفته‌ای

ای آسمان چو دور ندیمانش دیده‌ای

«دور» 1- در مصرع اول: حلقه 2- گردش در مصرع دوم.

جناس ناقص اختلافی: اختلاف واژه‌ها در یکی از واج‌های اول؛ وسط و یا آخر (به جز مصوت کوتاه باشد)

برای اختلاف در حرف اول

ما نیز یکی باشیم از جمله قربان‌ها

هر تیر که در کیش است، گر بر دل ریش آید

(کیش و ریش: تنها در صامت آغازین واژه با هم اختلاف دارند.)

خانه بر نقطه زحمت تویی

نقطه گه خانه رحمت تویی

(آغازین با هم اختلاف دارند)

چه توقع ز جهانگردان می‌داری

مگذران روز سلامت به ملامت

(سلامت و ملامت فقط در صامت آغازین با هم اختلاف دارند.)

بختم ار یار شود رختم از اینجا ببرد

نیست در شهر نگاری که دل ما ببرد

(بختم و رختم: فقط در صامت آغازین اختلاف دارند.)

مثال برای اختلاف در حرف وسط

گلزار تو از اشک چو گل نار من است

باغبان همچو نسیم ز در خویش مران

(دو واژه گلزار و گل نار در حرف وسط با هم اختلاف دارند.)

زبان در دهان است عذری بیار

کنونت که چشم است اشکی بیار

(دو واژه بیار و بیار فعلاً فقط در صامت وسط با هم اختلاف دارند.)

قسم خواهی به دادار و به دیدار

دل من هست از این بازار، بیزار

(دو واژه بازار و بیزار و دیدار در حرف «ا، ی» مصوت بلند با هم اختلاف دارند.)

درستی درشتی نماید نخست

درشت است پاسخ ولیکن درست

(درشت و درست و درشتی و درستی در صامت وسط با هم اختلاف دارند.)

اختلاف در حرف صامت آخر

یاد یار مهربان آید همی

بوی جوی مولیان آید همی

(یاد یار، در حرف آخر صامت آخر با هم اختلاف دارند.)

خاصه کان لیلی و این مجنون بود

یاد یاران یار را میمون بود

(دو واژه «یاد» و «یار» فقط در صامت پایانی با هم اختلاف دارند.)

ز درگاه برخاست آوای کوس

بدان گه که خیزد خروش خروس

(و واژه خروش و خروس در آخرین صامت «ش،س» با هم اختلاف دارند.)

جناس ناقص افزایشی:

الف) افزایش در صامت آغازین واژه:

چون ندیدی زیر مُشتی خاک، دام	گر مر او را این نظر بودی مُدام
	(مُدام نسبت به دام یک صامت «م» در اول اضافه دارد.)
که بد خاطر امیدوار ما نرسد رنج و مرنج	دلا ز رنج حسودان مرنج و واثق باش
	(مرنج نسبت رنج 3 یک صامت «م» اضافی دارد.)
جای غم باد مر آن دل که نخواهد شادت	شادی مجلسی آن در قدم و مقدم توست
	(قدم و مقدم: مقدم نسبت به قدم یک صامت افزایش دارد.)
	(ب) افزایش در حرف (صامت) وسط:
چندی به پای رفتم و چندی به سر شدم	دستم نداد قوت رفتن به پیش دوست
	(دست و دوست: دوست نسبت به واژه دست یک مصوت بلند «و» اضافی دارد.)
همدم گل نمی شود یاد سمن نمی کنند	سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند
	(چمان و چمن: چمان نسبت به چمن یک حرف، بیش از چمن دارد و این حرف به وسط آن اضافه شده است.)
که با این درد اگر در بند درمان اند	در این حضرت چو مشتاقان نیاز آرند، ناز آرند
	(در مانند ناز و نیاز: نیاز در وسط یک حرف افزایشی دارد.)
	(ج) افزایش واج (صامت یا مصوت) در آخر واژه:
آیین ماست سینه چو آیینه داشتن	کفر است در طریقت ما کینه داشتن
	(واژه آیینه یک مصوت (ه) نسبت به واژه آیین بیشتر دارد که به آخر آن اضافه شده است.)

جناس ناقص حرکتی: یکسانی دو یا چند واژه در صامت‌ها و اختلاف آنها در مصوت‌های کوتاه است. تکرار صامت‌ها موسیقی درونی مصراع را پدید می‌آورد.

کز کرم و بخشش او، روشن و بخشنده شدم	شکر کند چرخ فلک، از مَلِک و مُلک و مَلِک
	(«مَلِک و مُلک و مَلِک» صامت‌های یکسانی دارند اما مصوت‌های کوتاه آنها با هم متفاوت هستند.)
گُل از خارم بر آوردی و خار از پای و پای از گِل	گرم باز آمدی محبوب سیم‌اندام سنگین دل
	(دو واژه گُل و گِل هر کدام یک مصوت کوتاه دارند که با هم تفاوت دارند و صامت‌های «گ و ل» هر دو واژه یکی است.)
چشم انعام مدارید ز انعامی چند	ای گدایان خرابات، خدا یار شماست
	(انعام به معنی نعمت بخشیدن و انعام به معنی چهارپایان است. دو واژه در معنی و مصوت کوتاه اختلاف دارند.)
اگر می‌گنی، می‌گنی بیخ خویش	مکن تا توانی دل خَلق ریش
	(می‌گنی و می‌گنی: فقط در مصوت‌های کوتاه اختلاف دارند.)

اشتقاق: از فروع جناس است و بعضی آن را به نام جناس اشتقاق داخل انواع تجنیس شمرده‌اند.

صنعت اشتقاق آن است که در نظم یا نثر الفاظی بیاورند که حروف آنها متجانس و به یکدیگر شبیه باشد، خواه از یک ریشه مشتق شده باشند، مانند کلمات «رسول، رسیل، رسایل» و «خواهان، خواهش، خواهند» یا از یک ماده مشتق نباشد؛ اما حروف آنها چندان شبیه و نزدیک به یکدیگر باشد که در ظاهر توهم اشتقاق شود. از قبیل الفاظ: «آستان، آستین» و «زمان و زمین». «کمان و کمین». قسم دوم را «شبه اشتقاق» می‌گویند.

گل نعمتی است هدیه فرستاده از بهشت
مردم کریم تر شوند اندر نعیم گل
(واژه‌های نعمت و نعیم از یک ریشه (نعم) ساخته شده‌اند و چند واج یکسان دارند.)
وجه خدا اگر شودت منظر نظر
زین پس شکی نماند که صاحب نظر شوی
(در این دو بیت واژگان «منظر و نظر» در صامت‌های (ن، ظ، ر) مشترکند و از یک ریشه مشتق شده‌اند.)

ز مشرق سر گوی، آفتاب طلعت تو	اگر طلوع کند طالعم همایون است
(واژگان «طلعت، طلوع، طالع» در سه صامت (ط، ل، ع) مشترکند و از یک ریشه عربی مشتق شده‌اند.)	
نوح تویی، روح تویی، فاتح و مفتوح تویی	سینه مشروح تویی، بر در اسرار مرا
(فاتح و مفتوح در صامت‌های (ف، ت، ح) مشترکند و از یک ریشه عربی (فتح) مشتق شده‌اند.)	
زهره در تن زهر گردد بی‌گره گردد زره	زهره گوید «زه امیرا» چون بزه کردی کمان
(واژگان: زهره و زهر و زهره: شبه اشتقاق‌اند.)	
همی توختند و همی تاختند	همی سوختند و همی ساختند
(واژگان: توختند و تاختند و سوختند و ساختند شبه اشتقاق هستند.)	
اگر تو فارغی از حال دوستان، یارا	فراغت از تو میسر نمی‌شود ما را
(فراغت و فارغی از یک ریشه (فرغ)، ساخته شده‌اند و چند واج یکسان دارند و اسباب غنای موسیقی شعر محسوب می‌شود.)	
چشم آسایش که دارد از سپهر تیزرو	ساقیا، جامی به من ده تا بیاسایم دمی
(آسایش و بیاسایم هر دو از مصدر «آسودن» ساخته شده‌اند و سه واج آنها (آ، س، ا) یکسان است و بر موسیقی درونی بیت افزوده است.)	

نمونه سوال

1- درستی یا نادرستی عبارتهای زیر را بنویسید. الف) ارزش جناس به موسیقی و آهنگی است که در کلام خلق می‌کند. درست نادرست ب) اشتقاق، جناس است؛ اما هر جناس، اشتقاق نیست. درست نادرست پ) ارزش موسیقایی جناس تام در سخن، بیشتر از انواع دیگر است. درست نادرست ت) ناهمسانی دو واژه در تعداد حروف در جناس ناقص افزایشی است. درست نادرست
2- در همه گزینه‌ها، به جز گزینه جناس دیده می‌شود. الف) هر آن موری که زیر پای زوری است / سلیمانی است کاندلر شکل موری است ب) من اگر تا سر زلف تو گیرم در چنگ / تار در ناله رود چنگ در آید به فروش پ) مکش بیهوده این بار گران را / میازار از برای جسم جان را ت) من امروز نه از بر جنگ آمدم / پی پوزش و نام و ننگ آمدم جواب (ت)
3- آرایه جناس و اشتقاق را در ادبیات زیر مشخص کنید و نوع جناس و نیز صامت‌های مشترک اشتقاق را بنویسید. الف) اگر چه باد صبا روح پرور است به لطف / به گرد لطف تو کی می‌رسد، فدای تو باد ب) کار ما عشق است و مستی، نیستی در عین هستی / بگذرد از خودپرستی، هر که با ما کار دارد. پ) عشق تو گفته بوده‌ان، سعدی و آرزوی من / پس نکند ز عاشقی، تا ز جهان جهانش الف) با در مصرع اول به معنای: هوای در حال حرکت و باد در مصراع دوم: فعل دعایی جناس همسان (تام)

<p>(ب) مستی و هستی: جناس ناقص اختلافی (اختلاف در حرف اول) (پ) عشق و عاشقی: اشتقاق (سه حرف اصلی ع - ش - ق) جهان و جهان: جناس تام.</p>
<p>4- واژه‌های زیر را در انواع جناس قرار دهید. ملک - باد - جان - مهر (خورشید) - باده - مهر (محبت) - ملک - جام - زهره - زهره - سور - گور - مور - گور جناس تام جناس اختلافی جناس حرکتی جناس افزایشی گور - گور سور - مور زهره - زهره باد - باده مهر (خورشید) - مهر (محبت) جام - جان ملک - ملک</p>
<p>5- در بیت‌های زیر به نوع جناس اشاره کنید. نه عجب که قلب دشمن شکنی به روز هیجا/ تو که قلب دوستان را به مفارقت شکستی (قلب: مرکز سیاه/ قلب: دل) جناس همسان (تام). شرف مرد به وجود است و کرامت به سجود/ هر که این هر دو ندارد عدمش به ز وجود (دو کلمه سجود و وجود در صامت ابتدایی با هم اختلاف دارند). چو دید آن درخشان درخش مرا/ به گوش آمدش بانگ رخس مرا (دو کلمه رخس و درخش جناس ناقص افزایشی دارند). در دل مومن و جان مومنین / مهر و مهر این مهیا دیده‌ایم (دو واژه مهر و مهر در مصرع دوم در یک مصوت با هم اختلاف دارند). جناس ناقص حرکتی باید به مزگان رفت گرد از طور سنین/ باید به سینه رفت زین جا تا فلسطین (واژگان رفت و رفت: جناس ناقص حرکتی)</p>
<p>6- در همه ابیات به جز بیت گزینه جناس تام وجود دارد. پیش از کاین سقف سبز و طاق مینا برکشند/ منظر چشم مرا ابروی جانان طاق بود. ای مرغ اگر پری به سر کوی آن صنم/ پیغام دوست برسانی بدان پری گره به باد نزن گرم بر مراد رود/ که این سخن، مثل باد با سلیمان گفت قائمتم از خمیدگی صورت چنگ شد ولی/ چنگ نمی‌توان زدن زلف خمیده تو را جواب: گزینه 3 در بیت شماره سه باد و باد هر دو به معنی: هوا است و تکرار است و جناس ندارد. در گزینه یک طاق اول به معنی سقف آسمان و طاق دوم به معنی بی‌نظیر است (جناس تام/ همسان) در بیت شماره دوم پری به معنی فعل مضارع التزامی یعنی ببری و پری دوم به معنی فرشته بهشتی است (جناس تام) در بیت شماره چهار چنگ اول به معنی ساز چنگ است که سرش خمیده است و چنگ دوم به معنی پنجه دست است. (جناس تام/ همسان)</p>
<p>7- نمونه‌هایی از جناس ناقص را با هم می‌خوانیم: چو آب آشفته جان بر کف دوانم تا کجا سروی/ به قد و قامتت بینم روان در پای او ریزم چون تبر مدارید ز ما چشم را قامت/ کز قامت خم گشته در آغوش کمانیم باشکوه کوه فضل، ابر گریان بر جبال/ با وجود دستت، برق خندان بر سحاب ز کوی نسیم صبا بوی بود/ به بوی دلم پی بدان کوی برد آن سهی سرو روان از سرپا بنشیند/ تا من دل شده را بی‌سر و بی‌پا نکند شرح این آتش جان سوز نگفتن تا کی/ سوختم و سوختم این راز نهفتن تا کی.</p>

خودارزیابی

1- در بیت‌های زیر انواع جناس را مشخص کنید.

دیوانه وصلیم و جدایی ما راست	در دل، عطش عشق خدایی ما راست (خدایی - جدایی ← جناس ناهمسان ناقص اختلافی)
دیدی که چگونه گور بهرام گرفت	بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر (گور ← جناس همسان تام)
که موران را قناعت خوش‌تر از سور	بگفت از سور کمتر گوی با مور (سور - مور ← جناس ناهمسان ناقص اختلافی)
مهر لب او بر در این خانه نهادیم	در دل ندهم ره پس از این مهر بتان را (مهر - مهر ← جناس ناهمسان ناقص حرکتی)
زهره و آفتاب را زهره به آب می‌کند	زد به دلم در آتشی، عشق بتی که نام او (زهره - زهره ← جناس ناهمسان ناقص حرکتی)
نشوندش که دیده‌ها باز است	هر که گوید کلاغ چون باز است (باز - باز ← جناس همسان تام)
تا وجودم هست خواهد بود نقشت در ضمیر	تا روانم هست نامت بر زبان دارم روان (روان - روان ← جناس همسان تام)
به مرده نپردازد از حرص خویش	غم خویش در زندگی خور که خویش (خویش - خویش ← جناس همسان تام)
آسمان صاف و شب آرام / بخت خندان و زمان رام / خوشه ماه فروریخته در آب / شاخه‌ها دست برآورده به مهتاب	آرام - صاف و شب آرام / بخت خندان و زمان رام / خوشه ماه فروریخته در آب / شاخه‌ها دست برآورده به مهتاب (آرام - رام ← جناس ناهمسان ناقص افزایشی)
نه نگاهی به نویدی، نه امیدی به پیامی	و چه بیگانه گذشتی، نه کلامی نه سلامی (کلام - سلام ← جناس ناهمسان ناقص اختلافی)
به دستانت به دست آرد، اگر خود پور دستانی	به مُلک جَم، مشو غره که این پیران رویین تن (دستان - دستان ← جناس همسان تام)
مژه بر هم نزنند، گر بزنی تیر و سنانش	به جفایی و قفایی نرود عاشق صادق (جفا - قفا ← جناس ناهمسان ناقص اختلافی)
که راضی‌ام به نسیمی کز آن دیار آید	مرا زمانه ز یارم به منزلی انداخت (یار - دیار ← جناس ناهمسان ناقص افزایشی)
که غریب ار نبرد ره، به دلالت برود	ای دلیل دل گم گشته، خدا را مددی (دلیل - دلالت ← اشتقاق از ریشه د ل ل)
وی بسا ناظم، که او در عمر خود، شعری نگفت	ای بسا شاعر، که او در عمر خود، نظمی نساخت (نظم - ناظم ← جناس ناهمسان ناقص افزایشی)
اول کسی که لاف محبت زند، منم	گر تیغ برکشد که محبان همی‌زنم
(محبان - محب و محبت ← جناس اشتقاق از ریشه ح ب ب)	

2- برای هر یک از انواع جناس از کتاب فارسی خود نمونه‌ای بنویسید.
پاسخ پیشنهادی:

الهی، فضل خود را یار ما کن (جناس ناقص اختلافی: یار، کار)	ز رحمت، یک نظر در کار ما کن
به رستم بر آنگه ببارید تیر (جناس ناقص افزایشی: خیره، خیر)	تہمتن بدو گفت: بر خیره خیر
کار پاکان را قیاس از خود مگیر (جناس تام: شیر، شیر)	گر چه باشد در نبشتن شیر و شیر
ای مہر تو در دل‌ها، وی مہر تو بر لب‌ها (جناس ناقص حرکتی: مہر، مہر - سَر)	وی شور تو در سرها، وی سَر تو در جان‌ها

کارگاه تحلیل متن

۱- ابیات زیر را بخوانید و آنها را تقطیع کنید.

آنچه نادیدنی است آن بینی

چشم دل باز کن که جان بینی

چش	م	دل	با	ز	کن	ک	جان	بی	نی
آ	چ	نا	دی	د	نی	ست	آن	بی	نی
-	U	-	-	U	-	U	-	-	-

وی شور تو در سرها، وی سَر تو در جان‌ها	ای مہر تو در دل‌ها، وی مہر تو بر لب‌ها
--	--

ای	مه	ر	ت	در	دل	ها	وی	مہ	ر	ت	بر	لب	ها
وی	شو	ر	ت	در	سر	ها	وی	سر	ر	ت	در	جان	ها
-	-	U	U	-	-	-	-	-	U	U	-	-	-

بی وفا حالا که من افتاده‌ام از پا چرا؟

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا؟

آ	م	دی	جا	نم	ب	قر	با	نت	و	لی	حا	لا	چ	را
بی	و	فا	حا	لا	ک	من	اف	تا	د	ام	از	پا	چ	را
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-

که تا ناگه ز یکدیگر نمایم

بیا تا قدر یکدیگر بدانیم

ب U	یا	تا	قَد	ر	پک	دی	گر -	ب	دا -	نیم
-	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-
ک U	تا	نا	گه	ز	پک	دی	گر	ن	ما	نیم
-	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-

کی رفته‌ای ز دل که تمنّا کنم تو را؟ کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را؟

کی	رف	ت	ای	ز	دل	ک	ت	من	نا	ک	نم	ت	را
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-
کی	بو	د	ای	ن	هف	ت	ک	پی	دا	ک	نم	ت	را
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-

خودشکن، آینه شکستن خطاست

آینه ار نقش تو بنمود راست

آ	ی	ن	ار	نق	ش	ت	بن	مو	د	راست
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-
خد	ش	ک	نا	پی	ن	ش	کس	تن	خ	طاست
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-

سرت ز آسمان بگذرد در شکوه

اگر پای در دامن آری چو کوه

ا	گر	پا	ی	در	دا	م	نا	ری	چ	کوه
-	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
س	رت	زا	س	مان	بگ	ذ	رد	در	ش	کوه
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-

2- نمونه زیر را از نظر ویژگی‌های زبانی بررسی کنید.

چو آشفته بازار بازارگانی
به بدنامی خویش همداستانی
سراسر فریبی، سراسر زبانی
همانی همانی همانی همانی

جهانا چه بدمهر و بدخو جهانی
به درد کسان صابری اندر و تو
به هر کار کردم تو را آزمایش
و گر آزمایشت صد بار دیگر

(1- سادگی زبان شعر، 2- کم بودن لغات عربی و به کار بردن واژگان فارسی، 3- استفاده از دو نشانه برای یک متمم

(به درد کسان صابری اندر، 4- کاربرد «اندر» به جای «در»)

3- نمونه‌های زیر را از نظر ویژگی‌های قلمرو زبانی بررسی کنید.

الف) «شیخ ما را گفتند: «که فلان کس بر روی آب می‌رود.» گفت: «سهل است چغزی و صعوه‌ای نیز بر روی آب می‌رود.» گفتند: «فلان کس در هوا می‌پرد.» گفت: «زغن و مگس نیز در هوا می‌پرد.» گفتند: «فلان کس در یک لحظه از شهری به شهری می‌رود.» شیخ گفت: «شیطان نیز در یک نفس از مشرق به مغرب می‌رود. این چنین چیزها را چندان قیمتی نیست. مرد آن بود که در میان خلق بنشیند و برخیزد و بخسبد و بخرد و بفروشد و در بازار در میان خلق، ستد و داد کند و زن خواهد و با خلق درآمیزد و یک لحظه از خدای غافل نباشد.»

(زبانی: 1- نثر فنی است. 2- لغات مهجور فارسی در آن وجود ندارد. 3- توصیف‌های فراوان آورده شده است ... در میان خلق بنشیند و برخیزد و بخسبد و ... 4 - از تمثیل استفاده شده است. 5 - از کلمات کهن نظیر چغزی، صعوه و زغن استفاده شده است.

ادبی: 1- نثر داستانی است. 2- از آرایه سجع استفاده شده است) بنشیند و برخیزد - بخرد و بفروشد (و آرایه واج‌آرایی به کار رفته است.) واج‌آرایی: «چ» چنین چیزها را چندان قیمتی نیست - واج‌آرایی: «ب» بنشیند و برخیزد و بخسبد و ... فکری: 1- محتوای نثر عرفانی است. 2 - جنبه تعلیمی و اندرزی دارد. 3- به پرهیز از زهد ریایی و دوری کردن از خلق تأکید می‌کند.)

ب) «زیرک گفت: «آورده‌اند که زغنی بود، چند روز بگذشت تا از مور و ملخ و هوام و حشرات که طعمه او بود، هیچ نیافت که بدان سدّ جوعی کردی. یک روز به طلب روزی برخاست و به کنار جویباری چون متصدی مترصد بنشست تا از شبکه ارزاق شکاری درافکند.

ناگاه ماهی ای در پیش او بگذشت، زغن بجست و او را بگرفت. خواست که فرو برد؛ ماهی گفت: تو را از خوردن من چه سیری بود؟ لیکن اگر مرا به جان امان دهی هر روزه ده ماهی از برف دی مپی سپیدتر و پاکی زهتر بر همین جایگاه و همین ممر بگذرانم تا یکایک می‌گیری و به مراد دل به کار می‌بری و اگر واثق نمی‌شوی، مرا سوگندی مغلّظ ده که آنچه گفتم، در عمل آرم. زغن گفت: بگو به خدا، منقار از هم باز رفتن و ماهی چون لقمه تنگ روزیان در آب افتادن یکی بود.

چرخ از دهنم نواله در خاک افکند دولت قدحم پیش لب آورد و بریخت

و او خایب و نادم بماند».

(زبانی: 1- نثر فنی است. 2- از واژگان عربی فراوان استفاده شده است) جوع، متصدی، مترصد و ... 3- ترکیبات نو و دشوار نظیر شبکه ارزاق، سوگندی مغلّظ به کار رفته است. 4- متن دشوار است.

قلمرو ادبی: 1- متن داستانی است 2- از شعر در متن استفاده شده است 3- آرایه‌های تشبیه چون متصدی مترصد- چون لقمه تنگ روزیان (و کنایه) مصراع دوم بیت به کار رفته است.

فکری: 1- متن تعلیمی است. 2 - از نامرادی‌ها و بداقبالی شکوه می‌کند. 3 - حسرت و اندوه از کار بدون تأمل درون‌مایه متن است.)

4- انواع جناس را در ابیات زیر پیدا کنید.

وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم
دل بر عبور از سدّ خار و خاره بندیم
(باره - خاره ← جناس ناقص اختلالی، خار - خاره ← جناس ناقص افزایشی)

ای مرغ اگر پری به سر کوی آن صنم
پیغام دوستان برسانی بدان پری
(پری ← جناس تام پیری فعل معشوق اسم)

چو شد روز، رستم ببوشید گبر
نگهبان تن کرد بر گبر ببر
(گبر - ببر ← جناس ناقص اختلافی، بر - ببر ← جناس ناقص افزایشی، بر - گبر ← جناس ناقص افزایشی)

اگر تو فارغی از حال دوستان یارا
فراغت از تو میسر نمی‌شود ما را
(فارغ - فراغت ← جناس اشتقاق از ریشه ف ر غ)

من که باشم در آن حرم که صبا
پرده‌دار حریم حرمت اوست

(حرم - حریم جناس ناقص افزایشی، حرم - حرمت ← جناس ناقص افزایشی/حرم - حریم- حرمت ← جناس اشتقاق از ریشه ح ر م)

صبا خاک وجود ما، بدان عالی جناب انداز
 بود کان شاه خوبان را نظر بر منظر اندازیم
 (نظر - منظر ← جناس ناقص افزایشی، جناس اشتقاق از ریشه ن ظ ر)

من اول روز دانستم که با شیرین درافتادم
 که چون فرهاد باید شست، دست از جان
 (شیرین و شیرین جناس تام همسان. شیرین به معنای معشوق فرهاد و شیرین به معنی مزه شیرین.)
 5- الگوی حروف قافیه را در ابیات زیر بنویسید.

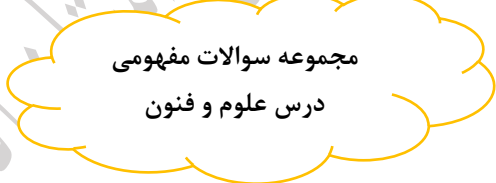
پرسیدم از هلال که قَدّت چرا خم است؟
 گفتا خمیدن قدم از بار ماتم است
 (واژه‌های قافیه: «خم- ماتم»- حروف قافیه: -م - الگوی هجایی: مصوّت / - / + صامت / م / ← قاعده 2)

بسی تیر و دی ماه و اردیبهشت
 بر آید که ما خاک باشیم و خشت
 (واژه‌های قافیه: «اردیبهشت - خشت» - حروف قافیه: -شت - الگوی هجایی: مصوت / - / + صامت / ش / + صامت / ت / ← قاعده 2)

بوی بهار آمد، بنال ای بلبل شیرین نفس
 و ر پای بندی هم چو من، فریاد می خوان از قفس
 (واژه‌های قافیه: «نفس - قفس» - حروف قافیه: -س - الگوی هجایی: مصوت / - / + صامت / س / ← قاعده 2)

صد شکر گویم هر زمان، هم چنگ را هم جام را
 کاین هر دو بردند از میان هم ننگ را هم نام را
 (واژه‌های قافیه: «جام - نام» - حروف قافیه: ام - الگوی هجایی: مصوت / / + صامت / م / ← قاعده 2)

چو شد روز رستم بپوشید گبر
 نگهبان تن کرد بر گبر ببر
 (واژه‌های قافیه: «گبر - ببر» - حروف قافیه: -بر - الگوی هجایی: مصوت / - / + صامت / ب / + صامت / ر / ← قاعده 2)



تهیه شده توسط دبیرخانه زبان و ادبیات فارسی مستقر در استان همدان
 همکاران این مجموعه:

خانم زهرا رضانلی - استان فارس - آقای مجتبی حسین پور - استان قزوین - آقای اکبر خرمیان - استان قم - آقای اقبال مرادی - استان کردستان - آقای عباس مهدی زاده - استان کرمان - آقای مسعود اسکندری - استان کرمانشاه - آقای حسن حسنعلی پور - خانم معصومه همتی - استان کهگیلویه و بویر احمد - خانم نیلوفر احمدی - استان گلستان - خانم زلیخا محمدی - استان گیلان - خانم لیلا زاهدی ناصر - استان لرستان - آقای حاتم غلامی - استان مازندران - خانم میترا کاظمی - استان مرکزی.

لازم به ذکر است، سوالات این مجموعه به گونه‌ای طراحی شده است که تمامی سطوح دانش آموزان (برخوردار، نیمه برخوردار و کم برخوردار) را شامل شود.

درس اول

<p>1) کدام بیت با ابیات دیگر قرابت معنایی ندارد؟ الف) هر وقت خوش که دست دهد مغنتم شمار / کس را وقوف نیست که انجام کار چیست ب) به موج آویز و از ساحل بپرهیز / همه دریاست ما را آشیانه ج) مهتری گر به کام شیر در است / شو خطر کن ز کام شیر بجوی د) مسلم است شجاعت بر آن کسی صائب / که پیش تیر حوادث سپر نخواسته است. (زهره رضائلی، استان فارس، شیراز)</p>											
<p>2) با توجه به موارد ذکر شده در قسمت «الف» گزینه صحیح را از قسمت «ب» انتخاب کنید. بارم (1 نمره)</p> <table border="1"> <thead> <tr> <th>«الف»</th> <th>«ب»</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>1) که گر صیاد بیند این چنینم / دهد حالی به گازر پوستینم</td> <td>متمم بین دو حرف اضافه</td> </tr> <tr> <td>2) به دام افتاد روباهی سحرگاه / به روبه بازی اندیشید</td> <td>شبکه معنایی واژگان در راه</td> </tr> <tr> <td>3) کمان به زه را به بازو فکند / به بند کمر بر، بزد تیر</td> <td>کهنه و مهجور بودن برخی واژگان چند</td> </tr> <tr> <td>4) همه تیغ و گرز و کمند اورید / به ایرانیان تنگ و بند آورید</td> <td>ترکیب سازی</td> </tr> </tbody> </table> <p>(زهره رضائلی، استان فارس، شیراز)</p>		«الف»	«ب»	1) که گر صیاد بیند این چنینم / دهد حالی به گازر پوستینم	متمم بین دو حرف اضافه	2) به دام افتاد روباهی سحرگاه / به روبه بازی اندیشید	شبکه معنایی واژگان در راه	3) کمان به زه را به بازو فکند / به بند کمر بر، بزد تیر	کهنه و مهجور بودن برخی واژگان چند	4) همه تیغ و گرز و کمند اورید / به ایرانیان تنگ و بند آورید	ترکیب سازی
«الف»	«ب»										
1) که گر صیاد بیند این چنینم / دهد حالی به گازر پوستینم	متمم بین دو حرف اضافه										
2) به دام افتاد روباهی سحرگاه / به روبه بازی اندیشید	شبکه معنایی واژگان در راه										
3) کمان به زه را به بازو فکند / به بند کمر بر، بزد تیر	کهنه و مهجور بودن برخی واژگان چند										
4) همه تیغ و گرز و کمند اورید / به ایرانیان تنگ و بند آورید	ترکیب سازی										
<p>3) در هر کدام از گزینه های زیر آرایه های صحیح را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) میندار این شعله افسرده گردد / که بعد از من افروزد از مدفن من (استعاره- مجاز) ب) در زیر آن آتش شدید، بلدوزرچی جهاد خاکریز می زند (تشبیه- مجاز) پ) لیک چنان خیره و خاموش ماند / کز همه شیرین سخنی گوش ماند (جناس- حس آمیزی) ت) معلم مشوش بود. صدا برداشت چرا اسب؟ پی بردیم راه دست خودش هم نیست (کنایه- حسن تعلیل) (زهره رضائلی، استان فارس، شیراز)</p>											
<p>4) حکایت زیر را بخوانید و به پرسش ها پاسخ دهید. «موری را دیدند به زورمندی کمر بسته و ملخی را ده برابر خود برداشته. به تعجب گفتند «این مور را ببینید که [بار] به این گرانی چون می کشد؟ مور چون این بشنید، بخندید و گفت: «مردان، بار را به نیروی همّت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.» الف) پیام حکایت بالا را بنویسید. ب) دو ویژگی زبانی و دو ویژگی ادبی در متن بیابید. (زهره رضائلی، استان فارس، شیراز)</p>											
<p>5) با توجه به ابیات زیر به پرسش های مربوط به آن پاسخ دهید. آب زنید راه را هین که نگار می رسد راه دهید یار را آن مه ده چهار را رونق باغ می رسد، چشم و چراغ می رسد الف) نوع ادبی متن و نحوه خوانش چگونه است؟ ب) ویژگی های قلمرو ادبی این متن را بیان کنید. (دو مورد) پ) کدام ویژگی فکری در متن شعر، قابل مشاهده نیست؟</p>											

<p>4) شادی گرا</p>	<p>1) خوش‌بینی 2) عشق گرا 3) فلسفی 4) شادی گرا</p> <p>ث) «را» در مصرع اول بیت اول در چه معنایی به کار رفته است؟ (زهره رمانلی، استان فارس، شیراز)</p>
<p>6) با توجه به عبارت «ما روزگار انصاف بستد و دمنه را رسوا گردانید و افترا و زرق او شیر را معلوم گشت، چه نهال کردار و تخم گفتار چنان که پرورده و کاشته شود به ثمرت رسد.» کدام گزینه صحیح است؟ الف) نهال گفتار و تخم کردار اضافه استعاری هستند. ب) مفهوم عبارت تاکید بر این مطلب است که انسان سرانجام، سزای اعمال و گفتار خود را می‌بیند. ج) در عبارت فوق «دمنه» و «شیر» نقش دستوری مفعول دارند. د) رابطه معنایی واژه‌های «افترا و زرق» تضاد است. (زهره رمانلی، استان فارس، شیراز)</p>	<p>7) قسمت‌های مشخص شده، در کدام گزینه قلمرو ادبی بررسی می‌شود؟ الف) بشد تیز ره‌آم با خود و گبر/ همی گرد رزم اندر آمد به ابر ب) صیاد او را برداشت و چون صورت شد که مرده است، بینداخت ج) به آورد با او بسنده نبود / بیچید ازو روی و برگاشت زود د) پنداشت که ما دیوانه‌ایم. گفت: «بروید.» و نگذاشت که ما به گرمابه در رویم. (زهره رمانلی، استان فارس، شیراز)</p>
<p>8) قسمت‌های مشخص شده در حیطه چه قلمروهایی (ادبی، زبانی) قرار دارند؟ الف) باشد که ما را دمکی زیادت‌تر در گرمابه گذارد که شوخ از خود باز کنیم. ب) قطره باران که در افتد به خاک / زو بدمد بس گهر تابناک پ) بی‌مهر رخت روز مرا نور نمانده ست / وز عمر مرا جز شب دیچور نمانده ست ت) کشانی بدو گفت: با تو سلیح / نینیم همی جز فسوس و مزیح (زهره رمانلی، استان فارس، شیراز)</p>	<p>9) لحن خوانش بیت‌های زیر را مقابل آن بنویسید. الف) بیامد دمان با سپاهی گران / همه نره دیوان جنگاوران ب) صبا وقت سحر بویی ز زلف یار می‌آرد / دل شوریده ما را به بو در کار می‌آورد پ) یکی را روایت کنند از ملوک / که بیماری رشته کردش چو دوک ت) خدا را بر آن بنده بخشایش است / که خلق از وجودش در آسایش است (زهره رمانلی، استان فارس، شیراز)</p>
<p>10) شعر زیر را بخوانید و با توجه به کاربردهای سه‌گانه متن در مقابل گزینه‌ها علامت (ص) یا (غ) بگذارید. وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها که نعره زدی بلبل که جامه دریدی گل تا خار غم عشقت آویخته در دامان گر در طلبت ما را رنجی برسد شاید الف) نوع ادبی این شعر تعلیمی است. پ) کاربرد فعل ماضی «کردی» در معنی فعل مضارع. (زهره رمانلی، استان فارس، شیراز)</p>	<p>بی‌خویشتم کردی بوی گل و ریحان‌ها با ییاد تو افتادم از ییاد برفت آن‌ها کوته نظری باشد رفتن بسنه گلستان‌ها چون عشق حرم باشد سهل است بیابان‌ها ب) در واژه «سهل» ایهام تناسب وجود دارد. ت) جامه دریدن گل آرایه تشخیص و استعاره است</p>
<p>پاسخ‌نامه</p> <p>1- گزینه صحیح الف است. گزینه‌های (ب و ج و د) بر خطر کردن و نترسیدن از سختی‌ها اشاره دارد اما گزینه الف بر مغتنم دانستن وقت و قدر اوقات خوش را دانستن تاکید دارد.</p>	

- 2- پاسخ: 1) کهنه و مهجور بودن برخی واژگان 2) ترکیب سازی 3) متمم بین دو حرف اضافه 4) شبکه معنایی واژگان
- 3- الف) شعله: استعاره (ب) آتش: مجاز (پ) شیرین سخنی: حس آمیزی (ت) راه دست کسی نبودن: کنایه
- 4- الف) پیام حکایت: انجام کارهای بزرگ همت و غیرت می‌طلبد.
- ب) ویژگی زبانی: حذف فعل «است» به قرینه معنوی بعد از واژه‌های «کمر بسته» و «برداشته»، ده برابر خود: گروه قیدی / گران: سنگین / چون در «مور چون این بشنید»: حرف ربط وابسته ساز / چون در [بار] به این گرانی چون می‌کشد: قید پرسش / کشند: می‌کشند: مضارع اخباری / حمیت: مردانگی و سایر موارد
- ب) ویژگی ادبی: کمر بسته: کنایه از آماده شده، مستعد/کمر بسته و برداشته: سجع/ بازوی همت: اضافه استعاری/ مردان: مجاز از اشخاص بلند همت و سایر موارد.
- 5- پاسخ: الف) نوع ادبی: غنایی و نحوه خوانش: با وزن و آهنگ تند و شادی آور و حالتی که شور و شوق عاشقانه را به خواننده منتقل می‌کند، خوانده می‌شود. هجاها کوتاه و ضربی است.
- ب) تشخیص و استعاره: مژده دهید باغ را، غم به کناره می‌رود / استعاره: رخ نوربخش / استعاره: مه ده چهار / کنایه: چشم و چراغ (پ) 3 را در معنی حرف اضافه «به»
- 6- الف) نادرست) تشبیهی هستند (ب) درست (ج) نادرست دمنه مفعول و شیر متمم (د) نادرست
- 7- الف) زبانی (رفت) (ب) زبانی (تصور شد) (ج) ادبی (کنایه از روی برگرداندن و فرار کردن) (د) زبانی (وارد شویم)
- 8- پاسخ: الف) زبانی) به معنی چرک و آلودگی (ب) ادبی (استعاره) (پ) ادبی (ایهام) (ت) زبانی (ممال مزاح)
- 9- الف) حماسی (ب) غنایی (پ) روایی داستانی (ت) تعلیمی
- 10- الف) نادرست) غنایی است (ب) درست (پ) نادرست (استمراری است)

درس دوم

1) حس شادی شاعر در بیت «روی می‌پوشان که بهشتی بود/ هر که ببیند چو تو حور ای صنم» نمود چه چیزی در شعر است؟ (مجتبی حسین پور-ناحیه 2 استان قزوین)	
2) در بیت زیر، عامل غنی شدن بار حماسی فضای شعر چیست؟ «خروش آمد و ناله‌ی کَرَنای / دم نای رویین و هندی دَرای» (مجتبی حسین پور-ناحیه 2 استان قزوین)	
3) فایده‌ی توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن چیست؟ (مجتبی حسین پور-ناحیه 2 استان قزوین)	
4) وزن، امری است و بیرون از ذهن کسی که آن را درمی‌یابد، وجود ندارد؛ وسیله‌ی ادراک وزن، ما است. (مجتبی حسین پور-ناحیه 2 استان قزوین)	
5) در بیت «گفت که سرمست نه ای، رو که از این دست نه ای/ رفتم و سرمست شدم وز طرب آکنده شدم» چه عاملی بر قدرت اثرگذاری این سروده، افزوده است؟ (مجتبی حسین پور-ناحیه 2 استان قزوین)	
6) حس و حال حاکم بر فضای شعر زیر چگونه است؟ «ای نفسِ خرم باد صبا/ از بر یار آمده‌ای، مَرچبا» (مجتبی حسین پور-ناحیه 2 استان قزوین)	
7) در بیت‌های گروه الف کدام یک از آهنگ‌ها و وزن‌های گروه ب به کاررفته است؟	
الف	ب
1- بستند راه مهلت او از چهار سو / تنها نه راه مهلت او، راه چاره هم	حماسی و کوبنده
2- ملکی که پریشان شد، از شومی شیطان شد/ باز آن سلیمان شد، تا باد چنین بادا	سنگین و غمناک

شاد و شورانگیز	3- ز تیغ دلبران هوا شد بنفش / برفتند با کویانی درفش
	(مجتبی حسین پور-ناحیه 2 استان قزوین)
	8- موسیقی و لحن و حالت روحی شاعر در بیت زیر چگونه است؟ «بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم/ فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم» (مجتبی حسین پور-ناحیه 2 استان قزوین)
	9) دو بیت زیر را بخوانید و آن‌ها را از دیدگاه آهنگ و موسیقی مقایسه کنید. الف) خروشید کای فرخ اسفندیار / هماوردت آمد بر آرای کار ب) وقت را غنیمت دان آن قدر که بتوانی/ حاصل از حیات ای جان یک دم است تا دانی (مجتبی حسین پور-ناحیه 2 استان قزوین)
	10) در کدام مورد وزن و محتوا هماهنگ نیستند؟ چرا؟ الف) من طربم طرب منم، زهره زند نوای من/ عشق میان عاشقان شیوه کند برای من ب) همه دردم همه داغم همه عشقم همه سوزم/ همه درغم گذرد هر مه و سال و شب و روزم (مجتبی حسین پور-ناحیه 2 استان قزوین)
	پاسخ نامه 1- عاطفه 2- وزن و آهنگ کوبنده و کوتاه 3- سبب کشف لحن می‌شود. تشخیص لحن مناسب هر متن، خواندن را دلنشین تر و درک محتوا را آسان تر می‌سازد. 4- حسی - حواس 5- تناسب و همسویی وزن و عاطفه 6- وزن این شعر شاد و طرب انگیز است و همسویی وزن و محتوا احساس شادی را به خواننده منتقل می‌کند. 7- 1- سنگین و غمناک 2- شاد و شورانگیز 3- حماسی و کوبنده 8- مربوط به ادبیات غنایی است، شاد و شورانگیز است و وزن با محتوا هماهنگ است 9- بیت اول شعری حماسی است و وزن و آهنگ کوتاه و کوبنده دارد و شعر دوم اندرزی و تعلیمی است و در هر دو محتوا با وزن متناسب است. 10- بیت ب. زیرا شاعر حس غم و اندوه را در وزنی شاد و طرب انگیز آورد.

درس سوم

1- در کدام بیت هم مصوت کوتاه هم مصوت بلند و هم صامت واج آرایبی ایجاد کرده است؟ الف) به یاد یار و دیار آن چنان بگریم زار / که از جهان ره و رسم سفر براندازم ب) کینه توز و دیده دوز و خصم سوز و رزم ساز / شیر جوش و درع پوش و سخت کوش و کاردان (اکبر خرمیان، ناحیه 2 استان قم)
2- در بیت زیر میان کدام واژه‌ها آرایه تکرار (واژه آرایبی) به چشم می‌خورد؟ «عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست/ من که یک امروز مهمان توام فردا چرا؟» (اکبر خرمیان، ناحیه 2 استان قم)
3- در شعر زیر از اخوان ثالث، تکرار کدام مصوت بر زیبایی و گوش نوازی سخن افزوده است؟ «ای تکیه گاه و پناه / زیباترین لحظه‌های / پر عصمت و پرشکوه تنهایی و خلوت من / ای شط شیرین پر شوکت من» (اکبر خرمیان، ناحیه 2 استان قم)

گروه زبان و ادبیات فارسی استان آذربایجان شرقی

<p>4- در کدام بیت هر دو نوع واج آرایه دیده می‌شود؟ الف) شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی / غنیمت است چنین شب که دوستان بینی ب) مرا مادرم نامرگ تو کرد / زمانه مرا پتک ترک تو کرد (اکبر خرمیان، ناحیه 2 استان قم)</p>
<p>5- چه عاملی بر تأثیر آهنگین بیت زیر افزوده است؟ نام این آرایه چیست؟ «پس هستی من ز هستی اوست / تا هستم و هست دارمش دوست» (اکبر خرمیان، ناحیه 2 استان قم)</p>
<p>6- چرا واژه‌های مشخص شده در عبارت زیر نمی‌توانند نمونه مناسبی برای آرایه واژه آرایه باشند؟ «کتابی که در او داد سخن آرایی توان داد ابداع کنم» (اکبر خرمیان، ناحیه 2 استان قم)</p>
<p>7- در بیت های زیر نمونه‌های واج آرایه و واژه آرایه را بیابید. الف) گوشه گرفتم ز خلق و فایده‌ای نیست / گوشه چشمت بلای گوشه نشینان ب) ما چون ز دری پای کشیدیم، کشیدیم / امید ز هر کس که بریدیم، بریدیم (اکبر خرمیان، ناحیه 2 استان قم)</p>
<p>8- چرا واژه‌های مشخص شده در بیت زیر نمی‌توانند نمونه‌ای مناسب برای آرایه واژه آرایه باشند؟ «گلاب است گویی به جویش (روان) / چنان چون شده باز جوید (روان) (اکبر خرمیان، ناحیه 2 استان قم)</p>
<p>9- در بیت زیر چند مصوت بلند وجود دارد؟ «حلال است رفتن به صحرا، ولیک / نه انصاف باشد که پی ما روند» (اکبر خرمیان، ناحیه 2 استان قم)</p>
<p>10- شاعر در کدام بیت از آرایه واج آرایه بهره بیشتری برده است؟ الف) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را / که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را ب) رسم عاشق کشی و شیوه شهرآشوبی / جامه‌ای بود که بر قامت او دوخته بود ج) آن ابر درر بار ز دریا که برآید / پر کرده ز در و درم و دانه دهان را د) شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی / غنیمت است چنین شب که دوستان بینی (اکبر خرمیان، ناحیه 2 استان قم)</p>
<p>پاسخ نامه:</p> <p>1- گزینه ب. تکرار مصوت بلند، مصوت کوتاه کسره، صامت ی، ر 2- امروز و فردا 3- تکرار مصوت کسره 4- ب تکرار صامت م مصوت ا 5- واج آرایه صامت س 6- چون تفاوت معنایی دارند و این کاربرد آرایه جناس می‌سازد 7- واژه آرایه: کشیدیم، بریدیم 8- چون تفاوت معنایی دارند و این کاربرد آرایه جناس می‌سازد 9- 5 مصوت بلند ا 10- ج واج آرای در سه واج ا، د، ر.</p>

درس چهارم

صفحه 81 از 94

1- موضوع متن زیر از تاریخ بلعمی، کدام ویژگی بارز نثر عهد سامانی را نشان می‌دهد؟ 1/5 نمره «و این ضحاک را ازدها به وی، از آن گفتندی که بر کتف او دو پاره گوشت بود بزرگ بر رسته دراز، و سر آن به کردار ماری بود و آن را به زیر جامه اندر داشتی، و هرگاه که جامه از کتف برداشتی، خلق را به جادوی چنان نمودی که این دو ازدهاست و ازین قبل، مردمان ازو بترسیدندی؛ و عرب او را ضحاک گفتند...» (اقبال مرادی، کردستان: دیواندره)
2- عبارت زیر در مورد کدام کتاب است؟ مترجم کتاب مورد نظر را نام ببرید. 1 نمره «این کتاب تفسیر بزرگ است از روایت محمد بن جریر طبری -رحمة الله علیه - ترجمه کرده به زبان پارسی دری؛ و این کتاب را بیاوردند از بغداد، نبشته به زبان تازی؛ پس دشخوار آمد خواندن این کتاب. امیر سید ابوالمظفر ابوصالح منصور، علمای ماوراءالنهر را گرد کرد و از ایشان فتوای کرد که روا باشد که ما این کتاب را به زبان پارسی گردانیم؛ گفتند روا باشد خواندن و نبستن تفسیر قرآن به پارسی، مر آن را که او تازی نداند.» (اقبال مرادی، کردستان: دیواندره)
3- به چه دلیلی بیت زیر جزو رایج‌ترین شعرهای قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری است؟ 1/5 نمره «ز لشکر همی بر خروشید طوس / شب تیره تا گاه بانگ خروس» (اقبال مرادی، کردستان: دیواندره)
4- چرا متن «پادشاهی را شنیدیم به کشتن اسیری اشارت کرد بیچاره در آن حالت نومیدی ملک را دشنام دادن گرفت و سقط گفتن که گفته‌اند هر که دست از جان بشوید هر چه در دل دارد بگوید.» جزو متن‌های عهد سامانی محسوب نمی‌شود؟ 1 نمره (اقبال مرادی، کردستان: دیواندره)
5- آوردن تشبیهات گوناگون در شعر قرن 4 و نیمه اول قرن پنجم یکی از ویژگی‌های بارز شعر آن عهد است؛ ویژگی ذکر شده را در دو بیت زیر بررسی کنید. مرا بسود و فرو ریخت هر چه دندان بود سپید سیم زده بود و در و مرجان بود نیسود دندان، لابل چراغ تابان بود ستاره سحری بود و قطره باران بود (اقبال مرادی، کردستان: دیواندره)
6- منطقه‌ی رواج «فارسی دری» را بر روی نقشه‌ی زیر مشخص کنید. (هاشور بزینید) (اقبال مرادی، کردستان: دیواندره)
7- تصویر زیر مربوط به کدام خط نوشتاری است؟ و در زمان کدام دوره پادشاهی رواج داشت؟
8- متن زیر برگرفته از چه کتابی است؟ و مولف آن کتاب را نام ببرید. «پس امیرابومنصور عبدالرزاق، دستور خویش، ابومنصور المَعمری را بفرمود تا خداوندان کتب را، از دهقانان و فرزانتگان و جهان دیدگان از شهرها بیاورد و چاکر او ابو منصور المَعمری به فرمان او نامه کرد و کس فرستاد به شهرهای خراسان و هشیاران از آنجا بیاورد از هر جای و از هر شارستان گرد کرد و بنشانند.» (اقبال مرادی، کردستان: دیواندره)
9- کدام یک از بیت‌های زیر ویژگی اصلی شعر فارسی قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری را داراست؟ الف) نامت شنوم، دل ز فرح زنده شود / حال من از اقبال تو فرخنده شود ب) چشمش ز خواب و غمزه زنبور سرخ کافر / شهد سپید در لب و موم سیاه خالش (اقبال مرادی، کردستان: دیواندره)
10- تعداد..... سؤال از سوالات زیر درباره تاریخ ادبیات قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم پاسخ درست داده شده است. الف) امرای سامانی از چه طریقی در برابر خلافت بغداد به هویتی مستقل دست یافتند؟ تأکید بر ضرورت تألیف به زبان فارسی دری و گردآوری تاریخ و روایات گذشته ایرانی ب) شعر غنایی با کدام شاعران قوت و استحکام یافت؟ رودکی و شهید بلخی

گروه زبان و ادبیات فارسی استان آذربایجان شرقی

<p>ج) کدام شاعران در اواخر عهد سامانی تربیت یافته بودند؟ عنصری فردوسی منوچهری د) دو مورد از خصیصه‌های شعر این دوره را نام ببرید؟ آوردن ترکیبهای تازه استعاره‌های دلپذیر ه) به چه علت در آغاز این دوره دانشمندان آثار خود را به عربی می‌نویسند؟ تا زبان عربی که زبان دین اسلام است، باقی بماند. (اقبال مرادی، کردستان: دیواندره)</p>
<p>پاسخ نامه:</p> <p>1- آوردن موضوع‌های حماسی و ملی ایران 2- ترجمه تفسیر طبری - جمعی از دانشمندان آن زمان 3- شعر حماسی جزو رایج‌ترین انواع شعر فارسی بود. 4- در نثر این دوره هنوز ضرب المثل وارد نشده است، اما در این عبارت ضرب المثل هست. 5- شاعر با بهره بردن از آرایه‌ی تشبیه، 5 بار در دو بیت تشبیه به کار برده است. مثلاً دندانم مثل چراغ تابان است و... 6- مشرق و شمال شرقی ایران باید هاشور زده شود. 7- میخی - هخامنشیان 8- شاهنامه ابومنصوری - عده‌ای از دانشوران خراسان 9- گزینة الف/ شعر ساده و روانی کلام در آن مشهود است. 10- سه</p>

درس پنجم

<p>1- گزینة صحیح را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) مقدار آوایی که با یک بار دهان باز و بسته می‌شود نام دارد. (لحن - هجا - حرف) ب) شکل نوشتاری واج را گویند. (عاطفه - حرف - واج) (عباس مهدی زاده- شهرستان راین- استان کرمان)</p>
<p>2- درستی و نادرستی عبارتهای زیر مشخص کنید. الف) هر رکن از بخش‌های کوچک‌تری به نام وزن تشکیل شده است. ب) تعداد هجای یک کلمه برابر است با تعداد مصوت‌های آن کلمه است. (عباس مهدی زاده- شهرستان راین- استان کرمان)</p>
<p>3- واج «ن» در کدام واژه زیر قابل حذف نیست؟ الف) میمون ب) سیمان ج) یاسمن د) خورجین (عباس مهدی زاده- شهرستان راین- استان کرمان)</p>
<p>4- چرا دو کلمه «نمایش - سماجت» از نظر وزن با هم برابر هستند؟ (عباس مهدی زاده- شهرستان راین- استان کرمان)</p>
<p>5- برای الگوهای هجایی زیر یک مثال بیاورید. الف) صامت + مصوت کوتاه ب: صامت + مصوت بلند + صامت + صامت..... (عباس مهدی زاده- شهرستان راین- استان کرمان)</p>
<p>6- کدام واژه با الگوی « - - u - » برابر نیست؟ الف) نمی‌دانم ب) نتوانم ج) جوانمردی د) دو میدانی (عباس مهدی زاده- شهرستان راین- استان کرمان)</p>
<p>7- در کدام گزینة زیر «و» صامت نیست؟ الف) سوار ب) سودابه ج) دماوند د) ورزشکار</p>

(عباس مهدی زاده-شهرستان راین - استان کرمان)
8- کدام مصراع زیر با الگوی « - u - - - u - - - u - » برابر است؟ الف) بشنو از نی چون شکایت می کند (ب) خلوتم چراغان کن، ای چراغ روحانی (عباس مهدی زاده- شهرستان راین-استان کرمان)
9- در مصراع «بخور تا توانی به بازوی خویش» چند هجای کوتاه دیده می شود؟ (عباس مهدی زاده- شهرستان راین-استان کرمان)
10- بیت زیر را تقطیع کنید و علامت خاص هر هجا را بنویسید. تا رنج تحمل نکنی، گنج نبینی/تا شب نرود، صبح پدیدار نباشد (عباس مهدی زاده-شهرستان راین- استان کرمان)
پاسخ نامه
1) الف) هجا (ب) حرف
2) الف) نادرست (ب) درست پ
3) ج
4) الف) تعداد هجاها با هم برابر باشد / (ب) مصوت های کوتاه و بلند آنها در مقابل یکدیگر قرار گیرد.
5) الف) به ، دو ، نه و ... (ب) آرد، دوست، ماست و (نظر همکاران شرط است).
6) ب
7) ب
8) الف
9) چهار هجای کوتاه

درس ششم

1-واژه ای بنویسید که با «کمال» سجع متوازی داشته باشد. (مسعود اسکندری، استان کرمانشاه، ناحیه 3)
2- سجع را در جمله های زیر بیابید و نوع سجع را در هر مورد بیان کنید. الف) مُلک بی دین باطل است و دین بی مُلک ضایع. (ب) یک خلقت زیبا، به از هزار خلعت دیبا. (مسعود اسکندری، استان کرمانشاه، ناحیه)
3- کدام مورد زیر درباره ی «سجع» صحیح نمی باشد؟ الف) یکسانی دو واژه در واج یا واج های پایانی و وزن، یا هر دوی آن هاست. ب) سجع فقط در نثر به کار می رود و کاربردی در شعر ندارد. (مسعود اسکندری، استان کرمانشاه، ناحیه 3)
4- در مقوله ی سجع به کلمات مشخص شده در هر جمله و به آهنگ برخاسته از آن ها می گویند. (مسعود اسکندری، استان کرمانشاه، ناحیه 3)
5- واژه ای بنویسید که با «جانم» سجع مُطرف بسازد. (مسعود اسکندری، استان کرمانشاه، ناحیه 3)
6- سجع در نثر مانند..... در شعر است. (مسعود اسکندری، استان کرمانشاه، ناحیه 3)
7- سجوی که ارکان آن، هم وزن باشد و واج های پایانی آن ها نیز یکی باشد نامیده می شود. (مسعود اسکندری، استان کرمانشاه، ناحیه 3)

8- آیا عبارت زیر را می‌توان مسجّع نامید؟ دلیل خود را بنویسید. محبت را غایت نیست؛ از بهر آنکه محبوب را نهایت نیست. (مسعود اسکندری، استان کرمانشاه، ناحیه 3)
9- ارزش موسیقایی از همه‌ی سجع‌ها بیشتر است. (مسعود اسکندری، استان کرمانشاه، ناحیه)
10- با توجه به سجع‌های به کار رفته در موارد زیر، ارزش موسیقایی کدام مورد بیشتر است؟ دلیل خود را بنویسید. الف) جوانمرد که بخورد و بدهد؛ به از عابد که روزه دارد و بنهد. ب) دوستی را که به عمری فراچنگ آرند؛ نشاید که به یک دم بیازارند. (مسعود اسکندری، استان کرمانشاه، ناحیه 3)
پاسخ نامه
1- جمال یا هر واژه‌ای از این دست.
2- الف) باطل - ضایع (سجع متوازن) ب) زیبا - دیبا (سجع متوازی)
3- گزینه "ب" - زیرا سجع هم در نثر و هم در شعر کاربرد دارد.
4- ارکان سجع - سجع
5- دهانم، یا هر واژه‌ای شبیه به آن.
6- قافیه
7- سجع متوازی (متوازی)
8- بله - زیرا در پایان مصراع‌ها سجع مطرف به کار رفته است یا دارای سجع مطرف است.
9- سجع متوازی
10- الف، زیرا در آن سجع متوازی به کار رفته است.

درس هفتم

1- دو مورد از ویژگی‌های زبانی سبک خراسانی را در شعر زیر پیدا کنید و بنویسید مهرتری گر به کام شیر در است/ شو، خطر کن ز کام شیر بجوی یا بزرگی و عزّ و نعمت و جاه/ یا چو مردانت مرگ رویاروی (حسن حسنعلی پور و معصومه همتی استان کهگیلویه و بویراحمد)
2- جاهای خالی را کامل کنید. الف) قالب عمده شعر در سبک خراسانی است؛ قالب‌های مسمط، ترجیع بند و مثنوی نیز به تدریج در این دوره شکل می‌گیرد و قالب نیز در اواخر این دوره، رشد می‌یابد. (حسن حسنعلی پور و معصومه همتی استان کهگیلویه و بویراحمد)
3- کدام ویژگی ادبی سبک خراسانی در دو بیت زیر دیده می‌شود؟ چون بُناگوش نیکوان شد باغ/ از گل سبب و از گل بادام همچو لوح زمردین گشته‌ست/ دشت همچون صحیفه‌ای زرّخام (حسن حسنعلی پور و معصومه همتی استان کهگیلویه و بویراحمد)
4- کدام ویژگی فکری سبک خراسانی در بیت زیر دیده می‌شود؟ گل سوری به دست باد بهار/ سوی باده همی دهد پیغام (حسن حسنعلی پور و معصومه همتی استان کهگیلویه و بویراحمد)
5- هر یک از موارد زیر مربوط به کدام قلمرو شعر سبک خراسانی است؟ الف- قافیه و ردیف، بسیار ساده است ب- معشوق، عمدتاً زمینی است ج- کمی لغات عربی (حسن حسنعلی پور و معصومه همتی استان کهگیلویه و بویراحمد)

<p>6- کدام گزینه از ویژگی‌های نثر زیر است؟ «و چون ابرهه را چشم بر عبدالمطلب افتاد، حالی حرمت او را از تخت فرو آمد و بنشست با عبدالمطلب، و او را گفت که یا پیر، حاجت خواه، ابرهه چنان دانست که او حاجت خانه خواهد خواست، و به دلش اندر بود اگر حاجت خانه خواهد، بدو بخشد. که پس عبدالمطلب گفت که دویست اشتر از آن من بیاورده‌اند، بفرمای تا اشتران من بازدهند.» الف) ایجاز و اختصار در لفظ و معنا - کوتاهی جملات - لغات کم کاربرد فارسی در مقایسه با دوره‌های بعد ب) اطناب - تمثیل و استشهاد به آیات، احادیث و اشعار عرب - افزایش یافتن کاربرد نشانه‌های جمع فارسی بر جمع عربی ج) حسن حسنعلی پور و معصومه همتی استان کهگیلویه و بویراحمد</p>
<p>7- دو مورد از ویژگی‌های نثر زیر را بنویسید. «به روزگار خسرو، اندر وقت بوذرجمهر، رسولی آمد از روم. خسرو بنشست چنان که رسم ملوک بود؛ و رسول را بار داد. پیش رسول با وزیر، بوذرجمهر، گفت: «ای فلان، همه چیز در عالم تو دانی؟» بوذرجمهر گفت: «نه، ای خدایگان!» خسرو از آن طیره شده و از رسول، خجل گشت. پرسید که همه چیز پس که دانند؟ بوذرجمهر گفت: «همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر زاده نشده‌اند.» ج) حسن حسنعلی پور و معصومه همتی استان کهگیلویه و بویراحمد</p>
<p>8- کدام گزینه در سبک خراسانی سروده نشده است؟ الف) مهتری گر به کام شیر در است / شو خطر کن ز کام شیر بجوی ب) گل بخندید و باغ شد پدرام / ای خوشا این جهان بدین هنگام ج) به نام خداوند جان و خرد / کزین برتر اندیشه برنگذرد ج) حسن حسنعلی پور و معصومه همتی استان کهگیلویه و بویراحمد</p>
<p>9- با توجه به قافیه و ردیف کدام بیت ویژگی ادبی سبک خراسانی را ندارد؟ الف) مرا بسود و فروریخت هر چه دندان بود / نبود دندان، لابل چراغ تابان بود ب) کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را؟ / کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را؟ ج) بوی جوی مولیان آید همی / یاد یار مهربان آید همی ج) حسن حسنعلی پور و معصومه همتی استان کهگیلویه و بویراحمد</p>
<p>10- آثار داده شده در کدام گزینه همگی یک نوع سبک نثری محسوب می‌شوند؟ الف) ترجمه تفسیر طبری، تاریخ بلعمی، التفهیم، شاهنامه ابومنصوری، کشف المحجوب ب) تاریخ بیهقی، قابوس نامه، سفرنامه ناصر خسرو، سیاست نامه، کیمیای سعادت ج) حسن حسنعلی پور و معصومه همتی استان کهگیلویه و بویراحمد</p>
<p>پاسخ نامه:</p> <p>1- سادگی زبان شعر 2- کمی لغات عربی 3- تفاوت تلفظ برخی از کلمات در مقایسه با امروز (مردانت) 4- کهنه و مهجور بودن بخشی از لغات در مقایسه با دوره‌های بعد (مهتری - شو) 5- استفاده از دو نشانه برای یک متمم (به کام شیر در) 2- قصیده - غزل 3- در توصیف پدیده‌ها بیشتر از تشبیه (از نوع حسی) بهره گرفته می‌شود- قافیه و ردیف، بسیار ساده است 4- روح شادی و نشاط و خوش باشی 5- الف- قافیه و ردیف، بسیار ساده است = ادبی ب - معشوق، عمدتاً زمینی است = فکری ج - کمی لغات عربی = زبانی 6- الف- ایجاز و اختصار در لفظ و معنا ب - کوتاهی جملات - لغات کم کاربرد فارسی در مقایسه با دوره‌های بعد 7- نثر دوره غزنوی و سلجوقی است، افزایش کاربرد لغات عربی (رسول، رسم، ملوک، خجل، عالم و طیره)، اطناب. 8- د) آمد نفس صبح و سلامت نرسانید/ بوی تو نیاورد و پیامت نرسانید</p>

- 9- ب) کی رفته‌ای ز دل که تمنّا کنم تو را؟ / کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را؟
 10- ب) تاریخ بیهقی، قابوس‌نامه، سفرنامه ناصر خسرو، سیاست‌نامه، کیمیای سعادت.

درس هشتم

1- کدام گزینه از نظر دوتلفظی بودن با یکی از واژگان مصرع «آسمان بار امانت نتوانست کشید» برابر است؟ الف) بیقرار (ب) رایانه (ج) یادگار (د) پیرانه (نیلوفر احمدی، استان گلستان، شهرستان بندرگز)
2- بیت زیر را به خط عروضی بنویسید، مرز هجاها را مشخص کنید و زیر هر هجا علامت آن را بگذارید. چرا گوید آن چیز در خُفیه مرد/ که گر فاش گردد شود روی زرد (نیلوفر احمدی، استان گلستان، شهرستان بندرگز)
3- تقطیع هجایی کدام مصرع درست صورت نگرفته است؟ الف) راست چون جان بر میان بندد دلم - U - - - U - - - U - ب) من از صبا و چمن بدگمان نمی گشتم: - - - U - U - - - UU - U - - - ج) دلم را بیقراری در بغل آرام می گیرد - U - - - - U - - - - U - - - - د) از این نکته قفل از دلم برگشاد: - U - - - U - - - U - - - (نیلوفر احمدی، استان گلستان، شهرستان بندرگز)
4- در کدام گزینه مصوت بلند معادل یک مصوت کوتاه تلفظ می‌شود؟ الف) کوتاه (ب) خزان (ج) دیدار (د) شتاب زده (نیلوفر احمدی، استان گلستان، شهرستان بندرگز)
5- با توجه به علامت هجاها، یک واژه بنویسید.: U - - - (ت): U - U - (پ): U - - - (ب): UU - - - (الف) (نیلوفر احمدی، استان گلستان، شهرستان بندرگز)
6- در بیت زیر، تعداد هجاهای بلند و کشیده به ترتیب، چند تا است؟ از پای فتادیم چو آمد غم هجران/ در درد بمردیم چو از دست دوا رفت (نیلوفر احمدی، استان گلستان، شهرستان بندرگز)
7- در تقطیع هجایی بیت زیر چند هجای کوتاه و چند هجای بلند وجود دارد؟ کاش که در قیامتش بار دگر بدیدمی / کانچه گناه او بود من بکشم غرامتش (نیلوفر احمدی، استان گلستان، شهرستان بندرگز)
8- هجابندی صحیح بیت زیر را بنویسید؟ بیا به شام غریبان و آب دیده من بین/ به سان باده صافی در آبگینه شامی (نیلوفر احمدی، استان گلستان، شهرستان بندرگز)
9- بیت زیر را به خط عروضی بنویسید. دوش رفتم به در میکده خواب آلوده/ خرقه تر دامن و سجاده شراب آلوده (نیلوفر احمدی، استان گلستان، شهرستان بندرگز)
10- باتوجه به خوانش دقیق ابیات، تعداد هجاهای بلند بیت زیر چند تا است؟ گر ندارم من در این اندوه کس/ همدم در عشق او اندوه بس (نیلوفر احمدی، استان گلستان، شهرستان بندرگز)

3-گزینه (ب) تقطیع صحیح این مصراع ---U-U--UU-U-U
4- ب
5- نظر مصحح صائب است.
6- یازده و پنج هجاهای بلند: از، تاء، آ، مدهج، ران، در، مُر، آز، وا، رفت (یازده مورد)
توجه: با توجه به اختیارات شاعری (رفت) در پایان مصراع دوم، هجای بلند محسوب می‌شود. هجاهای کشیده: پای، دیم، دَرَد، دیم، دست 5 مورد.
7- هشت هجای کوتاه و هشت هجای بلند در هر مصراع
8-دب / یا / اب / شام / اغ / اری / بان / آ / اب / دی / اد / ای / اب / اگی / ان / ای / شامی
9- دوش رَقْتَم بِ دَرْدَرِ مِیْکَدِ خَابَالُودِ خِرَقِ تَرِ دَامَنْ سَجْجَادِ شَرَابَالُودِ
10- 41 مورد (گر، دا، رم، من، رین، آن، کس، هم، مم، در، عیش، او، آن، بس)

درس نهم

1- تعیین کنید کدام عبارت درست و کدام عبارت نادرست است. الف) موازنه، تقابل سجع‌های متوازن یا متوازی در دو یا چند جمله است که به هماهنگی آنها می‌انجامد. درست نادرست ب) آرایه موازنه فقط در شعر کاربرد دارد. درست نادرست (زلیخا محمدی، استان: گیلان شهر: بندکياشهر)
2- جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید. تقابل سجع‌های و در دو یا چند جمله که به هماهنگی آنها بینجامد، موازنه نام دارد. (زلیخا محمدی، استان: گیلان شهر: بندکياشهر)
3- در بیت «شاکر نعمت به هر مقام که بودیم/ داعی دولت به هر طریق که هستیم» آرایه به کار رفته است. (زلیخا محمدی، استان: گیلان شهر: بندکياشهر)
4- در کدام بیت موازنه و در کدام بیت ترصیع وجود دارد؟ الف) ما چوناییم و نوا در ما زتوست/ ما چو کوهیم و صدا در ما زتوست ب) خالق و رازق و زمین و زمان/ حافظ و ناصر و مکین و مکان (زلیخا محمدی، استان: گیلان شهر: بندکياشهر)
5- با توجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید: «ای زبان، هم گنج بی‌پایان تویی/ ای زبان، هم رنج بی‌درمان تویی» الف) در این بیت چه واژه‌هایی با هم، سجع متوازی دارند؟ ب) تقابل سجع‌های متوازی در این بیت، سبب پیدایش کدام آرایه شده است؟ توضیح دهید. (زلیخا محمدی، استان: گیلان شهر: بندکياشهر)
6- کدام بیت از نظر کاربرد «سجع» ارزش موسیقایی بیشتری دارد؟ الف) هم عقل دویده در رکابت/ هم شرع خزیده در پناهت ب) مابرون را ننگریم و قال را/ ما درون را بنگریم و حال را (زلیخا محمدی، استان: گیلان شهر: بندکياشهر)
7- در کدام یک از ابیات، شاعر از آرایه ترصیع، بهره برده است؟ دلیل انتخاب خود را بنویسید. الف) ما زبالاییم و بالا می‌رویم/ ما زدریاییم و دریا می‌رویم ب) راه وصل تو راه پر آسیب/ درد عشق تو درد بی‌درمان (زلیخا محمدی، استان: گیلان شهر: بندکياشهر)

8- موسیقی بیتی که موازنه دارد گوش نوازتر است یا بیتی که ترصیع دارد؟ چرا؟ (زلیخا محمدی، استان: گیلان شهر: بندکیشهر)
9- موازنه‌ای که همه سجع‌های آن متوازی باشند، چه نام دارد؟ (زلیخا محمدی، استان: گیلان شهر: بندکیشهر)
10- تقابل سجع‌های متوازن یا متوازی در دو یا چند جمله که به هماهنگی آنها انجامد، چه آرایه‌ای را ایجاد می‌کند؟ (زلیخا محمدی، استان: گیلان شهر: بندکیشهر)
پاسخ نامه:
1- الف- درست ب- نادرست
2- متوازی- متوازن
3- موازنه
4- الف- ترصیع ب- موازنه
5- الف- (گنج و رنج و بی‌پایان، بی‌درمان ب- آرایه ترصیع؛ زیرا ترصیع موازنه‌ای است که همه سجع‌های آن متوازی باشد.
6- بیت (ب)؛ زیرا بیت دوم آرایه ترصیع دارد و ارزش موسیقایی سجع متوازی بیشتر از آرایه موازنه است.
7- بیت الف. آرایه ترصیع به کار رفته است؛ زیرا همه سجع‌های آن متوازی هستند.
8- بیتی که ترصیع دارد؛ در ترصیع همه سجع‌ها متوازی‌اند که از نظر موسیقایی از سجع‌های دیگر با ارزش‌تر است
9- ترصیع
10- موازنه

درس دهم

1- موضوع قابل توجه در شعر نیمه دوم قرن ششم کدام گزینه است؟ (الف) ورود لغات زبان ترکی و مغولی به زبان فارسی (ب) علاقه مندی شاعران به سرودن غزل‌های لطیف و زیبا (ج) رواج نثر داستان‌های تمثیلی و عرفانی (د) رواج حس دینی (لیلا زاهدی ناصر شهرستان، خرم آباد)				
2- چرا آمیختگی زبان فارسی با واژگان عربی بر اثر گذشت زمان بیشتر می‌شد؟ (لیلا زاهدی ناصر شهرستان، خرم آباد)				
3- دو تن از شاعران معروف آذربایجان را نام ببرید. (لیلا زاهدی ناصر شهرستان، خرم آباد)				
4- ویژگی اصلی نثر موزون به کارگیری سجع است. صحیح غلط (لیلا زاهدی ناصر شهرستان، خرم آباد)				
5- نخستین نمونه نثر فنی کتاب اثر است. (لیلا زاهدی ناصر شهرستان، خرم آباد)				
6- چه کسی شیوه نثر موزون را به کمال رساند؟ (لیلا زاهدی ناصر شهرستان، خرم آباد)				
7- جدول زیر را کامل کنید.				
<table border="1"> <tr> <td>ابوالفضل میبدی</td> <td>نوع نثر</td> <td>مؤلف</td> <td>نام اثر</td> </tr> </table>	ابوالفضل میبدی	نوع نثر	مؤلف	نام اثر
ابوالفضل میبدی	نوع نثر	مؤلف	نام اثر	

گروه زبان و ادبیات فارسی استان آذربایجان شرقی

(لیلا زاهدی ناصر شهرستان، خرم آباد)			
8- دو مورد از ویژگی‌های عمده نثر متن زیر را بنویسید. «...خزاین آراسته لشکر جرّار و بندگان فرمانبردار. زمستان به دارالملک بخارا مقام کردی و تابستان به سمرقند رفتی یا به شهرهای خراسان» (لیلا زاهدی ناصر شهرستان، خرم آباد)			
9- عمده‌ترین دلیل توجه نویسندگان به فارسی نویسی در سده‌های پنجم و ششم چیست؟ الف- استفاده از ترکیبات دشوار ب- رواج داستان سرایی و منظومه‌های داستانی ج- گسترش تصوّف و عرفان د- رواج مفاخره، شکایت و انتقاد اجتماعی (لیلا زاهدی ناصر شهرستان، خرم آباد)			
10- دو مورد از عوامل مهم پیشرفت و گسترش زبان و ادبیات فارسی در قرن سوم تا میانه قرن پنجم را بنویسید. (لیلا زاهدی ناصر شهرستان، خرم آباد)			
پاسخ نامه:			
1- گزینه ب صحیح است			
2- زیرا در مدارس آن عهد، عمدتاً تحصیل علوم دینی و ادبی میسر بود؛ به همین دلیل شاعران و ادیبان، بیش از هر چیزی با زبان و ادبیات عرب آشنا شدند.			
3- خاقانی و نظامی			
4- صحیح			
5- کلیله و دمنه اثرنصرالله منشی			
6- خواجه عبدالله انصاری			
7- نثر موزون ابوالفضل میبیدی کشف الاسرار و عده الابرار			
8- 1- کاربرد لغات مهجور عربی 2- حذف فعل به قرینه 3- استفاده از آرایه ادبی سجع			
9- گزینه ج صحیح است			
10- الف - گرایش شاهان در جلب حمایت عالمان و ادیبان به دربار ب- لشکر کشی‌ها و فتوحات غزنویان ج- توسعه مدارس و مراکز تعلیم و تربیت			

درس یازدهم

1- از دو بیت زیر کدام یک زیباتر و اثرگذارتر است؟ با ذکر دلیل بنویسید. الف) یاربد، هین مار است از او بگریز/ تا آن زشت خو، بر تو ز هر نریزد ب) یار بد مراست هین بگریز از او / تا نریزد بر تو زهر، آن زشت خو (خانم غلامی - استان مازندران - فریدون کنار)
2- در بیت «در غم ما روزها بی‌گاه شد/ روزها با سوزها همراه شد» کلمات قانیه کدام است؟ الف - روزها و همراه. ب- بی‌گاه و همراه. پ - شد و شد. ت - بی‌گاه و سوزها (خانم غلامی - استان مازندران - فریدون کنار)
3- درست یا نادرست بودن گزاره‌های زیر را مشخص کنید. الف- در بیت «گلاب است گویی به جویش روان/ همی شاد گردد زبویش روان» کلمه «روان» در مصراع اول و دوم ردیف می‌باشد. درست نادرست ب- در بیت «دلارام در بر دلارام جوی/ لب از تشنگی خشک بر طرف جری» کلمه «جوی» در مصراع اول و دوم ردیف نمی‌باشد.

درست نادرست (خانم غلامی - استان مازندران - فریدون کنار)
4- کدام گروه از کلمات زیر را نمی‌توان با هم قافیه قرار داد؟ الف - بهارم (من) و نگارم (من) ب - خدای و جای پ - بیشتر و خوشتر ت - بودم و سرودم (خانم غلامی - استان مازندران - فریدون کنار)
5- با توجه به بیت زیر پاسخ دهید. «مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو/ یادم از کشته خوش آمد و هنگام درو» الف - واژه های قافیه در بیت کدام هستند؟ ب - حروف قافیه را مشخص کنید. ب - قاعده قافیه را بنویسید. (خانم غلامی - استان مازندران - فریدون کنار)
6- از میان کلمات مقابل قافیه ساختن کدام کلمه با بقیه نادرست است؟ با ذکر دلیل بنویسید. الف - تمیز ب - لذیذ پ - ریز ت - خیز (خانم غلامی - استان مازندران - فریدون کنار)
7- با توجه به بیت «به فرق چمن ابر گسترده پر/ که به فرش زمرد فرو ریخت در» الف - آیا کلمات (پر و در) را می‌توان بعنوان واژگان قافیه به کار گرفت؟ ب - درستی یا نادرستی آن را توضیح دهید. (خانم غلامی - استان مازندران - فریدون کنار)
8- از دوبیت زیر کدام بیت طبق هیچ یک از قواعد دوگانه قافیه ساخته نشده است؟ الف - گاه توبه کردن آمد از مدایح وز هجی/ کز هجی بینم زیان واز مدایح سود نی ب - اگر چه رفت غبارم به راه او بر باد/ زگرد حادثه بر دامنش غبار مباد (خانم غلامی - استان مازندران - فریدون کنار)
9- با توجه به بیت «طرفه می‌دارند یاران صبر من بر داغ و درد/ داغ و دردی کز تو باشد خوش تر است از باغ و ورد» الف - در بیت چند قافیه به کار رفته است؟ ب - این نوع قافیه‌ها را چه می‌نامند؟ پ - کدام واژه‌ها قافیه اصلی محسوب می‌شود؟ (خانم غلامی - استان مازندران - فریدون کنار)
10- در بیت «شاهد آن نیست که مویی و میانی دارد / بنده طلعت آن باش که آنی دارد» الف - کلمات قافیه را بنویسید. ب - حرف (روی) را مشخص کرده بنویسید. پ - حرف الحاقی را مشخص کرده بنویسید. (خانم غلامی - استان مازندران - فریدون کنار)
پاسخ نامه:
1- گزینه ب، بدلیل وجود وزن و قافیه شعر زیباتر و اثرگذارتر است.
2- ب
3- الف - نادرست. ب - درست
4- الف - درست. نادرست
5- نو. درو. مصوت کوتاه و. واو. قاعده دوم.
6- ب لذیذ چون حروف قافیه هم از نظر تلفظ وهم از نظر شکل و نوشتاری باید مشابه و همسان باشند.
7- خیر چون طبق قاعده 2 (مصوت کوتاه + صامت) می‌باشد که مصوت کوتاه در دو کلمه متفاوت می‌باشد. بنابراین نمی‌توان آن را قافیه قرار داد.
8- الف مصوت بلند (ی) حرف قافیه قرار گرفته که مطابق هیچ یک از قواعد 1 و 2 قافیه نمی‌باشد.
9- 2 قافیه پایانی ب - ذوقافیتین
پ- درد. ورد (واژه های آخر)
10- الف- میانی ، آنی ب- ن پ- ی

پ درد، ورد واژه های پایانی ب - ن حرف روی
پ- ی حرف الحاقی

درس دوازدهم

<p>1- در کدام بیت، «جناس ناقص اختلافی» وجود ندارد؟ الف- پدر با پسر یکدگر را کنار / گرفتند کرده غم از دل کنار ب- سعدیا گر نکند یاد تو آن ماه مرنج / ما که باشیم که اندیشه ی ما نیز کنند ج- بوی جوی مولیان آید همی / یاد یار مهربان آید همی د- کفر است در طریقت ما کینه داشتن / آیین ماست سینه چو آئینه داشتن (میترا کاظمی. ناحیه 1 اراک)</p>
<p>2- در بیت «دل من هست از این بازار، بیزار / قسم خواهی به دادار و به دیدار (در کدام واژه‌ها جناس وجود دارد؟ بنویسید که جناس از چه نوعی است؟ (میترا کاظمی. ناحیه 1 اراک)</p>
<p>3- با توجه به بیت، جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید. گل نعمتی است هدیه فرستاده از بهشت / مردم کریم تر شوند اندر نعیم گل در این بیت، واژه و آرایه اشتقاق را پدید می‌آورند. (میترا کاظمی. ناحیه 1 اراک)</p>
<p>4- کدام یک از جناس‌های زیر، هم ریشگی (اشتقاق) ندارد؟ (فقط یک گزینه را علامت بزنید). الف- منظر- نظر ب- شور- شعر پ- خالق- خلق ت- علم - معلم (میترا کاظمی. ناحیه 1 اراک)</p>
<p>5- انواع جناس را در ابیات و عبارت زیر مشخص کنید. الف- گر مر او را این نظر بودی مُدام / چون ندیدی زیر مثنی خاک، دام ب- در دل، عطش عشق خدایی ما راست / دیوانهٔ وصلیم و جدایی ما راست ج- بهرام که گور می گرفت می همه عمر / دیدی که چگونه گور بهرام گرفت د- مگذران روز سلامت به ملامت، حافظ / چه توقع ز جهان گذران می داری ه- ای مرغ اگر پری به سر کوی آن صنم / پیغام دوستان برسانی بدان پری. و- برادر که در بند خویش است نه برادر، نه خویش است. (میترا کاظمی. ناحیه 1 اراک)</p>
<p>6- در کدام گزینه، جناس از نوع «اشتقاق» یافت می‌شود؟ الف- زد به دلم در آتشی، عشق بُتی که نام او / زهره و آفتاب را زهره به آب می کند ب- اگر تو فارغی از حال دوستان یارا / فراغت از تو میسر نمی‌شود ما را ج- مرا زمانه ز یارم به منزلی انداخت / که راضی‌ام به نسیمی کز آن دیار آید د- من اول روز دانستم که با شیرین درافتادم / که چون فرهاد باید شست، دست از جان شیرینم (میترا کاظمی. ناحیه 1 اراک)</p>
<p>7- جناس را در بیت زیر شناسایی کرده و نوع آن را بنویسید. چو شد روز، رستم بیوشید گبر / نگهبان تن کرد بر گبر بیر. (میترا کاظمی. ناحیه 1 اراک)</p>
<p>8- به ناهمسانی دو واژه در تعداد حروف، جناس... .. می‌گویند. (میترا کاظمی. ناحیه 1 اراک)</p>
<p>9- آیا در بیت «هر که گوید کلاغ چون باز است / نشنوندش که دیده‌ها باز است» قافیه را می‌توان جناس در نظر گرفت؟ چرا؟ (میترا کاظمی. ناحیه 1 اراک)</p>

11- ارزش موسیقایی کدام جناس در سخن بیشتر است؟ (میترا کاظمی. ناحیه 1 اراک)

پاسخ نامه:

- 1- ب- سعدیا گر نکند یاد تو آن ماه مرنج/ ما که باشیم که اندیشه ی ما نیز کنند
- 2- بازار- بیزار: جناس ناقص اختلافی دادار- دیدار: جناس ناقص اختلافی
- 3- ب- شور- شعر
- 4- الف: مدام- دام: جناس ناهمسان افزایشی
ب: خدایی- جدایی: جناس ناهمسان اختلافی
- ج: گور- گور: جناس همسان
- د: ملامت- سلامت: جناس ناهمسان اختلافی ه: پری- پری: جناس همسان
و: خویش- خویش: جناس همسان
- 6- ب- اگر تو فارغی از حال دوستان یارا / فراغت از تو میسر نمی شود ما را
- 7- گبر- ببر: جناس ناهمسان اختلافی
- 8- ناهمسان (ناقص افزایشی)
- 9- بله، (باز) و (باز) ردیف نیست؛ بلکه قافیه است چون این دو واژه جناس تام برقرار کرده‌اند و معنی یکسان ندارند.
- 10- جناس تام (همسان)

گروه زبان و ادبیات

